

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

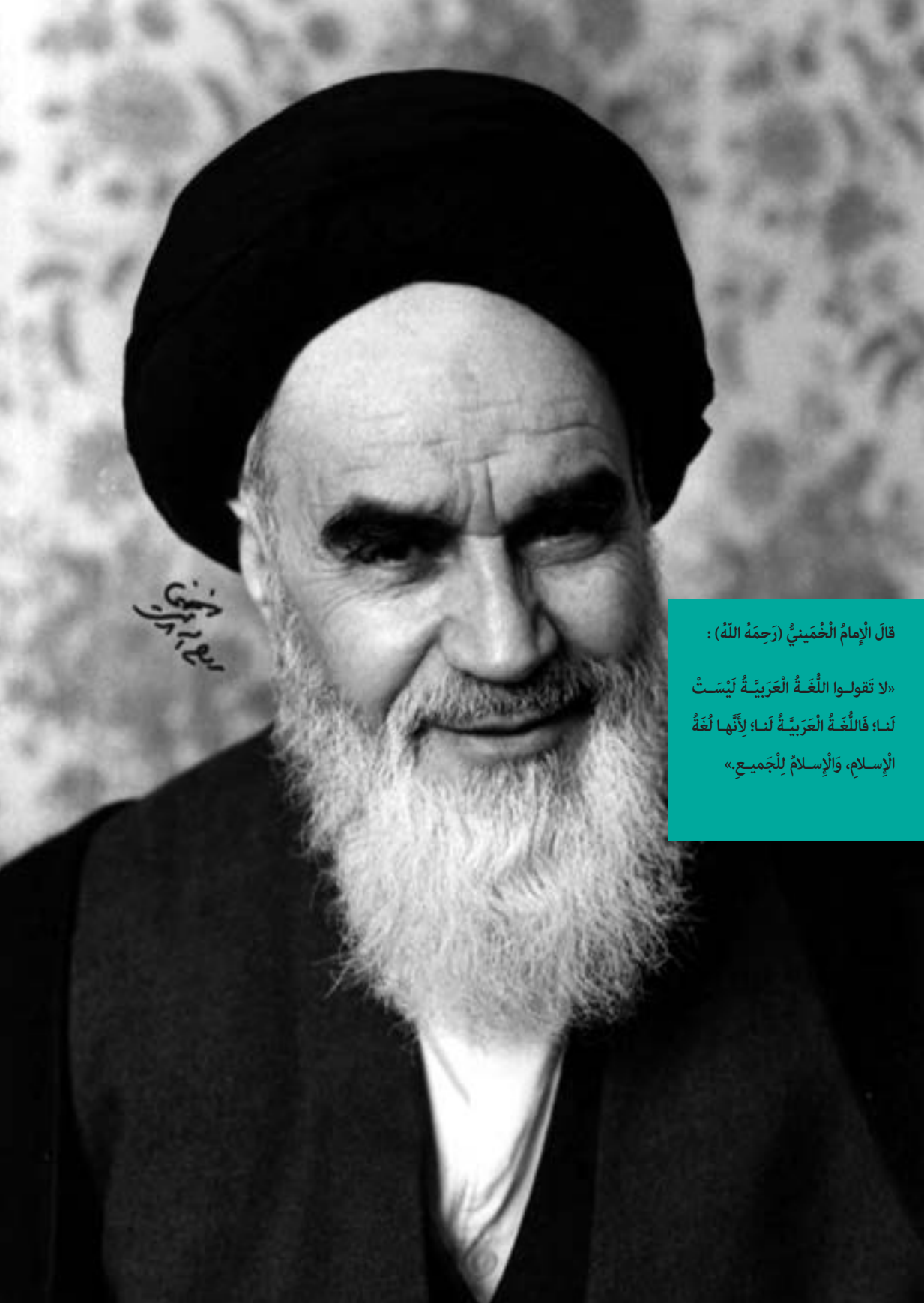


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۸
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان بزرگی، حسن حیدری، ستیدمحمد دلیری، محمد حسین رحیمی، ابوطالب فراهانی، محمد رضی محمدی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
اباذر عباچی، عادل اشکیوس و علی چراغی (اعضای گروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد، صفحه‌آرا و تصویرگر) - سیما لطفی، وجیهه برادران سادات، فاطمه پزشکی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دوم ۱۳۹۷

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۸۲۳-۵

ISBN: 978.964.05.2823.5



روح الامير

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي (رَحِمَهُ اللَّهُ) :

« لَا تَقُولُوا اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَيْسَتْ

لَنَا؛ فَاللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ

الْإِسْلَامِ، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ. »

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِسُ

بِيشْكَفْتَار الف

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ١

مِنْ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ + النَّوَاسِخُ (الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ) -----

الدَّرْسُ الثَّانِي ١٧

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ + التَّرَكِيبُ الْوَصْفِيُّ وَالْإِضَافِيُّ -----

الدَّرْسُ الثَّالِثُ ٣٣

الشَّجَاعَةُ فِي الْحَقِّ + الْمُضَاعَفُ وَ الْمَهْمُوزُ وَالرُّبَاعِيُّ -----

الدَّرْسُ الرَّابِعُ ٤٧

الْصَّدَقُ + التَّخْلِيلُ الصَّرْفِيُّ وَالْإِعْرَابُ -----

الدَّرْسُ الْخَامِسُ ٦١

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ + الْإِعْرَابُ الْقَرَعِيُّ (١) -----

الدَّرْسُ السَّادِسُ ٧٣

آدَابُ الْكَلَامِ + الْإِعْرَابُ الْقَرَعِيُّ (٢) -----

الدَّرْسُ السَّابِعُ ٨٣

أَوَالِي الْمُتَوَاضِعِ + الْإِعْرَابُ الْمُحَلِّيُّ وَالْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ -----

الدَّرْسُ الثَّامِنُ ٩٧

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (١) -----

الدَّرْسُ التَّاسِعُ ١١٣

أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل + الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (٢) -----

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ ١٢٩

الرِّسَالَةُ الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ + الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ وَ الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ -----

الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ ١٣٩

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (١) -----

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ ١٥٣

إِنَّ الْمَهْيَتِمَ + الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (٢) أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ -----

الدَّرْسُ الثَّلَاثُونَ ١٦٦

الْمُعْجَمُ -----

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) رشته علوم و معارف اسلامی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب حدود ۳۰۰ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، نزدیک به ۱۲۰۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم تا دهم نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات

کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست. **مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:** (رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در دوازده درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. تعداد تمرینات هر درس حداکثر شش مجموعه تمرین است.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).
عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم آموزش داده شده و به برخی ویژگی‌های معدود نیز اشاره شده است؛ مانند جمع و مضاف الیه بودن معدود سه تا ده؛ مفرد بودن معدود یازده تا نود و نه. در معرفی عدد معطوف، ویژگی معدود آن مد نظر نیست و فرق اربعون و اربعین در پایه دهم بیان شده است.

تشخیص المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، مجرور به حرف جر، اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس) و تشخیص اِعراب اسم‌های معرب هدف است.

تشخیص انواع کلمه در حد آموزش کتاب

تقسیم اسم به اعتبار جنس و عدد

شناخت اسم فعل

شناخت فعل لازم و متعدی و تعدی فعل به بیشتر از یک مفعول

تشخیص اعراب و بناء و انواع آن

تشخیص و ترجمه فعل مجهول و تشخیص فاعل و نایب فاعل، نون وقایه، تشخیص معرب و مبنی در حد آموخته‌های کتاب (نه در حالت پیشرفته)

تشخیص و شناخت معنای اسم‌های هشتم‌گانه مشتق

شناخت حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس

شناخت اسم معرفه و نکره و انواع ششگانه معارف

در این کتاب تشخیص نوع باب ثلاثی مزید و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» از اهداف آموزشی است، به عنوان مثال دانش‌آموز باید یاد بگیرد «تَخَرَّجْتُمْ» فعل ماضی جمع مذکر مخاطب است تا بتواند مضارع، امر و مصدر آن را بشناسد و درست ترجمه کند؛ خوب است دانش‌آموز فعل را در حالت «مفرد مذکر غایب» حفظ کند تا به کمک آن فعل را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.

مَعْلَم می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلَ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلُ، اِسْتَفْعَال). دانش‌آموز باید «ثُمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أُخْرِجْتُمْ، اِسْتَخْرَجْتُمْ.

هرچند در کتاب عربی رشته علوم و معارف اسلامی آموزش معانی ابواب ثلاثی مزید هدف است؛ اما خوب است بدانیم که معانی ابواب متنوع و گسترده هستند و واقعاً تحت یک یا چند ضابطه قرار نمی‌گیرند؛ مثلاً اگر بگوییم باب افعال اغلب برای متعدی ساختن فعل لازم است، با فعل‌های بسیاری روبه‌رو می‌شویم که بر عکس این معنا هستند؛ مانند عَرَضَ یعنی عرضه کرد که متعدی است؛ و اَعْرَضَ یعنی روی‌گردان شد که فعل لازم است. اَسْرَعَ: شتافت، اَلْفَحَ: رستگار شد، اَقْبَلَ: جلو آمد، و... . در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول ابیاتی از سروده‌های منسوب به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هستند. کتابی به نام دیوان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام وجود دارد که مجموعه اشعار منسوب به امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است. قواعد درس اول ادامه مبحث نواسخ است. در پایه دهم حروف مشبهة بالفعل و لای نفی جنس آموزش داده شد. در پایه یازدهم افعال ناقصه آموزش داده شده است.

۴ موضوع متن درس دوم عجائب المخلوقات است. با توجه به سن پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی جالب در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. متن «مطر السمك» و «هَذَا خَلْقُ اللَّهِ» در پایه دهم نشان داد که دانش‌آموزان چنین متونی را دوست دارند و از سوی دیگر در روایات دینی ما به تفکر در آیات خدا بسیار سفارش شده است. قواعد درس دوم درباره ترکیب وصفی و اضافی است. ویژگی‌های موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه در این درس مفصلاً توضیح داده شده است.

۵ موضوع متن درس سوم «الشجاعة في الحق» از روایات تاریخی است. این داستان نشانگر عشق و علاقه انسان‌های آزاده به اهل بیت علیهم السلام است. قواعد درس سوم درباره افعال مهموز و مضاعف است. از آنجا که در پایه دهم فعل رباعی آموزش داده نشده بود و این بخش نیاز به درسی مستقلاً ندارد، لذا در قواعد این درس به این مبحث اشاره شده است.

۶ متن درس چهارم داستانی در ستایش راستگویی می‌باشد. در متن درس داستان کوتاهی ذکر شده است. این داستان برای دانش‌آموزان دلپسند و آراسته به سخنان بزرگان دین است. اندرز مستقیم کمتر تأثیر دارد. شیوه غیر مستقیم به باور کارشناسان مؤثرتر است.

قواعد درس چهارم درباره تحلیل صرفی و اعراب یا همان تجزیه و ترکیب است. اکنون دانش‌آموز در پایه یازدهم می‌تواند با این مبحث آشنا شود؛ زیرا به اندازه کافی قواعد خوانده است. در تمرینات دروس بعدی موضوع تحلیل صرفی و اعراب طراح شده است تا به اندازه کافی در این بخش تمرین شود.

۷ متن درس پنجم معجزة الأنبياء است. این متن پیوند میان درس عربی با درس دینی است.

دانش آموز در قواعد درس پنجم و ششم با اعراب فرعی آشنا می‌شود. از آنجا که این مبحث طولانی است؛ لذا در درس ششم نیز اعراب فرعی گنجانده شده است.

۸ متن درس ششم آداب الکلام است. در این متن با بهره‌گیری از آیات و احادیث اصول سخن و فنِ سخنوری آموزش داده شده است. دانش آموز رشته معارف باید آیین سخنوری بداند. در این درس به این موضوع مهم پرداخته شده است.

قواعد درس ششم ادامه مبحث اعراب فرعی در درس پنجم است. از آنجا که این مبحث طولانی است لذا در دو درس پخش شده است.

۹ متن درس هفتم الوالی المتواضع داستان تاریخی است. این داستان نشانگر فروتنی و بزرگ‌منشی سلمان فارسی است.

قواعد درس هفتم مربوط به اعراب محلی و تقدیری است.

۱۰ موضوع متن درس هشتم عجائب الأشجار است. موضوعی جالب و خواندنی که برای دانش آموز مفید است.

قواعد درس هشتم آشنایی با معتلات است. دانش آموز در این درس در آغاز با انواع معتلات آشنا می‌شود، سپس فعل معتل مثال و اجوف مفصلاً تشریح می‌شود.

۱۱ متن درس نهم داستان زندگی دکتر آنه ماری شیمل است. بزرگ بانویی آلمانی که به زبان فارسی و عربی خدمت کرده و در معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی نقشی ارزنده داشته است.

قواعد درس نهم ادامه مبحث معتلات و آشنایی با فعل ناقص است.

۱۲ متن درس دهم نامه چهل و پنجم نهج البلاغه است. آشنایی با نهج البلاغه برای دانش آموز این رشته واجب است. لذا یکی از متون کتاب به این مهم اختصاص داده شده است. همچنین کلمات قصار آن حضرت نیز در جای جای کتاب آمده است.

قواعد درس دهم آشنایی با اعراب رفع و نصب فعل مضارع است. مهم‌ترین بخش در قواعد هر زبانی مبحث فعل است؛ زیرا بسیار پرکاربرد است و در یادگیری زبان نقش مهمی دارد. در این درس حروف ناصبه و مضارع منصوب آموزش داده شده است.

۱۳ متن درس یازدهم با عنوان «مِنْ آیَاتِ الْأَخْلَاقِ» آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات است. آیاتی پرکاربرد و معروف که درس زندگی برای دانش آموز است.

قواعد درس در واقع ادامه قواعد درس دهم است. در این درس دانش آموز با مضارع مجزوم و حروف جازمه آشنا می‌شود.

۱۴ متن درس دوازدهم آشنایی با ابن هیثم دانشمند معروف جهان اسلام است.

قواعد این درس در واقع ادامه قواعد درس دهم و یازدهم است. در این درس دانش آموز با مضارع مجزوم (اسلوب شرط و ادوات آن) آشنا می‌شود.

قواعد درس دوازدهم درباره اسلوب شرط است. دانش آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ، أَيْنَمَا و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد.

آموزش جزم و نصب فعل مضارع از اهداف کتاب درسی می‌باشد.

۱۵ **نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست.** هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا سال بعد خواهد آمد. قواعد کتاب به صورت خودآموز نوشته شده است.

از دانش‌آموزی دارای صدای رسا بخواهیم قواعد را در کلاس بخواند. آن‌گاه هر جا لازم شد سؤالاتی را در خلال خواندن از سایرین بپرسیم. این پرسش موجب می‌شود دانش‌آموز بیشتر دقت کند. این شیوه صرفه‌جویی در وقت است. با اتمام قرائت بخش قواعد از دانش‌آموزان می‌پرسیم «چه اشکالی دارند»؟

۱۶ تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی کاملاً اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز دچار مشکل درست‌خوانی نشود.

۱۷ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۸ معنای کلمات در هر آزمونی در جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب معنای کلمه بیرون از جمله خواسته شده است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است. ۱۹ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را در نمره میان نوبت تشکیل می‌دهد.

۲۰ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب مشکل برطرف می‌شود.

۲۱ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ کتاب‌های درسی عربی، زبان قرآن در رشته علوم و معارف اسلامی مجموعه‌ای یکپارچه هستند و آموزش برخلاف اهداف برنامه درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

آگاهی از نظریات شما موجب خوشحالی ما می‌شود؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان با این زبان نوشته شده است. درس عربی برای دانش‌آموز رشته علوم و معارف اسلامی تخصصی است. دانش زبانی می‌تواند او را در سایر دروس کمک کند.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همه واژگان چهار کتاب پیشین در کنار واژگان جدید کتاب یازدهم نهاده شده است.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی و جنبه معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر بسیار است که دانش‌آموز در پاسخ دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید لازم است بدانید از نظر اصول آموزش زبان نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دل‌سردی می‌شوند. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

بسیاری از آزمون‌های مؤسسات آمادگی برای کنکور استاندارد نیستند. لذا نمی‌توان میزان تلاش دبیر و دانش‌آموز را با توجه به این آزمون‌ها سنجید. بسیار دیده شده است که این مؤسسات مطالبی خارج از کتاب و بی‌ربط به اهداف دروس طراحی می‌کنند. همچنین کتاب‌های کار نیز اغلب همین گونه‌اند. این کتاب هیچ نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزش خواهد گردید.





قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُخْسِنُهُ.

ارزش هر انسانی به چیزی است که آن را خوب انجام می‌دهد.

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ

دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تُبْصِرُ وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَلَا تَشْعُرُ
أَتَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ



النَّاسُ أَكْفَاءُ

النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ أَبَوْهُمْ آدَمُ وَالنُّمُ حَوَاءُ
وَقَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَلِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
فَقُزْ بِعِلْمٍ وَلَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا فَالنَّاسُ مَوْتَى وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ



١- فِي الضَّرُورَةِ يَجُوزُ لِلشَّاعِرِ صَرْفُ الْأَسْمَاءِ الْمَمْنُوعَةِ مِنَ الضَّرْفِ.

التَّفَاخُرُ

إِنَّمَا النَّاسُ لِبَاسٌ وَلِبَاسٌ
أَمْ حَدِيدٌ أَمْ نُحَاسٌ أَمْ ذَهَبٌ
هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ
وَ حَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ



فَازَ: رستگار شد، برنده شد

(مضارع: يَفُوزُ)

كُفَاءٌ، كُفُوٌ: همتا «جمع: أَكْفَاءُ»

لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ»

نُحَاسٌ: مس

زَعَمَ -: گمان بُرد

سَوَى: جُز

طِينٌ: گِل

طِينَةٌ: گِل، سرشت

عَظَمٌ: استخوان «جمع: عِظَامٌ»

فُزَ: رستگار شو

اِنطَوَى: به هم پیچیده شد

(مضارع: يَنْطَوِي)

بَدَلٌ: جانشین «جمع: أَبْدَالٌ»

جِزْمٌ: پیکر «جمع: أَجْرَامٌ»

حَدِيدٌ: آهن

داءٌ: بیماری = مَرَضٌ ≠ شِفَاءٌ، صِحَّةٌ

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



۱- دَوَاؤُنَا فِينَا وَ نَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ دَاوْنَا مِنَّا وَ نَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ.

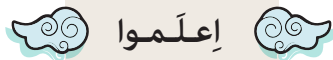
۲- طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ.

۳- اَلْفَخْرُ لِلْعَقْلِ وَ الْحَيَاءِ وَ الْعَفَافِ وَ الْأَدَبِ.

۴- قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ.

۵- اَلتَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَنَظْفِيٌّ.





النَّوَاسِخُ (الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ)

■ لَقَدْ عَرَفْنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ بَعْضَ النَّوَاسِخِ وَاسْتَعْمَلَهَا، وَهِيَ الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ (إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ) وَ (لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ). فَلَا بُدَّ أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ هَذِهِ الْحُرُوفَ تُسَمَّى بِالنَّوَاسِخِ؛ لِأَنَّهَا تَدْخُلُ عَلَى الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ. فَتَنْصِبُ الْمُبْتَدَأَ «اسْمًا» لَهَا، وَ تَرْفَعُ الْخَبَرَ «خَبَرًا» لَهَا.

فِي هَذِهِ السَّنَةِ عَلَيْنَا أَنْ نَتَعَلَّمَ نَوَاسِخَ أُخْرَى تُسَمَّى بِالْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ؛ وَهِيَ مِنَ الْأَفْعَالِ الْكَثِيرَةِ الْإِسْتِعْمَالِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؛ أَهْمُهَا: «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مَازَالَ

(لَا يَزَالُ، لَمْ يَزَلْ)، ظَلَّ»

الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

النَّوَاسِخُ: ⇐ لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

الْأَفْعَالُ النَّاقِصَةُ

■ تَأْتِي **كَانَ** لِعِدَّةِ **مَعَانٍ** بِالْفَارْسِيَّةِ؛ أَهْمُهَا:

١- «بود»؛ **نَحْوُ**: «كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا» در بسته بود.

٢- «است»؛ **نَحْوُ**: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» الْأَخْرَاب: ٢٤

بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

٣- «الْفِعْلُ الْمُسَاعِدُ لِصِيَاعَةِ الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ»؛ وَ ذَلِكَ حِينَ يَكُونُ خَبَرُ «كَانَ» فِعْلًا

مُضَارِعًا **نَحْوُ**: «كَانُوا يَسْمَعُونَ»؛ می شنیدند.

٤- «الْفِعْلُ الْمُسَاعِدُ لِصِيَاعَةِ الْمَاضِي الْبَعِيدِ»؛ وَ ذَلِكَ حِينَ يَكُونُ خَبَرُ «كَانَ» فِعْلًا

مَاضِيًا مَسْبُوقًا بِ «قَدْ» أَوْ بِدُونِ «قَدْ»؛ **نَحْوُ**: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» وَ «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ

سَمِعَ»؛ «دانش آموز شنیده بود».

٥- «داشت» وَ ذَلِكَ حِينَ تَأْتِي بِهَذِهِ الصُّورَةِ: «كَانَ لـ» وَ «كَانَ عِنْدَ» **نَحْوُ**:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتری نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشْبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مُضَارِعُ كَانَ «يَكُونُ» : «می باشد» وَ أَمْرُهُ «كُنْ» بِمَعْنَى «باش» .

١- مَعَانٍ: معانی، معنی ها ٢- **نَحْوُ**: مانند

■ «صَارَ وَ أَصْبَحَ : شد» وَ مُضَارِعَاهُمَا «يَصِيرُ» وَ «يُصْبِحُ».

﴿...أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً^۱﴾ الْحَجَّ : ٦٣

... که خدا از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ جَمِيلَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه زیبا شد.

■ «لَيْسَ : نیست» وَلَيْسَ لَهَا مُضَارِعٌ.

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٦٧

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناست.

■ مادامَ : «تا وقتی که» ؛ نَحْوُ:

لَا أَنْسَى فَضْلَكَ مَا دُمْتُ حَيًّا. لطف تو را تا وقتی که زنده‌ام فراموش نمی‌کنم.

■ مازالَ : «همواره ، همچنان ، هنوز»

«زَالَ» فِعْلٌ نَاقِصٌ بِشَرْطِ أَنْ يَسْبِقَهَا حَرْفُ نَفْيٍ، نَحْوُ «مَازَالَ ، لَا يَزَالُ ، لَمْ يَزَلْ» ؛ نَحْوُ:

مَازَالَتِ الْفُتُوَّةُ بَاقِيَةً. جوانمردی همچنان ماندگار است.

■ ظَلَّ : «شد ، دوام یافت ، ماندگار شد ، ماند» ؛ نَحْوُ:

ظَلَّ اللَّيْلُ بَارِدًا. شب سرد ماند.

هَذِهِ الْأَفْعَالُ كَمَا رَأَيْتَهَا حِينَ تَدْخُلُ عَلَى الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ، تَرْفَعُ الْمُبْتَدَأَ اسْمًا لَهَا،
وَتَنْصِبُ الْخَبَرَ خَبْرًا لَهَا؛ نَحْوُ:

الْبُسْتَانُ جَمِيلٌ. صَارَ الْبُسْتَانُ جَمِيلًا.
مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ خَبَرٌ، مَرْفُوعٌ اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ، مَرْفُوعٌ خَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ، مَنْصُوبٌ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

١ ﴿وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ الْإِنْسَان: ٢٢

٢ ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الْإِسْرَاء: ٣٤

٣ ﴿... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح: ١١

٤ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ^٢ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٠٣

قَدْ^٣ يَأْتِي اسْمُ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ ضَمِيرًا؛ نَحْوُ:

الْمُعَلِّمُونَ كَانُوا حَاضِرِينَ.
ضَمِيرُ «الْوَاوِ» الْبَارِزُ فِي «كَانُوا» = اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ، مَنْصُوبٌ بِأَلْيَاءِ

فَاطِمَةٌ أَصْبَحَتْ مُجْتَهِدَةً.
ضَمِيرُ «هِيَ» الْمُسْتَتِرُ فِي «أَصْبَحَتْ» = اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ، مَنْصُوبٌ

أَفْضَلُ^٤ أَنْ أَظْلَلَ سَاكِتًا.
ضَمِيرُ «أَنَا» الْمُسْتَتِرُ فِي «أَظْلَلَ» = اسْمُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ خَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ

١- أَوْفُوا: وفا كنيد (أَوْفَى: وفا كرد، كامل داد) ٢- أَلَّفَ: به هم پیوست، الفت داد ٣- قَدْ (عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ): گاهی
٤- أَفْضَلُ: ترجیح می دهم

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ اسْمَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَخَبَرَهَا، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١ في الرَّبِيعِ يَصِيرُ كُلُّ مَكَانٍ مَمْلُوءًا بِالْأَزْهَارِ الْجَمِيلَةِ.

٢ الشَّعْبُ مُوَفَّقٌ مَا دَامَ مُشْتَاقًا لِيَطْلُبَ الْعِلْمَ.

٣ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُسْوَةً حَسَنَةً لِلْعَالَمِينَ.

٤ أَضْبَحَ الْكَاذِبُ نَادِمًا عَلَى عَمَلِهِ الْقَبِيحِ.

٥ لَيْسَ الْجَاهِلُ مُحْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ.

٦ لَا يَزَالُ الْجَوُّ بَارِدًا فِي قَرِيَّتِنَا.

فَوَائِدُ:

■ الْأَصْلُ فِي الْمُبْتَدَأِ أَنْ يَقَعَ فِي صَدْرِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَأَنْ يَكُونَ مَعْرِفَةً حَتَّى تَكُونَ الْجُمْلَةُ مُفِيدَةً؛ نَحْوُ: الْجَهْلُ مُضِرٌّ.

■ وَلَكِنْ يَجِبُ تَأْخِيرُ الْمُبْتَدَأِ أَوْ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ فِي مَا إِذَا جَاءَ نَكْرَةً وَخَبَرُهُ جَارٌ وَمَجْرُورٌ أَوْ ظَرْفٌ؛ نَحْوُ:

(لي: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «جَارٌ وَمَجْرُورٌ» + درهم: مبتدأ مؤخر)

(عند: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «ظَرْفٌ» + معجم: مبتدأ مؤخر)

(لي: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «جَارٌ وَمَجْرُورٌ» + درهم: اسمٌ كان، مؤخر)

(عند: خَبَرٌ مُقَدَّمٌ «ظَرْفٌ» + معجم: اسمٌ كان، مؤخر)

■ «الظَرْفُ» اسْمٌ يَدُلُّ عَلَى الزَّمَانِ أَوْ الْمَكَانِ وَ أَهْمُ الظُّرُوفِ هِيَ: عِنْدَ وَ فَوْقَ وَ تَحْتَ وَ أَمَامَ وَ خَلْفَ وَ وَرَاءَ وَ مَعَ وَ جَنْبَ وَ ...

إِذَا دَخَلَ الْفِعْلُ النَّاقِصُ عَلَى جُمْلَةٍ مِثْلِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ «لي درهم» وَ «عندي معجم»، هَلْ يَتَغَيَّرُ إِعْرَابُ كَلِمَاتِهَا؟

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): عَيْنِ اسْمِ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَخَبَرُهُ، ثُمَّ أَغْرِبِ اسْمَهُ.

١ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ أَحَدٌ.

٢ كَانَ أَمَامِي طَرِيقٌ وَاحِدٌ.

أَنْوَاعُ الْإِسْمِ وَالْخَبَرِ

أَنْوَاعُ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ: }
 إِسْمٌ ظَاهِرٌ لَيْسَ الظُّلْمُ بَاقِيًا.
 ضَمِيرٌ بَارِزٌ ﴿فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾
 ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ كُنْ (أَنْتَ) صَادِقًا فِي أَعْمَالِكَ.

أَنْوَاعُ خَبَرِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ: }
 مُفْرَدٌ كَانَ الْحَارِسُ وَاقِفًا.
 جُمْلَةٌ كَانَ الْحَارِسُ يَفْتَشُ الْحَقَائِبَ.
 شِبْهُ جُمْلَةٍ كَانَ الْحَارِسُ فِي الصَّالَةِ.

حِينَمَا نَقُولُ: «الْخَبَرُ مُفْرَدٌ»، لَا نَعْنِي^١ بِالْمُفْرَدِ الَّذِي يُقَابِلُ الْمُثْنَى أَوْ الْجَمْعَ؛ بَلِ الْمُفْرَدِ الَّذِي يُقَابِلُ الْجُمْلَةَ أَوْ شِبْهَ الْجُمْلَةِ.

أَسْمَاءُ الْحُرُوفِ الْمُسَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ الَّتِي تَعَلَّمْتُمُوهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ تَأْتِي عَلَى نَوْعَيْنِ: إِسْمٌ ظَاهِرٌ وَ ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ بَارِزٌ؛ نَحْوُ:

إِنَّ اللَّهَ رَحِيمٌ. «اللَّهُ» إِسْمٌ إِنَّ ، إِسْمٌ ظَاهِرٌ
 إِنَّكَ نَاجِحٌ. «كَ» إِسْمٌ إِنَّ ، ضَمِيرٌ بَارِزٌ

١- لَا نَعْنِي: منظورانِ نيست

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): عَيَّنِ اسْمَ النَّوَاسِخِ وَخَبَرَهَا، وَادْكُرْ نَوْعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا.

١ ﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ التَّمَلُّ: ٧٩

٢ ﴿وَائْتَفُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٩

٣ كُنْ مُسْتَمِعًا جَيِّدًا فِي الصَّفِّ.

٤ لَيْسَ الْبَائِعُ فِي الدُّكَانِ.

٥ أَصْبَحَ الْحَقُّ مُتَتَصِرًا.



التمرين الأول: صَغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- ١- أَل عُنْصُرٌ فَلِزَيٍّ مُوَصَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَالْكَهْرَبَاءِ، يُسْتَعْمَلُ فِي الصَّنَاعَةِ.
- ٢- أَل قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْعَظْمِ.
- ٣- أَل هُوَ الَّذِي مِثْلَكَ وَتَطْيِيرُكَ.
- ٤- أَل تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ.

التمرين الثاني: اسْتَخْرِجْ مِنْ نَصِّ الدَّرْسِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- الْمُبْتَدَأُ فِي: دَوَاؤُكَ فِيكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَوَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تَشْعُرُ
- ٢- إِسْمٌ أَنْ وَخَبَرُهَا فِي: أَ تَزْعُمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
- ٣- الْخَبَرُ وَنَوْعُهُ فِي: النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ أَبُوهُمْ آدَمَ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ
- ٤- إِسْمٌ كَانَ وَنَوْعُهُ فِي: وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
- ٥- فِعْلٌ نَهْيٌ فِي: فَفُزْ بِعِلْمٍ وَ لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا فَالنَّاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ
- ٦- إِسْمُ الْفَاعِلِ فِي: أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِيَأْمٌ وَ لِيَأْبُ
- ٧- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فِي: هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
- ٨- الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ فِي: بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
- ٩- أَلْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ فِي: إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ آدَبٍ



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: عَيْنِ الرَّجْمَةِ الصَّحِيحَةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ۴۷

- (الف) گفت: خدایا، من به تو پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم. ☐
- (ب) گفت: ای پروردگارم، بی گمان من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم. ☐
- الْفِعْلُ النَّاقِصُ وَ اسْمُهُ وَ حَبَرُهُ وَ نَوْعُهُما:

۲- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

- (الف) و از خدا بخشش او را درخواست کنید؛ به راستی که خدا به هر چیزی داناست. ☐
- (ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود. ☐
- إِسْمُ الْحَرْفِ الْمُشَبَّهِ بِالْفِعْلِ وَ حَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُما:

۳- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النبأ: ۴۰

- (الف) روزی که انسان آنچه را بادستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم! ☐
- (ب) روزی که مرد آنچه را با دستش تقدیم کرده است می نگرد و کافر می گوید: من همانند خاک شدم. ☐
- الْفِعْلُ النَّاقِصُ وَ اسْمُهُ وَ حَبَرُهُ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا تَشْيِطِينَ.

- (الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می کردند و پس از بازی با نشاط شدند. ☐
- (ب) بچه ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط هستند. ☐
- حَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُ، وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

۵- كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- (الف) ساکت شدم و کلمه ای نمی گویم، برای اینکه چیزی از موضوع نمی دانم. ☐
- (ب) ساکت بودم و کلمه ای نگفتم، زیرا چیزی درباره موضوع نمی دانستم. ☐
- إِسْمُ وَ حَبَرُ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ نَوْعُهُما، وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ:

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: عَيَّنِ اسْمَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَ حَبَرَهَا، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١- ﴿... وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا^١﴾ النساء: ١٢٦

٢- عِنْدَ نَزُولِ الثَّلْجِ يُصْبِحُ السَّيْرُ فِي الشَّوَارِعِ صَعْبًا.

٣- لَا تَجْلِسْ قُرْبَ النَّهْرِ، مَا دَامَتِ الْأَمْطَارُ غَزِيرَةً^٢.



٤- مَا زَالَ الْمُؤْمِنُونَ لِلظَّالِمِينَ أَعْدَاءً.

٥- لَيْسَ الشَّاطِئُ بَعِيدًا عَن هُنَا.

٦- صَارَ الْحَقُّ وَاضِحًا لَنَا.

٢- الْغَزِيرَةُ: فِرَافِرٌ أَوْ هَرَجٌ

١- الْمُحِيطُ: دَارِيٌّ أَحَاطَهُ

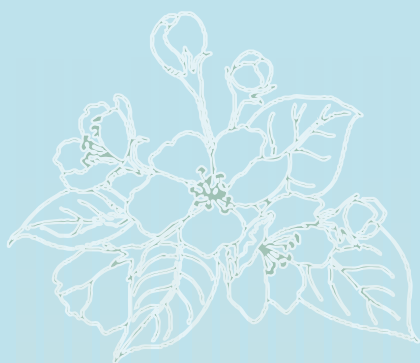
الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجَمُ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ التَّالِي.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَر
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنْ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَفْتَرِبُونَ:	لَا تَقْتَرِبُوا:	إِفْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكِسَار: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آموزش خواست	يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَعْفِرْ: آموزش بخواه	إِسْتِغْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَبَادَلُونَ:	لَا تَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أُخْرَى مَنَسُوبَةٍ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.







الدَّرْسُ الثَّانِي

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ

بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالُكُمْ﴾ [الأنعام: ٣٨]

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می‌کند، مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدْ قُدْرَةَ اللَّهِ.

الطَّائِرُ الطَّنَانُ:



هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ، طَوْلُهُ خَمْسَةُ سَنْتِمِيزَاتٍ،
يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الشَّمَالِ، وَ
إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ. وَ انْطِلَاقُهُ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ
يُثِيرَانِ التَّعَجُّبَ. سُمِّيَ طَنَّانًا؛ لِأَنَّهُ يُحَدِّثُ طَنِينًا
بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَه جَنَاحَيْهِ، فَإِنْ تُحَاوَلُ رُؤْيَا

جَنَاحَيْهِ لَا تَقْدِرُ، أ تَدْرِي لِمَاذَا؟ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ جَنَاحَيْهِ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيبًا فِي الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.

الْتَّمْسَاحُ:



لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ، فَبَعْدَ
أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ، يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ،
فَيَقْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الطُّيُورِ بِاسْمِ الزَّقَزَاقِ،

فَيَفْتَحُ التَّمْسَاحُ فَمَهُ، فَيَدْخُلُ ذَلِكَ الطَّائِرُ فِيهِ، وَ يَبْدَأُ بِنَقْرِ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِهِ، وَ بَعْدَ
أَنْ يَنْتَهِيَ مِنْ عَمَلِهِ، يَخْرُجُ بِسَلَامَةٍ.

دَوْدَةُ الْأَرْضِ:



إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ قَاطِعٌ، وَ قَسَمَهَا إِلَى نِصْفَيْنِ، أَحَدَهُمَا بِلَا
رَأْسٍ وَالْآخَرَ بِلَا ذَيْلٍ، فَإِنَّ هَذَيْنِ النِّصْفَيْنِ يَنْمُوَانِ، لِيَكُونَ
كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَوْدَةً كَامِلَةً.

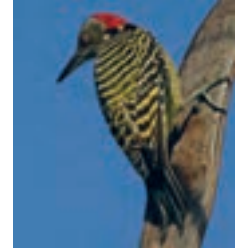


السَّمَكُ الطَّائِرُ:

نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ دَيْلِهِ الْقَوِيِّ وَ يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ، حَيْثُ يَمُدُّ زَعَانِفَهُ الْكَبِيرَةَ الَّتِي تَعْمَلُ كَجَنَاحَيْنِ. يَفْعَلُ ذَلِكَ لِلْفِرَارِ مِنْ

أَعْدَائِهِ. يَطِيرُ هَذَا السَّمَكُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً، ثُمَّ يَنْزِلُ إِلَى الْمَاءِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ.

نَقَارُ الْخَشَبِ:



طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى، وَ هَذِهِ السَّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ بِسَبَبِ وُجُودِ عَضُوبَيْنِ فِي رَأْسِهِ لِدَفْعِ الصَّرَبَاتِ:

الْأَوَّلُ نَسِيجٌ بَيْنَ الْجُمُجُمَةِ وَ الْمِنْقَارِ، وَ الثَّانِي لِسَانُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجُمَتِهِ.



السَّنَجَابُ الطَّائِرُ:

لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى، وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.

حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ:

فِي مُنْتَصَفِ النَّهَارِ وَ عِنْدَمَا تَحْرِقُ الرَّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ، تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا. فَإِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا تَصِيدُهُ.



أَسْفَلَ : پایین، پایین تر ≠ أَعْلَى
 انْطِلَاقُ : به حرکت در آمدن
 (انْطَلَقَ، يَنْطَلِقُ)
 تَحْرُوقُ : می سوزاند (ماضی: حَرَقَ)
 تَدْرِي : می دانی (دَرَى، يَدْرِي)
 دَرَى = عَلِمَ
 تَصِيدُ : شکار می کند (ماضی: صَادَ)
 تَفَكَّرَ : اندیشید (مضارع: يَتَفَكَّرُ)
 جَذَعُ : تنه «جمع: جُذُوع»
 جَنَاحُ : بال «جمع: أَجْنِحَة»
 جَنَاحِيهِ : دو بال او
 حَيَّةٌ : مار «جمع: حَيَّات»
 دِمَاجُ : مغز
 دُودٌ، دُودَةٌ : کرم
 «جمع: دیدان/ دُودَةُ الْأَرْضِ: کرم خاکی»

ذَيْلُ : دُم «جمع: أَذْيَال» = ذَنْبُ
 رِمَالُ : ماسه ها «مفرد: رَمْلٌ»
 رَعَانِفُ : باله های ماهی «مفرد: رَعَنَفَةٌ»
 رَقَزَاقُ : مرغ باران
 شِمَالُ : چپ = يَسَارُ ، ≠ يَمِينُ
 طَنَانُ، الطَّائِرُ الطَّنَانُ : مرغ مگس
 طَنِينُ : صدای زنگ، بال پرنده و مانند آن
 غِشَاءُ : پرده، پوشش جانوران و گیاهان مانند پوست و پر
 قَمُ : دهان «جمع: أَفْوَاه»
 قَفْرَةٌ : پرش
 لَا تَتَفَكَّرُوا = لَا تَتَفَكَّرُوا (حرف ت برای آسانی تلفظ حذف شده است.)

مَا مِنْ : هیچ نیست «ما مِنْ دَابَّةٍ: هیچ جنبنده ای نیست»
 مِظْلَةٌ : چتر
 مُنْتَصَفٌ : نیمه
 نَسِيجُ : بافت (بافت پیوندی)
 نَقَارُ الْخَشَبِ : دارکوب
 يَنْقُرُ : نوک می زند، کلیک می کند (ماضی: نَقَرَ)
 يُحْدِثُ : پدید می آورد (ماضی: أَحْدَثَ)
 يَسْتَرِيحُ : استراحت می کند (ماضی: اسْتَرَاخَ)
 يَطِيرُ : پرواز می کند (ماضی: طَارَ)
 يَنْتَهِي : به پایان می رسد (ماضی: انْتَهَى)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِمَ يَطِيرُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ حِينَ يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ؟

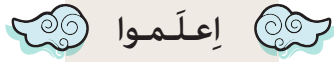
۲- أَيُّ طَائِرٍ يُسَاعِدُ التَّمْسَاحَ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ؟

۳- لِمَاذَا سُمِّيَ الطَّائِرُ الطَّنَانُ بِهَذَا الْإِسْمِ؟

۴- مَتَى تَصِيدُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ الطَّيْرَ؟

۵- كَمَ ثَانِيَةً يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ؟

۶- مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ؟



«التَّرْكِبُ الوُصْفِيُّ» وَ «التَّرْكِبُ الإِضَافِيُّ»

■ حِينَما تَنْظُرُ إِلَى التَّرْكِبَيْنِ التَّالِيَيْنِ تَرَاهُمَا عَلَى نَوْعَيْنِ:

التَّرْكِبُ الوُصْفِيُّ (الْمَوْصُوفُ + الصِّفَةُ) نَحْوُ: الشَّارِعُ الْمُرْدَحِمُ: خِيَابَانِ شُلُوعٍ

التَّرْكِبُ الإِضَافِيُّ (الْمُضَافُ + الْمُضَافُ إِلَيْهِ) نَحْوُ: سَاحَةُ الْمَدِينَةِ: مِيدَانِ شَهْرٍ

■ فِي التَّرْكِبِ الوُصْفِيِّ تَبَيَّنُ^١ الْكَلِمَةُ الثَّانِيَةُ (النَّعْتُ^٢) الْكَلِمَةُ الْأُولَى (الْمَنْعُوتُ^٣) وَتَشْرَحُهَا؛ وَكَأَنَّهُمَا شَيْءٌ وَاحِدٌ؛ نَحْوُ:

الرِّجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَ النِّسَاءُ الْمُؤْمِنَاتُ يَتْلُونَ الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ.

الْمَوْصُوفُ الصِّفَةُ الْمَوْصُوفُ الصِّفَةُ الْمَوْصُوفُ الصِّفَةُ



أَلْبَابُ الْعَتِيقُ (دِرْ كَهَنَه)، أَلْحَلِيبُ الطَّازَجُ (شِيرِ تَازَه)

فِي تَرْكِيبِ «أَلْبَابِ الْعَتِيقِ» يُبَيِّنُ نَعْتُ «الْعَتِيقِ» مَنْعُوتُهُ «أَلْبَابِ»؛

وَفِي تَرْكِيبِ «أَلْحَلِيبِ الطَّازَجِ» يُبَيِّنُ نَعْتُ «الطَّازَجِ» مَنْعُوتُهُ «أَلْحَلِيبِ» أَيْضاً.

■ أَمَّا التَّرْكِبُ الإِضَافِيُّ فَالِإِسْمُ الْأَوَّلُ (يَعْنِي الْمُضَافَ) يُضَافُ إِلَى الْإِسْمِ الثَّانِي (يَعْنِي الْمُضَافَ إِلَيْهِ)؛ فَهُمَا شَيْئَانِ مُخْتَلِفَانِ عَلَى عَكْسِ التَّرْكِبِ الوُصْفِيِّ، فَهُمَا (الْمَنْعُوتُ وَالنَّعْتُ) شَيْءٌ وَاحِدٌ.

حَقِيقَةُ السَّائِحِ (چِمْدَانِ گِردشگر)، سَبَّوْرَةُ الصِّفِّ (تَخْتَهُ كَلَّاس)

٣- الْمَنْعُوتُ: مَوْصُوفٌ

٢- النَّعْتُ: صِفَتٌ

١- يُبَيِّنُ: أَشْكَارَ كَرْدٍ



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): عَيِّنْ نَوْعَ التَّرَكِيبَاتِ التَّالِيَةِ.

الْبَطَارِيَةُ الْقَوِيَّةُ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ انْخِفَاضُ الْحَرَارَةِ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ

حِينَمَا تَنْظُرُ إِلَى النَّعْتِ «مُجَدِّ» فِي التَّرَاكِبِ التَّالِيَةِ نَظْرًا دَقِيقًا، فَمَاذَا تَسْتَنْجُ مِنْهَا؟

فَلَاحٌ مُجَدِّ، أَلْفَلَّاحُ الْمُجَدِّ، أَلْفَلَّاحُ الْمُجَدِّ، فَلَّاحِينَ مُجَدِّينَ، أَلْفَلَّاحَتَانِ الْمُجَدَّتَانِ، فَلَّاحُونَ مُجَدِّونَ، فَلَّاحَاتٍ مُجَدَّاتٍ

النَّعْتُ يَتَّبِعُ مَنَعُوتَهُ فِي أَرْبَعَةِ أُمُورٍ غَالِبًا:

- ١ في الإعراب؛ مِثْلُ: مُهَنْدِسٌ مَاهِرٌ، مُهَنْدِسًا مَاهِرًا، مُهَنْدِسٍ مَاهِرٍ
 - ٢ في التعريف والتَّنْكِيرِ؛ مِثْلُ: أَلْمُهَنْدِسُ الْمَاهِرُ، مُهَنْدِسٌ مَاهِرٌ
 - ٣ في الْجِنْسِ (التَّذْكِيرِ وَالتَّأْنِيثِ)؛ مِثْلُ: أَلْمُهَنْدِسُ الْمَاهِرُ، أَلْمُهَنْدِسَةُ الْمَاهِرَةُ
 - ٤ في الْعَدَدِ (الْأَفْرَادِ وَالتَّثْنِيَةِ وَالْجَمْعِ)؛ مِثْلُ: أَلْمُهَنْدِسُ الْمَاهِرُ، أَلْمُهَنْدِسَانِ الْمَاهِرَانِ، أَلْمُهَنْدِسَاتُ الْمَاهِرَاتِ
- تَأْتِي الصِّفَةُ لِغَيْرِ ذَوِي الْعُقُولِ مُفْرَدَةً مُؤَنَّثَةً. ➡ الْكُتُبُ الْمُفِيدَةُ وَ الْمَدَارِسُ الْجَمِيلَةُ.



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ النَّعْتَ الْمُنَاسِبَ.

- | | | | | |
|-------------------|-------------|---------------|---------------|-----------------|
| ١- يَدَكْ ... | مَجْرُوحَةٌ | المَجْرُوحَةُ | المَجْرُوحَةُ | المَجْرُوحُ |
| ٢- بَطَاقَاتُ ... | جَاهِزَةٌ | جَاهِزُونَ | جَاهِزٌ | جَاهِزَاتٍ |
| ٣- غُصُونُ ... | النَّضْرُ | النَّضْرَةُ | النَّضِرُ | نَضْرَةٌ |
| ٤- عَيْنَانِ ... | جَمِيلَانِ | جَمِيلَتَانِ | جَمِيلِينَ | الْجَمِيلَتَانِ |

■ مَاذَا تَجِدُ حِينَمَا تَنْظُرُ إِلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ نَظْرًا دَقِيقًا؟

رَأَيْتُ شُرْطِيًّا يَمْشِي عَلَى الرِّصِفِ بِسُرْعَةٍ. پلیسی را دیدم که در پیاده‌رو به سرعت راه می‌رفت.

تَجِدُ أَنَّ جُمْلَةَ «يَمْشِي» قَدْ وَصَفَتِ الْإِسْمَ النَّكْرَةَ الَّتِي جَاءَ قَبْلَهَا؛ إِذَنْ (الْجُمْلُ بَعْدَ النَّكْرَاتِ صِفَاتٌ).

■ نَسْتَنْتِجُ مِمَّا سَبَقَ أَنَّ النَّعْتَ يَأْتِي عَلَى تَوْعِينٍ: «مُفْرَدٌ» وَ «جُمْلَةٌ».

النَّعْتُ الْمُفْرَدُ نَحْوُ «كَبِيرًا» فِي «إِشْتَرَيْتُ مُعْجَمًا كَبِيرًا».

النَّعْتُ الْجُمْلَةُ نَحْوُ «يُسَاعِدُ» فِي «إِشْتَرَيْتُ مُعْجَمًا يُسَاعِدُنِي فِي تَرْجَمَةِ النُّصُوصِ».



إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ (٣): عَيِّنْ نَوْعَ النَّعْتِ.

١- ﴿وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ١٤٧

٢- الْقِنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- أَشْعُرُ بِفَرْحٍ يُشْجِعُنِي عَلَى خِدْمَةِ النَّاسِ.

■ حِينَمَا يَأْتِي فِي الْجُمْلَةِ فِعْلٌ بَعْدَ اسْمٍ نَكِرَةٍ يُوَضِّحُهَا وَيَخَصِّصُهَا؛ وَنُرِيدُ أَنْ نَتَرْجِمَ تِلْكَ الْجُمْلَةَ، نَضَعُ كَلِمَةَ «كه» الْفَارِسِيَّةَ بَيْنَهُمَا، وَتُتَرْجَمُ الْفِعْلُ طَبَقًا لِسِيَاقِ الْجُمْلَةِ؛ مِثْلُ: شَاهَدْنَا سِنَجَابًا يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ. سِنَجَابِي رَا دِيدِيم كَه از درختی به درختی می پرید.

كَيْفَ نَتَرْجِمُ الْجُمْلَةَ الَّتِي تَقَعُ نَعْتًا؟

■ عِبَارَةٌ (شَاهَدْنَا سِنَجَابًا يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ) تَتَأَلَّفُ مِنْ جُمْلَتَيْنِ فِعْلِيَّتَيْنِ، فِعْلُ الْجُمْلَةِ الْأُولَى مَاضٍ، وَفِعْلُ الْجُمْلَةِ الثَّانِيَةِ مُضَارِعٌ، وَقَدْ جَاءَ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ بَعْدَ الْاسْمِ النَّكِرَةِ «سِنَجَابًا» مُبَيَّنًا وَمَوْضَحًا لَهَا، فَحِينَمَا نُرِيدُ أَنْ نَتَرْجِمَ مِثْلَ هَذِهِ الْعِبَارَةِ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ نَضَعُ كَلِمَةَ «كه» بَعْدَ تِلْكَ النَّكِرَةِ وَنُبَدِّلُ الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ إِلَى مَا يُسَمَّى بِالْفَارِسِيَّةِ بِالْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ^١ غَالِبًا.

الْمَاضِي + الْمُضَارِعُ = الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيُّ

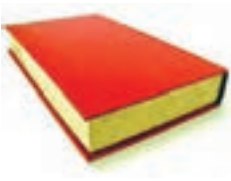
١- هَذِهِ الْمُصْطَلَحَاتُ (الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيُّ وَالْمَاضِي الْبَعِيدُ وَالْمُضَارِعُ الْإِلْتِزَامِيُّ وَالْمَاضِي الْبَسِيطُ) لَيْسَتْ مَوْجُودَةً فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

■ أَمَا إِذَا كَانَ الْفِعْلُ الْأَوَّلُ مُضَارِعًا، فَكَيْفَ نَتَرَجِّمُ الْفِعْلَ الثَّانِي؟ أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ إِلَى الْمِثَالِ التَّالِي.

أَقْتَشُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند.

الْمُضَارِعُ + الْمُضَارِعُ = الْمُضَارِعُ الْإِلْتِزَامِيُّ



■ بَعْدَ هَذَا، أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ إِلَى تَرْجَمَةِ الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ.

إِسْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلِ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

الْمَاضِي + الْمَاضِي = الْمَاضِي الْبَعِيدُ أَوِ الْمَاضِي الْبَسِيطُ

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): تَرَجِّمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^١ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^٢ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^٣ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَّاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

.....

.....

.....

٣- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نشود (بالا نرود)

٢- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند

١- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود

التَّرْكِيْبُ الْإِضَافِيُّ

يَتَأَلَّفُ^١ التَّرْكِيْبُ الْإِضَافِيُّ مِنَ الْمُضَافِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ؛ مِثْلُ: حَارِسُ الْمَصْنَعِ
يَجِبُ تَجْرِيدُ^٢ الْمُضَافِ مِنْ ثَلَاثَةِ أُمُورٍ وَهِيَ: «أَل» وَ «التَّنْوِينُ» وَ «نُونُ الْمُثَنَّى وَ نُونُ جَمْعِ
الْمَذَكَّرِ السَّالِمِ»؛ مِثْلُ:

حَدِيقَةُ الْمَدِينَةِ نَظِيفَةٌ. (كَلِمَةُ «حَدِيقَةُ» مُجَرَّدَةٌ^٣ مِنْ أَلٍ وَالتَّنْوِينِ).
أُخْتَاكَ الصَّغِيرَتَانِ مُجِدَّتَانِ. (أَصْلُ كَلِمَةِ «أُخْتَاكَ» ➡ «أُخْتَانِ + كَ» ، فَحُذِفَ نُونُ الْمُثَنَّى
فِيهَا بِسَبَبِ الْإِضَافَةِ). أُخْتَاكِ الصَّغِيرَتَانِ
أُحِبُّ مُعَلِّمِي مَدْرَسَتِي. (أَصْلُ كَلِمَةِ «مُعَلِّمِي» ➡ «مُعَلِّمِينَ + مَدْرَسَتِي»، فَحُذِفَ نُونُ
جَمْعِ الْمَذَكَّرِ السَّالِمِ بِسَبَبِ إِضَافَتِهَا إِلَى مَدْرَسَتِي).

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٥): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ ... كُمْ﴾ ☐ أَخَوَيْنِ ☐ أَخَوِيَّ ☐ الْأَخَوَيْنِ
- ٢- تَعَلَّمْ ... الْإِسْتِمَاعَ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْحَدِيثِ. ☐ حُسْنِ ☐ الْحُسْنِ ☐ حُسْنًا
- ٣- الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ... شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. ☐ سَيِّدَانِ ☐ السَّيِّدَانِ ☐ سَيِّدَا
- ٤- النَّاسُ عَلَى دِينِ ... هُمْ. ☐ مُلُوكِ ☐ مُلُوكٍ ☐ الْمُلُوكِ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٦): عَيِّنِ الْمُضَافَ إِلَيْهِ وَ الصِّفَةَ (النَّعْتَ) فِي الْجُمْلِ الثَّالِيَةِ، وَ أَعْرِبْهُمَا.

- ١- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الْآخِرَابُ: ٢١
- ٢- ﴿... وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ النَّملُ: ١٩

١- تَأَلَّفَ: تَشَكَّلَ شَد ٢- التَّجْرِيدُ: خَالِيٌ مِنْ زَوَائِدَ ٣- الْمَجْرَدَةُ: خَالِيٌ شَدَهْ مِنْ زَوَائِدَ

قَدْ قَرَأْتُمْ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ أَنَّ الْمُضَافَ إِلَيْهِ مَجْرُورٌ؛ يَعْنِي يُجْرُ آخِرُهُ بِإِحْدَى هَذِهِ
الْعَلَامَاتِ: (ـِ ، ـَ ، وَ (ي)
فِي الْمُفْرَدِ ➡ «الْحَافِظُ ، حَافِظٌ» وَفِي الْإِسْمِ الْمُثْنَى ➡ «حَافِظَيْنِ» ، وَفِي جَمْعِ الْمَذَكَّرِ
السَّالِمِ ➡ «حَافِظِينَ».

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٧): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ذَهَبْتُ إِلَى غُرْفَةٍ ... ☐ الْمُعَلِّمُونَ ☐ الْمُعَلِّمِينَ ☐ الْمُعَلِّمَاتُ
 - ٢- سَيِّدٌ ... خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. ☐ الْقَوْمُ ☐ الْقَوْمُ ☐ الْقَوْمَ
 - ٣- إِنَّ مَازَنْدَرَانَ بَيْنَ ... جِيلَانٍ وَ جِلِسْتَانٍ. مُحَافِظَتَا ☐ مُحَافِظَتَيْنِ ☐ مُحَافِظَتِي
- تَقْعُ الصِّفَةُ فِي التَّرْكِيبِ الْإِضَافِيِّ بَعْدَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، وَفِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ تَقْعُ بَعْدَ
الْمُضَافِ؛ مِثْلُ:

بَابُ الْمَدْرَسَةِ الْكَبِيرِ. دَرِ بزرگِ مدرسه
الْمُضَافُ الْمُضَافُ إِلَيْهِ الصِّفَةُ الْمُضَافُ الصِّفَةُ الْمُضَافُ إِلَيْهِ

- حِينَمَا تَتَّصِلُ الصَّمَاوِيُّ الْمُتَّصِلَةُ مِثْلُ (هَ، هُما، هُم، هَا، هُما، هُنَّ، كَ، كُما، كُمْ، كِ، كُما، كُنَّ،
ي، نا) بِالْإِسْمِ فَسَتَكُونُ مُضَافًا إِلَيْهِ.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٨): عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ١- عَبْدُ اللَّهِ الصَّالِحُ بِنْدَةُ دَرَسْتِكَارِ خُدا بِنْدَةُ خُدايِ دَرَسْتِكَارِ ☐
- ٢- صَدِيقُنَا الْعَزِيزُ دُوسْتِ گرامیِ ما دُوسْتِ ما گرامیِ است. ☐

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٩): عَيِّنِ الْمُضَافَ إِلَيْهِ.

- ١- إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٢- مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- أَدَاةٌ لِحِفْظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ الثَّلْجِ:

٢- طَائِرٌ يَنْقُرُ جُذُوعَ الْأَشْجَارِ وَ يَصْنَعُ عُشًّا فِيهَا:

٣- حَيَوَانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ:

٤- عُضْوٌ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ:

التَّمرينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنةَ.

١- تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكٍ الْقِرْشِ دَائِماً وَ تَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو
آلَافُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

٢- يُعَدُّ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِثْرًا وَ وَزْنُهُ مِثَّةً
وَ سَبْعِينَ طُنًّا تَقْرِيبًا.

٣- الَّتَمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفْرِزُ عِيُونُهُ
سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

٤- لِهَجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مَنَاطِقَةٍ إِلَى مَنَاطِقَةٍ أُخْرَى.

٥- يُقَدَّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمِلايينِ.

٤- الْفَرِيْسَةُ: شَكَار، طَعْمَهُ

٣- الطَّنُّ: تَن

٢- يُعَدُّ: بِهِ شَمَار مِ رُود

١- الطَّنُّ: شَكَم

٥- يُقَدَّرُ: بِرْ أَوْرَد مِ كَنَد

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَر
قَدْ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاز: نجات دادن
إِنْتَعَدَ:	لَا يَنْتَعِدُ: دور نمی شود	لَا تَبْتَغِدْ:	إِنْتِعَاد: دور شدن
إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	إِنْسِحَاب: عقب نشینی کردن
إِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ:	إِسْتَخْدِمْ: به کار بگیر	إِسْتِخْدَام:
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَذَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ:	لَا تَتَذَكَّرْ:	تَذَكُّر: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايُش: همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التَّمرينُ الرَّابِعُ: اِنتَخبِ الجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.

١- يُحَدِّثُ الطَّنَانُ صَوْتًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ هـ.

جَنَاحًا... ☐ جَنَاحَيْنِ... ☐ جَنَاحَيْنِ... ☐ جَنَاحَانِ... ☐

٢- لِلتَّمْسَاحِ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي أَسْنَانِهِ.

تَنْظِيفٍ ☐ التَّنْظِيفِ ☐ تَنْظِيفٍ ☐ تَنْظِيفُ ☐

٣- السَّمَكُ الطَّائِرُ يَقْفِزُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذِيْلِهِ

القَوِيَّ ☐ القَوِيَّ ☐ القَوِيَّ ☐ قَوِيٌّ ☐

٤- أَ تَزْعَمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ

أَكْبَرُ ☐ الْأَكْبَرِ ☐ الْأَكْبَرُ ☐ الْكُبْرَى ☐

٥- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ

ثَابِتٌ ☐ ثَابِتٍ ☐ ثَابِتًا ☐ الثَّابِتِ ☐

التَّمرينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَالْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

شِمَالٍ / اِئْتِعادٍ / تَكَلَّمَ / اِجْلَسَ / خَلَفَ / عداوَةٌ / أَحْيَاءُ / مَرَّةً / يَنْفَعُ / يَعْلَمُ / يَنْكِ / أَعْلَى

يَذْري = قُمْ ≠ تَارَةً =

يَضْحَكُ ≠ الْأَمْواتُ ≠ تَقَرَّبُ ≠

يَضُرُّ ≠ أَمَامَ ≠ سَكَتَ ≠

يَسَار = أَسْفَلَ ≠ صَدَاقَةٌ ≠



الْتَمَرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ مِنْ دُعَاءِ النُّدْبَةِ ثُمَّ عَيِّنِ الصِّفَةَ وَالْمُضَافَ إِلَيْهِ وَأَعْرِبْهُمَا.

أَيَّنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيَّنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيَّنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ ... أَيَّنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ

دَابِرِ الظَّلَمَةِ؟ ... أَيَّنَ مُحِبِّي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ؟ أَيَّنَ قَاصِمٌ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيَّنَ هَادِمٌ

أُبْنِيَةِ الشَّرِّكَ وَالْتِفَاقِ؟ ... أَيَّنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيَّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ

بِكَرْبَلَاءِ؟

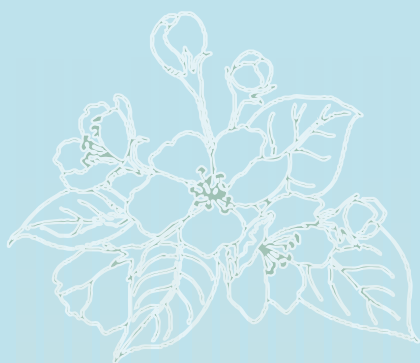


١- الْمُعَدُّ: آماده شده ٢- الدَّابِرُ: ریشه (در اینجا) ٣- الظَّلَمَةُ: ستمگران، جمع الظَّالِمِ ٤- الْقَاصِمُ: درهم شکننده

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَجَائِبِ مَخْلُوقَاتِ اللّٰهِ تَعَالٰى ثُمَّ اَكْتُبْهُ.







الدَّرْسُ الثَّالِثُ

﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ الْأَعْرَافُ: ٨٥

پس پیمانه و ترازو را کامل دهید و اموال مردم را کم ندهید و
در زمین تباهی نکنید.

الشَّجَاعَةُ فِي الْحَقِّ

كَانَتْ «سُودَةُ بِنْتُ عُمَارَةَ» مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ الْمُخْلِصَاتِ فِي حُبِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ حَضَرَتْ صَفَيْنَ وَهَيَّجَتِ الْأَبْطَالَ عَلَى قِتَالِ مُعَاوِيَةَ. وَبَعْدَ اسْتِشْهَادِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ إِلَى مُعَاوِيَةَ لِكَيْ تَشْكُوَ مِنْ جَوْرِ جَرَى عَلَيْهَا. فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: أَلَسْتَ أَنْتِ الْقَائِلَةُ يَوْمَ صَفَيْنَ؟

وَأَنْصُرُ عَلِيًّا وَالْحُسَيْنَ وَرَهْطَهُ

إِنَّ الْإِمَامَ أَخَا النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ

قَالَتْ: نَعَمْ، لَسْتُ مِمَّنْ رَغِبَ عَنِ الْحَقِّ أَوْ اعْتَدَرَ بِالْكَذِبِ.

قَالَ: مَا حَمَلَكَ عَلَى ذَلِكَ؟

قَالَتْ: حُبُّ عَلِيٍّ وَاتِّبَاعُ الْحَقِّ.

قَالَ: قُولِي حَاجَتَكَ.

قَالَتْ: **وَالَيْكَ «بُسْرُ بَنُ أَرْطَاة» قَدِمَ عَلَيْنَا مِنْ قَبْلِكَ؛ فَقَتَلَ رِجَالَنَا وَ أَخَذَ أَمْوَالَنَا، وَ يَطْلُبُ مِنَّا أَنْ نَسُبَّ عَلِيًّا. فَإِنْ عَزَلْتَهُ، شَكَرْنَاكَ وَإِلَّا فَإِلَى اللَّهِ شَكُونَا.**

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: أَتُهَدِّدُنِي؟!

فَاطَرَقَتْ رَأْسَهَا ثُمَّ أَنْشَدَتْ:

قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا

صَلَّى إِلَهُهُ عَلَى جِسْمٍ تَضَمَّنَهُ

فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا

قَدْ حَالَفَ الْحَقُّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا

قال: وَ مَنْ تَقْصِدِينَ؟!

قالت: عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

قال: وَمَا عَمِلَ حَتَّى صَارَ عِنْدَكَ كَذَلِكَ؟!

قالت: ذَهَبْتُ يَوْمًا لِأَشْكُوَ إِلَيْهِ أَحَدَ عَمَالِهِ. فَوَجَدْتُهُ قَائِمًا يُصَلِّي. وَبَعْدَمَا انْتَهَى مِنْ صَلَاتِهِ، قَالَ بِرَأْفَةٍ: أَلَيْكَ حَاجَةٌ؟ فَأَخْبَرْتُهُ عَنْ شِكَايَتِي. فَتَأَلَّمَ بِشِدَّةٍ وَبَكَى، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَقَالَ: اَللَّهُمَّ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ أَنِّي مَا أَمَرْتُهُمْ بِظُلْمٍ خَلَقَكَ وَلَا يَتْرَكَ حَقَّكَ.

ثُمَّ كَتَبَ: ﴿... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ إِذَا أَنْتَ كِتَابِي هَذَا، فَأَحْتَفِظْ بِمَا فِي يَدِكَ، حَتَّى يَأْتِيَ مَنْ يَأْخُذُهُ مِنْكَ. وَالسَّلَامُ.

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: اكْتُبُوا بِالْإِنْصَافِ وَالْعَدْلِ لَهَا.

قالت: أَلَيْ خَاصَّةً أَمْ لِقَوْمِي عَامَّةً؟

قال: وَمَا أَنْتِ وَغَيْرُكِ؟!

قالت: لَا أُرِيدُ شَيْئًا لِنَفْسِي، إِنْ كَانَ عَدْلًا شَامِلًا فَأَقْبَلُ وَإِلَّا فَلَا.

قال: وَيْلَ لَنَا! لَقَدْ ذَوَّقْكُمْ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ الْجُرْأَةَ. اكْتُبُوا لَهَا وَلِقَوْمِهَا.

أَبْطال: قهرمانان «مفرد: بَطْل»

إِتِّبَاع: پیروی

أَخْبَرْتُ: خبر دادم

إِسْتِشْهَاد: شهید شدن

أَطْرَقْتُ رَأْسَهَا: سرش را پایین انداخت

أَوْفُوا الْكَيْلَ: پیمانۀ را کامل دهید

تَأَلَّمَ: به درد آمد

تَضَمَّنَ: در برگرفت

تَقْصِدِينَ: قصد داری

«مَنْ تَقْصِدِينَ: منظور کیست؟»

تُهِدِّدُنِي: مرا تهدید می کنی

جَرَى: جاری شد

جَوْر: ستم = ظُلم

حَالَفَ: هم پیمان شد

حَضَرَ: حاضر شد

حَمَلَكَ: تو را واداشت

ذَوَّقَ: چشاند

رَأْفَةً: مهربانی

رَغِبَ عَنْهُ: از آن روی گردان شد

رَهْطَ: گروه

قَائِلَةً: گوینده

قِتَالَ: جنگیدن، جنگ

قَدِمَ: روی آورد

گَیْل: پیمانۀ

لا تَبَخَسُوا: کم نکنید

ما أَنْتَ وَ غَيْرُكَ: تو را با دیگران چه

کار؟!

مِنْ قَبْلِ: از طرف

مِيزَان: ترازو «جمع: موازين»

والِي، وَالٍ: استاندار

وَيْلٌ لَنَا: وای بر ما

هَوَان: خواری

هَيَّجَ: برانگیخت

يُصَلِّي: نماز می خواند

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

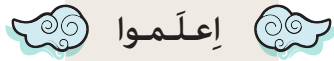
۱- فِي أَيِّ حَرْبٍ حَضَرْتُ سَوْدَةَ؟

۲- مَاذَا فَعَلْتَ سَوْدَةُ فِي يَوْمٍ صَفِين؟

۳- هَلْ أَرَادَتْ سَوْدَةُ الْعَدْلَ وَالْإِنْصَافَ لِنَفْسِهَا؟

۴- مَاذَا حَمَلَ سَوْدَةُ عَلَى إِنْشَادِ شِعْرِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ صَفِين؟

۵- كَيْفَ صَارَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَمَا أَخْبَرَتْهُ سَوْدَةُ عَنْ شِكَايَتِهَا؟



الْمُضَاعَفُ وَالْمَهْمُوزُ وَالرُّبَاعِيُّ

الْفِعْلُ الْمُضَاعَفُ:

■ الْفِعْلُ الْمُضَاعَفُ هُوَ مَا يَكُونُ فِي حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرَفَانِ مِنْ جِنْسٍ وَاحِدٍ؛ مِثْلُ:

حَلَّ : حل کرد	ظَنَّ : گمان کرد	زَلَزَلَ : لرزاند	أَحَبَّ : دوست داشت	مَرَّرَ : تلخ کرد
اسْتَمَدَّ : کمک خواست	انْفَكَّ : باز شد	اِسْتَدَّ : سخت شد	تَرَدَّدَ : رفت و آمد کرد	تَضَادَّ : با هم ضد شدند

الْحُرُوفُ الْأَصْلِيَّةُ لِلْأَفْعَالِ هِيَ:

حَلَّ: حل کرد ظَنَّ: ظنن زَلَزَلَ: زلزل أَحَبَّ: ح ب ب مَرَّرَ: مرر
اسْتَمَدَّ: مدد انْفَكَّ: فك ك اِسْتَدَّ: شدد تَرَدَّدَ: ردد تَضَادَّ: ضدد

■ انْظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ الْمُضَاعَفَةِ فِي الْجَدُولَيْنِ التَّالِيَيْنِ بِدَقَّةٍ، تَشَاهِدِ الْحَرْفَيْنِ الْمُتَمَاثِلَيْنِ (مِنْ جِنْسٍ وَاحِدٍ) فِي بَعْضِهَا مُدْغَمَيْنِ قَدْ صَارَا حَرْفًا وَاحِدًا مُشَدَّدًا، وَفِي بَعْضِهَا الْآخَرِ قَدْ فُكَّ إِدْغَامُهُمَا، وَالْآنَ فَكَّرْ فِي سَبَبِ ذَلِكَ، حَتَّى تُجِيبَ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الَّتِي تَلِي هَذَيْنِ الْجَدُولَيْنِ.

تَصْرِيفُ الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمُجَرَّدِ «مَدَّ» وَالثَّلَاثِيِّ الْمَزِيدِ: «أَحَبَّ»:

الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الْصِّيغَةُ
		يُحِبُّ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
		يُحِبَّانِ	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
		يُحِبُّونَ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
		تُحِبُّ	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
		تُحِبَّانِ	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
		يُحِبِّينَ	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
أَحِبَّ، أَحِبْ	تُحِبُّ	أَحَبَّتْ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَحِبَّا	تُحِبَّانِ	أَحَبَّبْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَحِبُّوا	تُحِبُّونَ	أَحَبَّبْتُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَحِبِّي	تُحِبِّينَ	أَحَبَّبْتِ	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
أَحِبَّا	تُحِبَّانِ	أَحَبَّبْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
أَحِبِّينَ	تُحِبِّينَ	أَحَبَّبْتُنَّ	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
	أُحِبُّ	أَحَبَّبْتُ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
	نُحِبُّ	أَحَبَّبْنَا	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي	الْصِّيغَةُ
	يَمُدُّ	مَدَّ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَمُدَّانِ	مَدَّا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	يَمُدُّونَ	مَدُّوا	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
	تَمُدُّ	مَدَّتْ	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
	تَمُدَّانِ	مَدَّتَا	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
	يَمُدُّونَ	مَدَدْنِ	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ
أَمُدُّ، أَمُدَّ	تَمُدُّ	مَدَدْتُ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَمُدَّا	تَمُدَّانِ	مَدَدْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَمُدُّوا	تَمُدُّونَ	مَدَدْتُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
أَمُدِّي	تَمُدِّينَ	مَدَدْتِ	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
أَمُدَّا	تَمُدَّانِ	مَدَدْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
أَمُدُّونَ	تَمُدُّونَ	مَدَدْنِ	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ
	أَمُدُّ	مَدَدْتُ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
	نَمُدُّ	مَدَدْنَا	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ ^٢

١- تَلِي: به دنبال می آید

٢- صَحِيحُهُ «الْمُتَكَلِّمُ وَمَعَهُ غَيْرُهُ» وَلَكِنْ هَذَا الْإِصْطِلَاحُ خَطَأٌ شَائِعٌ. وَالْخَطَأُ الشَّائِعُ خَيْرٌ مِنَ الصَّحِيحِ النَّادِرِ.

وَالآنَ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

١- في أَيِّ صِيغَةٍ مِنْ صِيغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي أُدْغِمَ فِيهَا الْحَرْفَانِ الْمُمَثِّلَانِ؟

٢- في أَيِّ صِيغَةٍ مِنْ صِيغِ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فُكَّ فِيهَا الْإِدْغَامُ؟

٣- في أَيِّ صِيغَةٍ مِنْ صِيغِ فِعْلِ الْأَمْرِ فُكَّ فِيهَا الْإِدْغَامُ؟

٤- ما هُوَ السَّبَبُ فِي إِدْغَامِ الْحَرْفَيْنِ الْمُمَثِّلَيْنِ فِي بَعْضِ الصِّيغِ؟

٥- في أَيِّ صِيغَةٍ مِنْ صِيغِ الْفِعْلِ يَجُوزُ فِيهَا الْوَجْهَانِ: الْإِدْغَامُ وَ فُكَّ الْإِدْغَامُ؟

٦- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ يَفُكُّ إِدْغَامَ الْحَرْفَيْنِ الْمُمَثِّلَيْنِ، حِينَ يُسَكَّنُ ثَانِيَهُمَا؟

■ بَعْضُ الْأَفْعَالِ تَتَكَوَّنُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَحْرَفٍ أَصْلِيَّةٍ؛ مِثْلُ «زَلَزَل» وَ «وَسَّوَسَ» وَلَيْسَ فِيهَا حَرْفٌ زَائِدٌ؛ فَيُسَمَّى مِثْلُ هَذَا الْفِعْلِ بِـ «الرُّبَاعِيِّ الْمَجْرَدِ».

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْمَصْدَر	الْأَمْر
فَعَلَّ	يُفَعِّلُ	فَعْلَلَةٌ (فِعْلَال)	فَعْلِلْ
زَلَزَلَ	يُزَلْزِلُ	زَلْزَلَةٌ (زِلْزَال)	زَلْزِلْ

لَيْسَتْ كُلُّ الْأَفْعَالِ الرُّبَاعِيَّةِ مُضَاعَفَةٌ؛ بَلِ الْبَعْضُ فِيهَا غَيْرُ مُضَاعَفٍ؛ مِثْلُ: «تَرَجَّمَ: ترجمه كرد» وَ «زَخَلَخَلَ: لغزانید».

تُصَرَّفُ الْأَفْعَالُ الرُّبَاعِيَّةُ الْمَجْرَدَةُ الْمُضَاعَفَةُ مِثْلُ الْأَفْعَالِ الصَّحِيحَةِ فَلَيْسَ فِيهَا إِدْغَامٌ أَوْ فُكَّ إِدْغَامٍ. لِلرُّبَاعِيِّ الْمَزِيدِ بَابٌ مَشْهُورٌ عَلَى وَزْنِ «تَفَعَّلَ» وَتَصْرِيْفُهُ كَمَا يَلِي:

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْمَصْدَر	الْأَمْر
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ	تَفَعَّلْ
تَزَلْزَلَ	يَتَزَلْزَلُ	تَزَلْزُلٌ	تَزَلْزِلْ

الرُّبَاعِيُّ الْمَجْرَدُ: زَلَزَلَ وَ دَحْرَجَ وَ زَحَلَّ الرُّبَاعِيُّ الْمَزِيدُ: تَزَلْزَلَ وَ تَدَحْرَجَ وَ تَزَحَلَّ

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْفِعْلِ الْمُضَاعَفِ وَادْكُرْ صِيغَتَهُ.

۱ ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ^۱ بِالَّذِينَ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ^۲ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ^۳ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ...﴾ الماعون: ۱ و ۲ و ۳

۲ ﴿... وَدَّ^۴ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ^۵ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ^۶...﴾ النساء: ۱۰۲

۳ ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ آل عمران: ۳۱

۴ ﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ...﴾ طه: ۱۲۰

■ لِبَابِ «الْمُفَاعَلَة» مَصْدَرَانِ، تَعَلَّمْتَ أَحَدَهُمَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ (عَلَى وَزْنِ مُفَاعَلَةٍ) وَالثَّانِي قَدْ يَأْتِي عَلَى وَزْنِ «فِعَال» أَيْضًا؛ مِثْلُ:
مُجَاهَدَةٌ = جِهَاد / مُدَافَعَةٌ = دِفَاع

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): عَيِّنْ مَصْدَرَ بَابِ الْمُفَاعَلَةِ.

عباد: حوار:

صغار: قتال:

۱- يُكْذِّبُ: دروغ می شمارد ۲- يَدْعُ: با درشتی می راند ۳- يَحْضُ: بر می انگیزد ۴- وَدَّ: دوست داشت
۵- لَوْ تَغْفُلُونَ: آرزو می کردند غافل شوید ۶- الْأَمْتَعَةُ: ساز و برگ، اسباب و اثاثیه «مفرد: أَمْتَاع»

الْفِعْلُ الْمَهْمُوزُ:

■ الْفِعْلُ الْمَهْمُوزُ هُوَ مَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ هَمْزَةً؛ مِثْلُ: أَمَرَ وَ سَأَلَ وَ قَرَأَ يُسَمَّى فِعْلًا **أَمَرَ** «مَهْمُوزَ الْفَاءِ»، وَ فِعْلًا **سَأَلَ** «مَهْمُوزَ الْعَيْنِ»، وَ فِعْلًا **قَرَأَ** «مَهْمُوزَ اللَّامِ». تَحْصُلُ تَغْيِيرَاتٌ فِي بَعْضِ صِيَغِ الْفِعْلِ «الْمَهْمُوزِ الْفَاءِ» وَذَلِكَ حِينَ تَجْتَمِعُ فِيهِ هَمَزَتَانِ، ثَانِيَتُهُمَا سَاكِنَةٌ، فَتُبْدَلُ الْهَمْزَةُ الثَّانِيَةُ إِلَى أَلِفٍ أَوْ وَاوٍ أَوْ يَاءٍ طَبَقًا لِحَرَكَةِ مَا قَبْلَهَا؛ **أَيُّ** : تُبْدَلُ الْهَمْزَةُ الثَّانِيَةُ («أَ» ← «آ») وَ («أَ» ← «أُ») وَ («إَ» ← «إِي») .
أَهْمُ التَّغْيِيرَاتِ:

في الْمُضَارِعِ لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ:

هُوَ يَأْمُرُ. ← «أَنَا أَمُرُ» هُوَ يَأْخُذُ. ← «أَنَا أَخُذُ» هُوَ يَأْكُلُ. ← «أَنَا أَكُلُ»

في الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ الْمَزِيدِ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ:

أَمِنَ عَلَى وَزْنِ أَفْعَلَ = «أَمَنَ» مَجْهُولُ آتَى = «أَوْتَيْ» مَصْدَرُ آمَنَ عَلَى وَزْنِ إِفْعَالِ = «إِيْمَان»
أَمَّنَ أَوْتَيْ إِيْمَان

الْمَاضِي	الْمُضَارِعِ	الْمَصْدَرِ	الْأَمْرِ
آمَنَ	يُؤْمِنُ	إِيْمَان	آمِنِ
آثَرَ	يُؤَثِّرُ	إِثَار	آثِرْ

■ أَنْظَرُوا إِلَى أَمْرِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ وَتَعَلَّمُوهَا وَادْكُرُوا صِيَغَهَا.

تَأْمُرُ = «وَمُرْ» وَ «مُرْ» تَأْخُذُ = «خُذْ» تَأْكُلُ = «كُلْ» تَسْأَلُ = «سَأَلْ» وَ «سَلْ»

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ لِـ «أَحْمَدُ شَوْقِي» ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَهْمُوزَةَ وَالْمُضَاعَفَةَ.

هَلْ عَلِمْتُمْ أُمَّةً فِي جَهْلِهَا ظَهَرَتْ فِي الْمَجْدِ حَسَنَاءُ الرِّدَاءِ^١

لَا تَقُولُوا حَطًّا^٢ الدَّهْرُ فَمَا هُوَ إِلَّا مِنْ خَيَالِ الشُّعْرَاءِ

فَخُذُوا الْعِلْمَ عَلَى أَعْلَامِهِ وَاطْلُبُوا الْحِكْمَةَ عِنْدَ الْحُكَمَاءِ

وَافْرُؤُوا تَارِيخَكُمْ وَاحْتَفِظُوا بِفَصِيحٍ^٣ جَاءَكُمْ مِنْ فُصَحَاءِ

وَاطْلُبُوا الْمَجْدَ^٤ عَلَى الْأَرْضِ فَإِنْ هِيَ ضَاقَتْ^٥ فَاطْلُبُوهُ فِي السَّمَاءِ



صُورَةٌ خَيَالِيَّةٌ مِنْ مِصْرَ

١- حَسَنَاءُ الرِّدَاءِ: خُوش جَامِهِ الْحَسَنَاءُ: زَيَا الرِّدَاءُ: بِالْإِطِش ٢- حَطًّا: پَايِن آوَرْد
٣- الْفَصِيحُ: سَخَن أَشْكَار وَ بِي عَيْب (كِنَايَه اَز زَبَان عَرَبِي)، سَخَنُور ٤- الْمَجْدُ: بَزَرْگَوَارِي ٥- ضَاقَتْ: تَنَگ شَد

التمرين الأول: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- طَلَبُ الشَّهَادَةِ.
- ٢- قَوْمُ الْمَرْءِ وَ قَبِيلَتُهُ.
- ٣- آلَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَزْنُ الشَّيْءِ.
- ٤- حَاكِمٌ فِي مُحَافَظَةٍ أَوْ قِسْمٍ مِنَ الْبِلَادِ.
- ٥- قَوِيٌّ فِي الْحَرْبِ، أَوْ لَهُ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي فِلْمٍ، أَوْ فَائِزٌ فِي الرِّيَاضَةِ.
- ٦- إِنَاءٌ مِنَ الْحَدِيدِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْبِلَاسْتِيكِ أَوْ الزُّجَاجِ لِبَيَانِ مِقْدَارِ الشَّيْءِ.

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ.

- ١- مَصْدَرُ بَابِ الْمُفَاعَلَةِ: ☐ الْمُقَاتِل ☐ الدِّفَاع ☐ الْكَمَال ☐ الْمُجَاهِدَة
- ٢- مَصْدَرُ بَابِ التَّفْعِيلِ: ☐ التَّعَارُف ☐ التَّقْدَم ☐ الْإِكْرَاه ☐ التَّهْدِيد
- ٣- مَصْدَرُ الرُّبَاعِيِّ الْمَجْرَدِ: ☐ التَّرْجَمَة ☐ التَّلَوُّث ☐ التَّقَاعُد ☐ التَّفْتِيش
- ٤- مَصْدَرُ الرُّبَاعِيِّ الْمَزِيدِ: ☐ الْجِهَاد ☐ التَّرْزُل ☐ التَّعَلُّم ☐ التَّنَاوُل
- ٥- مَهْمُوزُ الْفَاءِ: ☐ إِبْدَوْا ☐ سَلُوا ☐ خُذُوا ☐ أَرْسَلُوا
- ٦- الْمُضَاعَفُ: ☐ أَحْبَبُوا ☐ عَلَّمْتُ ☐ تَنْزَلَ ☐ أَكْدْنَا

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: أَلِفٌ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صَغَرِي. (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَالْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفْتُ رِياحٌ شَدِيدَةً خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شاطئِ الْبَحْرِ. (الْصِّفَةُ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٤- أَلِكْتُابَ صَدِيقٍ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (الْجَمْعَ الْمَكْسَرُ، وَ نَوْنَ الْوَقَايَةِ)

ب: عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِقَةِ:

سافَرْتُ / شَاهَدْتُ / عَصَفْتُ / خَرَبْتُ

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | |
|--|-------------------------------------|---|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ١- النُّحَاسُ | <input type="checkbox"/> أَلْدَاءُ | <input type="checkbox"/> الْحَدِيدُ | <input type="checkbox"/> أَلَذَّهَبُ |
| <input type="checkbox"/> ٢- الرِّدَاءُ | <input type="checkbox"/> الْقَمِيصُ | <input type="checkbox"/> الْبَرْنَامَجُ | <input type="checkbox"/> الْعَبَاءَةُ |
| <input type="checkbox"/> ٣- الْقِشْرُ | <input type="checkbox"/> الْجَذْعُ | <input type="checkbox"/> الْغُصْنُ | <input type="checkbox"/> الْمِظْلَةُ |
| <input type="checkbox"/> ٤- الرَّمْلُ | <input type="checkbox"/> الْجَنَاحُ | <input type="checkbox"/> الطِّينُ | <input type="checkbox"/> التُّرَابُ |
| <input type="checkbox"/> ٥- الرَّأْسُ | <input type="checkbox"/> الْعَيْنُ | <input type="checkbox"/> الْيَدُ | <input type="checkbox"/> الْجَوَالُ |
| <input type="checkbox"/> ٦- السِّنُّ | <input type="checkbox"/> الزَّيْتُ | <input type="checkbox"/> الْقَمُ | <input type="checkbox"/> اللِّسَانُ |

١- الْبَرْنَامَجُ: برنامهِ



التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْبَيْتَ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

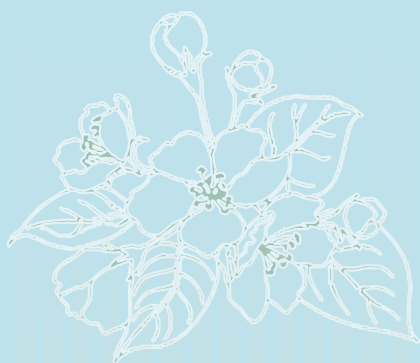
۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- | | |
|---|--|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون دُر | تا زانک تو جهان شود پُر (نظامی گنجوی) |
| ب) علم کز اعمال نشانش نیست | کالبدی دارد و جانش نیست (امیر خسرو دهلوی) |
| ج) اندازہ نگہ دار که اندازہ نکوست | ہم لایق دشمن است و ہم لایق دوست (سعدی) |
| د) روزگارست آن کہ کہ غرت ہمد کہ خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچہ بسیار دارد (قائم مقام فرہانی) |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ) |
| و) چو دانا تو را دشمن جان بود | بہ از دوست مردی کہ نادان بود (فردوسی) |

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ تَارِيخِيَّةِ حَوْلَ حَيَاةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ.







الدَّرْسُ الرَّابِعُ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ١١٩

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و همراه راستگویان

باشید.

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا،
فَمَا اسْتَطَاعَ، فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ
الْمَعَاصِي، فَتَصَحَّهَ بِالتَّزَامِ الصَّدُقِ، وَ أَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ، فَكُلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ
ذَنْبًا، امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ، وَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ
مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِإِلْتِزَامِهِ بِالصَّدُقِ.

وَ يُحْكِي أَنَّ شَابًّا كَانَ كَذَّابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْعَرَقِ وَ نَادَى
أَصْحَابَهُ: النَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ... فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ ضَحِكَ
عَلَيْهِمْ؛ كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ،
فَأَخَذَ يُنَادِي أَصْحَابَهُ، وَلَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ. فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى أَسْرَعَ إِلَيْهِ



أَخَذَ النَّاسِ وَأَنْقَذَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ: «شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكِدْبِي كَادَ يَقْتُلْنِي،

فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا، وَ مَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكِذْبِ مَرَّةً أُخْرَى.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ١١٩

الصَّدُقْ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَ الصَّدُقْ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا تَكْذِبَ عَلَى

الْآخَرِينَ، وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

«كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ».

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي قَلَّتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ».

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ.

مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ ﷺ!

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ».

<p>طَنَظَنَة : بانگ (بانگ آرام نیایش)</p> <p>عَادَ : بازگشت (مضارع: يَعُودُ) = رَجَعَ</p> <p>فَلَتَهُ اللِّسَانُ : لغزش زبان از</p> <p>نیندیشیدن «جمع: فَلَتَات»</p> <p>كَادَ يَغْرُقُ : نزدیک بود غرق بشود</p> <p>كَبُرَ : بزرگ شد (مضارع: يَكْبُرُ)</p> <p>«كَبُرَتْ خِيَانَتُهُ: خیانت بزرگی</p> <p>است!» كَبُرَ ≠ صَغُرَ</p> <p>كَرَّرَ : تکرار کرد (مضارع: يُكْرِّرُ)</p> <p>كَلَّمَا : هرگاه</p> <p>نَجَدَ : کمک = مُسَاعَدَة، نَصْر</p>	<p>(مضارع: يُنْكِرُ)</p> <p>تَخَلَّصَ : رها شد (مضارع: يَتَخَلَّصُ)</p> <p>تَظَاهَرَ بِ: به ... وانمود کرد</p> <p>(مضارع: يَتَظَاهَرُ)</p> <p>حَدَّثَ : سخن گفت (مضارع: يُحَدِّثُ) = كَلَّمَ، تَكَلَّمَ</p> <p>حَكَى : حکایت کرد (مضارع: يَحْكِي)</p> <p>سَبَّحَ : ثنا کرد (مضارع: يَسْبَحُ)</p> <p>صَاحِبَ : دوست «جمع: أَصْحَاب»</p> <p>= صَدِيق ≠ عَدُو</p> <p>صَفَحَ : یک روی چیزی</p> <p>«صَفَحَاتُ الْوَجْهِ: همه جای چهره»</p>	<p>أَخَذَ : شروع کرد، «أَخَذَ يُنَادِي:</p> <p>شروع کرد به صدا زدن»</p> <p>إِسْتَطَاعَ : توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ)</p> <p>أَسْرَعَ: شتافت (مضارع: يُسْرِعُ) = عَجَلَ</p> <p>أَصْلَحَ : درست گرداند</p> <p>(مضارع: يُصْلِحُ) ≠ أَفْسَدَ</p> <p>أَضْمَرَ : پنهان کرد (مضارع: يُضْمِرُ)</p> <p>= أَحْقَى ≠ أَظْهَرَ</p> <p>إِلْتَزَمَ : پایبندی (الْتَزَمَ، يَلْتَزِمُ)</p> <p>إِلْتَفَتَ: توجّه کرد (مضارع: يَلْتَفِتُ)</p> <p>«لَمْ يَلْتَفِتُوا: توجّه نکردند»</p> <p>أَنْكَرَ : دروغ دانست، انکار کرد</p>
--	---	--

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- حَاوَلَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِيَ أَنْ يُصْلِحَ نَفْسَهُ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ فِي الْبِدَايَةِ.
- ۲- طَلَبَ الرَّجُلُ الْفَاضِلُ مِنَ الرَّجُلِ الْكَثِيرِ الْمَعَاصِيَ أَنْ يَلْتَزِمَ بِكُلِّ الْحَسَنَاتِ.
- ۳- اِمْتَنَعَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِيَ عَنِ الذُّنُوبِ لِيُوفَائِهِ بِالْعَهْدِ.
- ۴- كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ.
- ۵- يَظْهَرُ الْكِذْبُ فِي فَلَتَاتِ اللِّسَانِ وَ صَفَحَاتِ الْوَجْهِ.



التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ وَ الإِغْرَابُ

■ **التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ** عبارةٌ عَن دِرَاسَةِ الْكَلِمَةِ مِنْ حَيْثُ هِيَ خَارِجَ الْجُمْلَةِ.

قَبْلَ الْوُرُودِ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ الْكَلِمَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تَنْقَسِمُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ: اِسْمٌ وَ فِعْلٌ وَ حَرْفٌ.

فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنْوَاعَ الْكَلِمَةِ، مِنْهَا اِلِسْمُ، وَ أَنَّ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ تُعَدُّ مِنَ الْأَسْمَاءِ: الضَّمَايِرُ (هُوَ، هُمَا، هُمْ ... لَكِ، كُما، كُمْ ...) ، اَلْمَصَادِرُ (اسْتِخْرَاجُ، تَخْرُجُ، إِخْرَاجُ، خُرُوجُ ...) ، اَلصِّفَةُ (جَمِيلُ، قَصِيرُ، سَهْلُ، حَسَنُ ...) ظُرُوفُ الْمَكَانِ وَالزَّمَانِ (هُنَا، أَمْسَ، خَلْفُ ...)

وَقَدْ تَعَلَّمْتَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْأَسْمِ الْأُمُورَ التَّالِيَةَ وَ اسْتَعْمَلْتَهَا فِي التَّمَارِينِ وَ هِيَ:

الْجَامِدُ وَالْمُسْتَقُّ:

اَلْمُسْتَقُّ هُوَ اِلِسْمُ الَّذِي يُؤْخَذُ مِنَ الْمَصْدَرِ وَيَدُلُّ عَلَى مَعْنَى وَصَاحِبِ الْمَعْنَى؛ مِثْلُ:

عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، مُعَلِّمٌ، أَعْلَمُ، مَعْلَمٌ وَ عِلَامَةٌ.

فَهَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَدْ أُخِذَتْ مِنْ «اَلْعِلْمِ» وَ دَلَّتْ عَلَى مَعْنَاهُ وَعَلَى «صَاحِبِ الْعِلْمِ».

بِعِبَارَةٍ أُخْرَى فَإِنَّ كَلِمَةَ «اَلْعِلْمِ» تَدُلُّ عَلَى مَعْنَى بَاسِطٍ، فَهِيَ إِذَنْ جَامِدَةٌ؛ أَمَّا كَلِمَةُ «مُعَلِّمٌ» فَهِيَ مُرَكَّبَةٌ مِنْ «اَلْعِلْمِ» وَ «صَاحِبِ ذَلِكَ الْعِلْمِ»، فَهِيَ إِذَنْ مُسْتَقَّةٌ.

وَقَدْ عَرَفْتَ الْأَسْمَاءَ الْمُسْتَقَّةَ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ هِيَ:

اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ وَ اِسْمُ الزَّمَانِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ وَ اَلصِّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ

مُعَلِّمٌ مُنْتَظَرٌ مَعْبَدٌ مَغْرِبٌ صَبَّارٌ جَمِيلٌ

وَ اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْآلَةِ

أَكْبَرُ مِفْتَاحُ

■ اَلْمَصَادِرُ كُلُّهَا جَامِدَةٌ، سِوَاءِ كَانَتْ مُجَرَّدَةً أَمْ مَزِيدَةً، وَيُقَالُ لَهَا فِي اِلِاصْطِلَاحِ الْمُتَعَارَفِ «الْجَامِدُ الْمَصْدَرِيُّ»؛ نَحْوُ: اِفْتِرَابٌ، تَقَرُّبٌ، مُقَارَبَةٌ، تَقْرِيبٌ، قُرْبَةٌ وَ ...

اَلْأَسْمَاءُ الْجَامِدَةُ الْاُخْرَى نَحْوُ: قَرَسٌ، حَجَرٌ، شَمْسٌ، قَمَرٌ وَ قَلَمٌ، كُلٌّ مِنْهَا «جَامِدٌ غَيْرُ مَصْدَرِيٍّ».

الْأَسْمَاءُ الْمَعْرِفَةُ سِتَّةُ أَنْوَاعٍ وَقَدْ تَعَلَّمْتَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛ وَهِيَ:

- ١- الضَّمِير (هُوَ، هُما، هُم، هِيَ، هُما، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُما، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ)
(هُ، هُما، هُم، هِا، هُما، هُنَّ، لَ، كُما، كُم، لَ، كُما، كُنَّ، يِ، نِا)
(إِيَّاهُ، إِيَّاهُما، إِيَّاهُم، إِيَّاهَا، إِيَّاهُما، إِيَّاهُنَّ، إِيَّاكَ، إِيَّاكُما، إِيَّاكُم، إِيَّاكِ، إِيَّاكُما،
إِيَّاكُنَّ، إِيَّايَ، إِيَّايَا)

- ٢- اِسْمُ الْإِشَارَةِ (هَذَا، هُذَانِ، هُذَيْنِ، هُؤُلَاءِ، هُذِهِ، هَاتَانِ، هَاتَيْنِ / ذَلِكَ، تِلْكَ، أُولَئِكَ)

- ٣- اَلْعَلَمُ (هُوَ اَلِاسْمُ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى قَرْدٍ وَاحِدٍ مِنَ الْإِنْسَانِ وَالْحَيَوَانِ وَالْمَدِينَةِ وَالْبَلَدِ
وَالنَّهْرِ وَالْجَبَلِ وَغَيْرِهَا)

- ٤- اَلِاسْمُ الْمَوْصُولُ (الَّذِي، الَّلَّذَانِ، الَّلَّذَيْنِ / الَّتِي، الَّلَّتَانِ، الَّلَّتِي / مَنْ، مَا)

- ٥- ذُو اَللَّامِ (اَلِاسْمُ الَّذِي دَخَلَتْ عَلَيْهِ اَلْ)

- ٦- اَلْمَعْرِفُ بِالْإِضَافَةِ (نَحْوُ «كِتَاب» فِي تَرْكِيبِ «كِتَابِ التَّارِيخِ»)

يُشْتَرَطُ فِي الْمَعْرِفِ بِالْإِضَافَةِ أَنْ يَكُونَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ مَعْرِفَةً؛ أَمَّا إِذَا كَانَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ نَكْرَةً
فَلَا يَكُونُ الْمُضَافُ مَعْرِفَةً. فَكَلِمَةُ «كِتَاب» فِي تَرْكِيبِ «كِتَابِ طَالِبٍ» لَيْسَتْ مَعْرِفَةً؛ لِأَنَّ
الْمُضَافَ إِلَيْهِ «طَالِبٍ» نَكْرَةً لَيْسَتْ مَعْرِفَةً.
أَمَّا اَلِاسْمُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْمَعْرِفَةِ الْمَذْكُورَةِ الَّتِي ذُكِرَتْ سَابِقًا، فَهِيَ نَكْرَةُ: نَحْوُ:
رَجُلٌ، امْرَأَةٌ، كِتَابٌ.

■ فَايِدَةُ: نُسْتَعْمَلُ «مَنْ» وَ «مَا» فِي الْكَلَامِ «اسْمِي اسْتِفْهَامٌ»، وَقَدْ تَأْتِيَانِ «مَوْصُولَتَيْنِ»
وَنُعْرِفَانِ مِنْ سِيَاقِ الْكَلَامِ.

«مَنْ» اَلِاسْتِفْهَامِيَّةُ: «چَه كَسِي؟، چَه كَسَانِي؟» وَ «مَا» اَلِاسْتِفْهَامِيَّةُ: «چَه چِزِي؟، چَه چِزِهَائِي؟».

«مَنْ» اَلِاسْمُ الْمَوْصُولُ: «كَسِي كَه، كَسَانِي كَه» وَ «مَا» اَلِاسْمُ الْمَوْصُولُ: «چِزِي كَه، چِزِهَائِي كَه».

تُعَدُّ «مَنْ» وَ «مَا» اَلِاسْتِفْهَامِيَّتَانِ نَكْرَتَيْنِ، وَ «مَنْ» وَ «مَا» اَلْمَوْصُولَتَانِ مَعْرِفَتَيْنِ.

الْجِنْسُ (الْمَذَكَّرُ وَالْمُؤَنَّثُ):

<p>الْحَقِيقِيُّ: إِمْرَأَةٌ، دَجَاجَةٌ الْمَجَازِيُّ: عَرَبَةٌ، شَرِيحَةٌ الْلَفْظِيُّ: حَمْزَةٌ، طَلْحَةٌ الْمَعْنَوِيُّ: عَيْنٌ، شَمْسٌ</p>	<p>الْمُؤَنَّثُ ⇐</p>	<p>الْحَقِيقِيُّ: رَجُلٌ، دِيكٌ الْمَجَازِيُّ: عَصِيرٌ، بَابٌ</p>	<p>الْمَذَكَّرُ ⇐</p>
--	-----------------------	---	-----------------------

الْعَدَدُ (الْمُفْرَدُ وَالْمُتَنَّى وَالْجَمْعُ):

<p>مُفْرَدٌ حَافِظٌ وَ حَافِظَةٌ</p>	<p>الْإِسْمُ ⇐</p>	<p>مُتَنَّى حَافِظَانِ وَ حَافِظَتَيْنِ وَ حَافِظَتَانِ وَ حَافِظَتَيْنِ</p>
<p>الْمَذَكَّرُ السَّالِمُ حَافِظُونَ وَ حَافِظِينَ الْمُؤَنَّثُ السَّالِمُ حَافِظَاتٌ الْتَّكْسِيرُ حُفَازٌ</p>	<p>الْجَمْعُ ⇐</p>	

الْإِعْرَابُ وَالْإِنَاءُ:

الْكَلِمَاتُ الْمُعْرَبَةُ: وَهِيَ أَكْثَرُ الْأَسْمَاءِ، وَ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي «الْجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ الْغَائِبِ» وَ «الْجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ الْمُخَاطَبِ») فَهُمَا مَبْنِيَّتَانِ.

الْكَلِمَاتُ الْمَبْنِيَّةُ: وَهِيَ الضَّمَاوِرُ وَأَسْمَاءُ الْإِشَارَةِ (بِاسْتِثْنَاءِ الْمُتَنَّى) وَالْأَسْمَاءُ الْمَوْصُولَةُ (بِاسْتِثْنَاءِ الْمُتَنَّى) وَأَسْمَاءُ الْإِسْتِفْهَامِ (بِاسْتِثْنَاءِ أَيْ) وَالْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ لِلْمُخَاطَبِ وَصِيغَتَا جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ فِي الْمُضَارِعِ وَكُلُّ الْحُرُوفِ.

هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ «إِلَى، عَلَى، حَتَّى، أَنَا، ضَمِيرَ نَا وَ ي» مَبْنِيَّةٌ عَلَى السُّكُونِ؟

إِذَنْ، الْكَلِمَاتُ الْمَبْنِيَّةُ الَّتِي آخِرُهَا «أَلِفٌ» أَوْ «يَاءٌ مَكْسُورٌ مَا قَبْلَهَا» مَبْنِيَّةٌ عَلَى السُّكُونِ. ⇐ ا، ي

يَجِبُ أَنْ تَذْكُرُوا فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ «لِلْفِعْلِ» هَذِهِ الْأُمُورَ الَّتِي قَدْ عَرَفْتُمُوهَا مِنْ قَبْلُ وَهِيَ:

١- أ فِعْلٌ ماضٍ أَمْ فِعْلٌ مضارعٌ أَمْ فِعْلٌ أمرٍ / ٢- صيغَةُ الْفِعْلِ / ٣- أَ ثَلَاثِيٌّ مَجْرَدٌ أَمْ مَزِيدٌ؟
(إِذَا كَانَ مَزِيدًا فَمِنْ أَيِّ بَابٍ هُوَ؟) / ٤- لَازِمٌ أَمْ مُتَعَدٌّ؟ / ٥- مَعْلُومٌ أَمْ مَجْهُولٌ / ٦- مُعَرَّبٌ
أَمْ مَبْنِيٌّ وَ إِذَا كَانَ مَبْنِيًّا يَجِبُ أَنْ تَذْكُرَ عَلَامَةَ بِنَائِهِ.

يَجِبُ أَنْ تَذْكُرُوا فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ «لِلْحَرْفِ» هَذِهِ الْأُمُورَ الَّتِي قَدْ عَرَفْتُمُوهَا مِنْ قَبْلُ وَهِيَ:

١- نَوْعُ الْحَرْفِ: (أَمْ مِنْ حُرُوفِ الْجَرِّ، أَمْ مِنْ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ، أَمْ حَرْفُ التَّعْرِيفِ «أَل»،
أَمْ حَرْفٌ مَا النَّافِيَّةِ، أَمْ حَرْفُ التَّسْوِيفِ «الِاسْتِقْبَالِ» سَوْفَ وَ سَ ، أَمْ حَرْفٌ هَلْ أَوْ أ
الِاسْتِفْهَامِيَّتَيْنِ، أَمْ ...)

٢- عَمَلُ الْحَرْفِ: أَمْ عَامِلٌ أَمْ غَيْرُ عَامِلٍ؟ (حُرُوفُ الْجَرِّ وَالْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ عَامِلَةٌ؛
لِأَنَّهَا تُؤَثِّرُ فِي إِعْرَابِ مَا بَعْدَهَا. وَحَرْفُ أَلِ التَّعْرِيفِ، وَحَرْفُ مَا النَّافِيَّةِ، وَ حَرْفُ الِاسْتِفْهَامِ
«هَلْ» وَ «أ» وَ حَرْفُ التَّسْوِيفِ (الِاسْتِقْبَالِ) «سَ» وَ «سَوْفَ» غَيْرُ عَامِلَةٍ؛ لِأَنَّهَا لَا تُؤَثِّرُ فِي
إِعْرَابِ مَا بَعْدَهَا.

٣- بِنَاءُ الْحَرْفِ: عَلَى أَيِّ حَرَكَةٍ بِنَاؤُهُ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ نَحْوُ سَوْفَ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى الْكَسْرِ
نَحْوُ بَ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى الضَّمِّ نَحْوُ مُنْدُ؟ أَمْ مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ نَحْوُ مِنْ؟

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): أَنْظِرْ إِلَى النَّمُودَجِ، ثُمَّ اكْتُبِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ لِكَلِمَاتِ الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ.

رَسَمَ الطَّالِبُ صُورَةً.

رَسَمَ: فِعْلٌ ماضٍ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ غَائِبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجْرَدٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ

أَل: حَرْفٌ تَعْرِيفِي، غَيْرُ عَامِلٍ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ

طَالِب: اِسْمٌ مُشْتَقٌّ (اِسْمُ الْفَاعِلِ)، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ حَقِيقِيٌّ، مُعَرَّفٌ بِاللَّامِ، مُعَرَّبٌ

الْتَمَرِينَ: يَفْتَحُ الْحَارِسُ بَابَ الْمَصْنَعِ.

يَفْتَحُ:

أَل:

الحارس:

باب:

مَصْنَع:

■ «الإعراب» هو بيان موقع الكلمة في الجملة وذكر نوع إعرابها وعلامة الإعراب.

قَدْ تَعَلَّمْتَ لِحَدِّ الآنَ هَذِهِ الْأُمُورَ فِي إِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ وَهِيَ:

فاعل، مرفوع / مفعول به، منصوب / مبتدأ، مرفوع / خبر، مرفوع / نائب فاعل، مرفوع /
مضاف إليه، مجرور / مجرور بحرف الجر / اسم وخبر للحروف المشبهة بالفعل (الاسم
منصوب والخبر مرفوع). / اسم وخبر للأفعال الناقصة (الاسم مرفوع والخبر منصوب). /
اسم وخبر لـ «لا» النافية للجنس (الاسم مبني على الفتح والخبر مرفوع) / نعت (وهو تابع
للمنوع في الإعراب).

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

٣- الْحَيَاءُ حَسَنٌ، وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ. عِيسَى ع

(نقاد جمع ناقد)

التمرين الأول: أُمِّي كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- أَخْفَى شَيْئًا، وَجَعَلَهُ بَعِيدًا عَنِ الْأَنْظَارِ:

٢- حَسَبَهُ كِذْبًا، وَ مَا قَبْلَهُ:

٣- عَمِلَ عَمَلًا عِدَّةَ مَرَّاتٍ:

٤- أَصْبَحَ كَبِيرًا:

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَغْتَرَّوْا^١ بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فَعَلَ الْأَمْرَ، وَ فَعَلَ النَّهْيَ)

٢- لَا تَسْتَشِيرِ^٢ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ^٣ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٤ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمُ الْمُبَالِغَةِ)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَخْتِيَالِهِ^٥. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْأَفْعَالُ)

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فَعَلَ النَّهْيَ)

٣- يُقَرِّبُ: نزديك می سازد

٢- لَا تَسْتَشِيرُ: با ... مشورت نکن

١- لَا تَغْتَرَّوْا: فریب نخورید

٥- الْأَخْتِيَالُ: فریبکاری

٤- يُبْعِدُ: دور می سازد

التمرين الثالث: للتحليل الصرفي والإعراب.

يَكْتُبُ الطَّالِبُ دَرْسَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ.



الإعراب	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الكَلِمَة
.....	يَكْتُبُ
.....	أَلْ
.....	الطَّالِبُ
.....	دَرْسَ
.....	هُ
.....	فِي
.....	الْمَدْرَسَةِ



التَّمرينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ. = ≠

أَغْلَقَ فَكَّ قائِم جالِس

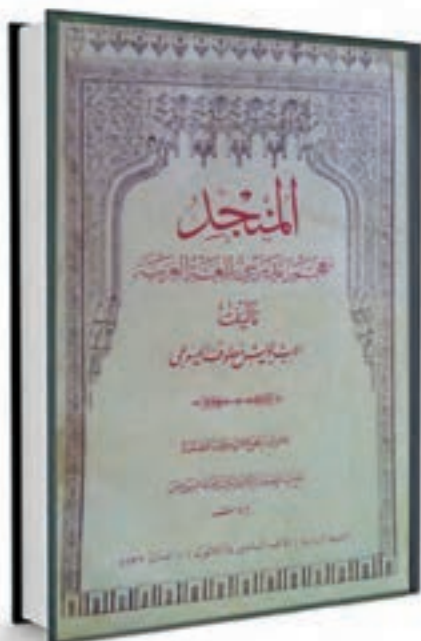
أَرَادَ طَلَبَ أَضْمَرَ أَخْفَى

كَبَّرَ صَغُرَ حَدَّثَ كَلَّمَ

ذَيْلٌ ذَنْبٌ صَاحِبٌ عَدُوٌّ

عَادَ رَجَعَ أَسْرَعَ عَجَلَ

أَصْلَحَ أَفْسَدَ نَجْدَةٌ مُسَاعَدَةٌ



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ لِلْمَعْصُومِينَ (عليهم السلام) حَوْلَ اَهَمِّيَّةِ الصُّدْقِ.

١-

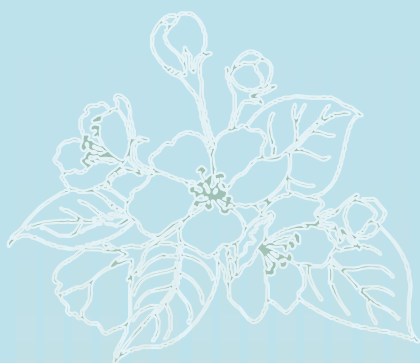
٢-

٣-

٤-

٥-







الدَّرْسُ الْخَامِسُ

﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾ الإسراء: ٨٨
 بگو: «بی گمان اگر انس و جن گرد هم آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نمی آورند، گرچه پشتیبان یکدیگر باشند.»

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سَأَلَ رَجُلٌ الْإِمَامَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ :

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ **إِبْطَالَ**

السَّحْرِ وَ يَدَهُ **الْبَيْضَاءَ**، وَ مُعْجَزَةَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ شِفَاءَ

الْمَرَضَى، وَ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ ﷺ الْقُرْآنَ؟

فَقَالَ:

لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَتْ لِلْسَّحْرِ مَنْزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ، فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَ عِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ

شُيُوعِ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ، فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرَضَى وَ إِحْيَاءِ

الْمُوتَى.



وَ حِينَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ كَانَ لِلْبَيَانِ وَ الْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْغُ بَيِّنَ النَّاسِ، فَأَنْزَلَ
 اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَأَظْهَرَ عَجَزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ، بَلْ بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ. فَقَدْ قَالَ فِي الْمُصْحَفِ
 الشَّرِيفِ:

﴿... قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

يُونُس: ٢٨

إِبْطَال: باطل کردن

أَبْطَلَ: باطل کرد

إِثْيَانٍ بِ: آوردن

أَتَى بِ: آورد (مضارع: يَأْتِي بِ)

فَأَتُوا بِ: پس بیاورید

أَدْعُوا: فرا بخوانید

إِسْتَطَعْتُمْ: توانستید

أَظْهَرَ: آشکار کرد

بَيَّضَاء: سفید «مَوْثَبٌ أَبْيَضُ»

ظَهِير: پشتیان

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- لِمَاذَا كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۲- كَيْفَ كَانَتْ مَنَزِلَةُ السُّحْرِ عِنْدَ النَّاسِ لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۳- مَا كَانَتْ مُعْجَزَةُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

۴- مَتَى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ؟

۵- لِمَنْ مُعْجَزَةُ الْيَدِ الْبَيْضَاءِ؟



الظَّاهِرِيُّ وَالْمَحَلِّيُّ وَالتَّقْدِيرِيُّ

الإِعْرَابُ الظَّاهِرِيُّ عَلَى نَوْعَيْنِ؛ الإِعْرَابُ الْأَصْلِيُّ وَ الإِعْرَابُ الْفَرَعِيُّ.

وَعَلَامَاتُ الْإِعْرَابِ الظَّاهِرِيُّ نَوَّعَانِ؛ أَصْلِيَّةٌ وَفَرْعِيَّةٌ هِيَ:

وَيُسَمَّى الَّذِي تَلَحَّقَ آخِرُهُ هَاتَانِ الْعَلَامَتَانِ مَرْفُوعًا؛ نَحْوُ: الطَّالِبُ وَالطَّالِبُ وَطَالِبٌ

وَيُسَمَّى الَّذِي تَلَحُّقُ آخِرَهُ هَاتَانِ الْعَلَامَتَانِ مَنْصُوبًا: نَحْوُ: الطَّالِبِ وَ طَالِبًا

وَيُسَمَّى الْإِسْمُ الَّذِي تَلَحَقَ آخِرُهُ هَاتَانِ الْعَلَامَتَانِ مَجْرُورًا؛ نَحْوُ: الطَّالِبِ وَ طَالِبِ

(يَخْتَصُّ إِعْرَابُ الْجَرِّ بِالْأَسْمَاءِ فَقَطْ).

عَلَامَةُ الْجَزْمِ - وَيُسَمَّى الْفِعْلُ الَّذِي تَلَحُّقُ آخِرُهُ هَذِهِ الْعَلَامَةُ مَجْزُومًا؛ نَحْوُ: لَا تَذْهَبْ وَلَا تَسْتَمِعْ

قَدْ تَعَلَّمْتُمْ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ فِعْلًا مِّنَ الْأَفْعَالِ الْمَجْزُومَةِ سَمَيْنَاهُ **حَيْدَاكَ** ^١ فِعْلَ النَّهْيِ؛ نَحْوُ لَا تَكْذِبْ.

(يَخْتَصُّ إِعْرَابُ الْجَزْمِ بِالْأَفْعَالِ فَقَطْ).

وَأَمَّا إِعْرَابُ الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ فَهُمَا يَشْتَرِكَانِ فِي الْإِسْمِ وَالْفِعْلِ).

لَا بُدَّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ عِلْمَاتِ الْإِعْرَابِ الظَّاهِرِي لَا تُنَحْصَرُ فِي هَذِهِ الْعِلْمَاتِ ، ، ، ، ، وَفَقَط .

بَلْ هُنَاكَ عِلَامَاتٌ أُخْرَى لِلْإِعْرَابِ الْفَرَعِيِّ. لَقَدْ تَعَلَّمْتَ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ بَعْضَ عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ

الظَّاهِرِي؛ أَمَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ فَسَنُكَّرُ بِعَظَمَاتِهَا تَحْتَ عُنْوَانِ «الْإِعْرَابِ الْفَرَعِيِّ»؛ وَهِيَ:

« وَ » فِي « وَنَ »: نَحْوُ: فَلَا حَوْنَ

وَفِي الْإِسْمِ الْمُتَنَّى: « ا » في « ان »؛ نَحْوُ: فَلَا حَانَ وَفَلَا حَتَانَ

الْعَلَامَةُ الْفَرَعِيَّةُ لِلنَّبِّ وَ الْجَرِّ فِي جَمْعِ الْمَذْكُرِ السَّالِمِ: « يَ » فِي « يَنَ »؛ نَحْوُ: فَلَا حِينَ

وَفِي الْإِسْمِ الْمُتَنَّى: «يُنْ» فِي «يَيْنُ»؛ نَحْوُ: فَلَا حَيْنَ وَفَلَا حَتَيْنَ

يَأْتِي الْإِعْرَابُ الْفَرَعِيُّ فِي خَمْسَةِ مَوَاضِعَ وَ هِيَ:

١- أَلِاسْمُ الْمُتَنَّى (يَانِ ، يَيْنِ)



نَظَرْتُ إِلَى الْبَطَّتَيْنِ.

مَجْرُورٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)



رَسَمْتُ بَطَّتَيْنِ.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)



طَارَتِ الْبَطَّتَانِ.

فَاعِلٌ ، مَرْفُوعٌ بِأَلْوَلِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)

إِخْتِبرْ نَفْسَكَ (١): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

☐ يَوْمَانِ

☐ يَوْمَيْنِ

١- الدَّهْرُ ... ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

☐ الْإِمَامَانِ

☐ الْإِمَامَيْنِ

٢- السَّلَامُ عَلَى ... الْعَسْكَرِيِّينَ.

٢- جَمْعُ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ (يُونِ ، يَيْنِ)



سَلَّمْنَا عَلَى الْأَعْبِيدِ فَسَلَّمُوا عَلَيْنَا.

مَجْرُورٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)



أَلْمُتَفَرِّجُونَ يُشَجِّعُونَ الْأَعْبِيدَ.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِأَلْيَاءِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)



الْأَعْبِيدُونَ فَازُوا فِي الْمُبَارَاةِ.

مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ بِالْوَاوِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)

إِخْتِبرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

☐ الْآخِرِينَ

☐ الْآخِرُونَ

١- ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي ...﴾ الشُّعْرَاءُ: ٨٤

☐ مَسْؤُولِينَ

☐ مَسْؤُولُونَ

٢- إِنَّكُمْ ... حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- جَمْعُ الْمُؤَنَّثِ السَّالِمِ (ات)



الطَّالِبَاتُ يَصْنَعْنَ مَصْنوعاتٍ يَدَوِيَّةً. شاهدنا الطَّالِبَاتِ في السَّاحَةِ. نَظَرْنَا إِلَى الطَّالِبَاتِ الْفَائِزَاتِ.
مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ (عَلَامَةُ أَصْلِيَّةٍ) مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِالْكَسْرِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ) مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ (عَلَامَةُ أَصْلِيَّةٍ)

إِذَنْ يُنْصَبُ جَمْعُ الْمُؤَنَّثِ السَّالِمِ بِالْكَسْرِ بَدَلًا مِنَ الْفَتْحَةِ؛ فَعَلَامَةُ نَصْبِهِ وَجَرَّهُ وَاحِدَةٌ وَهِيَ الْكَسْرَةُ.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- ﴿رَبَّنَا فَاعْفُ رَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا ... نَا﴾ أَلْ عِمْرَان: ١٩٣ سَيِّئَاتٍ □ سَيِّئَاتٍ □
- ٢- قَرَأْتُ ... فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ. □ الْمَجَلَّاتِ □ الْمَجَلَّاتِ

٤- الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ

الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ هِيَ:

أَبُو (پدر) ، أَخُو (برادر) ، ذُو (دارای، صاحب) ، حَمُو (پدر و خویشان شوهر) ، فُو (دهان)

جاءَ أَبُوكَ. رَأَيْتُ أَبَاكَ. سَلَّمْتُ عَلَى أَبِيكَ.

فَاعِلٌ ، مَرْفُوعٌ بِالْوَاوِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ) مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنصُوبٌ بِالْأَلِفِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ) مَجْرُورٌ بِالْيَاءِ (عَلَامَةُ فَرَعِيَّةٍ)

تُعْرَبُ الْأَسْمَاءُ الْخَمْسَةُ بِالْإِعْرَابِ الْفَرَعِيِّ (بِالْوَاوِ رَفْعًا ، وَ بِالْأَلِفِ نَصْبًا ، وَ بِالْيَاءِ جَرًّا) مَتَى مَا أُضِيفَتْ إِلَى غَيْرِ صَمِيرٍ ياءِ الْمُتَكَلِّمِ، وَ إِذَا كَانَتْ مُفْرَدَةً؛ كَمَا رَأَيْتُ.

١- مَتَى مَا: هرگاه

أَمَا إِذَا أُضِيفَتْ إِلَى يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ فَإِعْرَابُهُ تَقْدِيرِي، وَ لَا تَظْهَرُ عَلَامَاتُهَا؛ نَحْوُ:
جَاءَ أَبِي. رَأَيْتُ أَبِي. سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٤): عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- أَ هَذَا ... ، يَا سَعِيدُ؟
☐ أَخِيكَ ☐ أَخَاكَ ☐ أَخُوكَ
- ٢- شَاهَدْتُ ... مُصْطَفَى فِي الشَّارِعِ.
☐ أَبِي ☐ أَبَا ☐ أَبُو
- ٣- شَهْرٌ ... آخِرُ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ الْقَمَرِيَّةِ.
☐ ذِي الْحِجَّةِ ☐ ذَا الْحِجَّةِ ☐ دُو الْحِجَّةِ

اَلتَّمَارِينُ

اَلتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. هر چه پیش آید خوش آید.
- اَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ.
- اَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. نمک خورد و نمکدان شکست.
- اَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. از دل برود هر آنکه از دیده رود.
- اَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. برد کشتی آنجا که خواهد خدای و گر جامه بر تن دَرَد ناخدای

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	إِسْمُ الْفَاعِلِ
وَافَقَ	يُوافِقُ <input type="checkbox"/>	وَافِقُ <input type="checkbox"/>	التَّوْفِيقُ <input type="checkbox"/>	الْمُوافِقُ <input type="checkbox"/>
	يُوفِّقُ <input type="checkbox"/>	وَفِّقُ <input type="checkbox"/>	الْمُوافَقَةُ <input type="checkbox"/>	الْمُوفِّقُ <input type="checkbox"/>
تَقَرَّبَ	يُقَرِّبُ <input type="checkbox"/>	قَرَّبَ <input type="checkbox"/>	التَّقَرُّبُ <input type="checkbox"/>	الْمُقَرَّبُ <input type="checkbox"/>
	يَتَقَرَّبُ <input type="checkbox"/>	تَقَرَّبَ <input type="checkbox"/>	التَّقَرُّبُ <input type="checkbox"/>	الْمُتَقَرَّبُ <input type="checkbox"/>
تَعَارَفَ	يَتَعَرَّفُ <input type="checkbox"/>	تَعَارَفَ <input type="checkbox"/>	الْمُعَارَفَةُ <input type="checkbox"/>	الْمُتَعَارِفُ <input type="checkbox"/>
	يَتَعَارَفُ <input type="checkbox"/>	اعْرِفُ <input type="checkbox"/>	التَّعَارُفُ <input type="checkbox"/>	الْمُعَرِّفُ <input type="checkbox"/>
اشْتَغَلَ	يَنْشَغِلُ <input type="checkbox"/>	اشْتَغَلَ <input type="checkbox"/>	الِانْشِغَالُ <input type="checkbox"/>	الْمُشْتَغِلُ <input type="checkbox"/>
	يَشْتَغِلُ <input type="checkbox"/>	انْشَغَلَ <input type="checkbox"/>	الِاشْغَالُ <input type="checkbox"/>	الْمُنْشَغِلُ <input type="checkbox"/>
انْفَتَحَ	يَفْتَحُ <input type="checkbox"/>	انْفَتَحَ <input type="checkbox"/>	الِانْفِتَاحُ <input type="checkbox"/>	الْمُفْتَحُ <input type="checkbox"/>
	يَنْفَتِحُ <input type="checkbox"/>	تَفَتَّحَ <input type="checkbox"/>	الِانْفِتَاحُ <input type="checkbox"/>	الْمُنْفَتِحُ <input type="checkbox"/>
اسْتَرْجَعَ	يَسْتَرْجِعُ <input type="checkbox"/>	اسْتَرْجَعَ <input type="checkbox"/>	الِاسْتِرْجَاعُ <input type="checkbox"/>	الْمُسْتَرْجِعُ <input type="checkbox"/>
	يَرْجِعُ <input type="checkbox"/>	رَاجِعٌ <input type="checkbox"/>	الِاسْتِرْجَاعُ <input type="checkbox"/>	الْمَرْجِعُ <input type="checkbox"/>
نَزَلَ	يُنْزِلُ <input type="checkbox"/>	انْزَلَ <input type="checkbox"/>	النُّزُولُ <input type="checkbox"/>	الْمُنْزِلُ <input type="checkbox"/>
	يُنَزِّلُ <input type="checkbox"/>	نَزَّلَ <input type="checkbox"/>	التَّنْزِيلُ <input type="checkbox"/>	النَّازِلُ <input type="checkbox"/>
أَكْرَمَ	يُكْرِمُ <input type="checkbox"/>	أَكْرَمَ <input type="checkbox"/>	الْإِكْرَامُ <input type="checkbox"/>	الْأَكْرَمُ <input type="checkbox"/>
	يُكْرِّمُ <input type="checkbox"/>	كَرَّمَ <input type="checkbox"/>	التَّكْرِيمُ <input type="checkbox"/>	الْمُكْرِمُ <input type="checkbox"/>

التَّمرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْمُفْرَدَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- اِلَاحْتِيَال ☐ اَلْأَلْسِنَةُ ☐ اَلْأَصْحَاب ☐ اَلْفَلَتَات ☐
- ٢- اَلْأَصْدِقَاء ☐ اَلسُّيَّاح ☐ اَلْمُمْرُضُونَ ☐ اَلِالْتِفَات ☐
- ٣- اَلْفَسَاتِين ☐ اَلْفَرَائِض ☐ اَلْبَرَنَامَج ☐ اَلْحَقَائِب ☐
- ٤- اَلْأُذُنَانِ ☐ اَلرَّعَانِف ☐ اَلدُّخَان ☐ اَلْأَنْجُم ☐
- ٥- اَلظُّلْمَةُ ☐ اَلْمَعَالِم ☐ اَلْمُحَاوَلَةُ ☐ اَلْأَعْدَاء ☐
- ٦- اَلْمَرُضَى ☐ اَلْمَرْضَاة ☐ اَلْأَحْيَاء ☐ اَلْمَوْتَى ☐

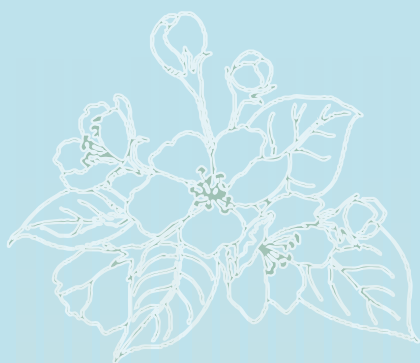
التَّمرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ، ثُمَّ أَعْرِبْهُ.

- ١- ﴿يَالَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْ...﴾ الزُّخْرُفُ: ٣٨ مَشْرِقَيْنِ ☐ مَشْرِقَانِ ☐ مَشَارِقُ ☐
- ٢- ﴿رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْ...﴾ اَلْعَنْكَبُوتُ: ٣٠ مُفْسِدُونَ ☐ مُفْسِدِينَ ☐ مُفْسِدَيْنِ ☐
- ٣- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ الْ...﴾ هُود: ١١٤ سَيِّئَاتٍ ☐ سَيِّئَاتُ ☐ سَيِّئَاتٍ ☐
- ٤- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْ...﴾ اَلتَّوْبَةُ: ١٢٠ مُحْسِنِينَ ☐ مُحْسِنُونَ ☐ مُحْسِنَاتٍ ☐
- ٥- ﴿يُعْرِفُ الْ... بِسَيِّمَاهُم﴾ اَلرَّحْمَنُ: ٤١ مُجْرِمَاتٍ ☐ مُجْرِمِينَ ☐ مُجْرِمُونَ ☐
- ٦- عَاتِبٌ ... بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَاكَ ☐ أَخَوَكَ ☐ أَخِيكَ ☐

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ فِي كِتَابِ قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةٍ وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ مُسْتَعِينًا بِصُورَةٍ مُنَاسِبَةٍ.







الدَّرْسُ السَّادِسُ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ٧٠)

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿أَدْخُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ١٢٥)

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لَمْ يَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢)
وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنِ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ

لِلنَّهْمِ؛ «اتَّقُوا مَوَاضِعَ النَّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا،

فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ. «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمَ مِنَ الزَّلِيلِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكْذِيبَهُ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قِلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطَ
يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ.

لِكِي يُقْنِعَ : تا قانع کند
(أَقْنَعُ، يُقْنِعُ)
لَيْنَ : نرم ≠ خَشِن
لَيْنَ : نرمی ≠ خُشُونَة
مَخْبُوءٌ : پنهان = خَفِي
يُعْرَضُ : در معرض می گذارد
(ماضی: عَرَضَ)

عَوَّدَ : عادت داد
(مضارع: يُعَوِّدُ)
قَلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَة
كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ
(مضارع: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو
(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تَقْفُ : پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)

أَدْعُ : فرا بخوان
(دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند
(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهَمُّ : تهمت ها «مفرد: تَهْمَة»
زَلَّ : لغزش
سَدِيدٌ : درست و استوار
طَوْبَى لَ : خوشا به حال

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَاٍ.

۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.



الإعرابُ الفرعيُّ (٢)

في الدَّرْسِ الْخَامِسِ تَعَلَّمْنَا أَرْبَعَةَ مَوَاضِعَ يُعَرَّبُ فِيهَا الْإِسْمُ إِعْرَابًا فَرَعِيًّا.

وَ فِي هَذَا الدَّرْسِ نَتَعَلَّمُ مَوْضِعًا آخَرَ لِلْإِعْرَابِ الْفَرَعِيِّ وَهُوَ:

٥- الْإِسْمُ الْمَمْنُوعُ مِنَ الصَّرْفِ



خُرَاسَانُ الرَّضَوِيُّ فِي شَمَالِ شَرْقِ إِيرَانَ. أُجِبْ خُرَاسَانَ أَرْضَ الْإِمَامِ الثَّامِنِ ^(عَلَيْهِ السَّلَامُ). بَيْتُنَا فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ فِي طَهْرَانَ. مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ مَفْعُولٌ بِهِ، مَنصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ مُضَافٌ إِلَيْهِ، مَجْرُورٌ بِالْفَتْحَةِ بَدَلًا مِنَ الْكُسْرَةِ

أَنْظُرْ إِلَى كَلِمَةِ «خُرَاسَانَ» وَ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ.

لِمَاذَا لَمْ تُنَوَّنْ كَلِمَةُ خُرَاسَانَ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ: الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ؟!

وَلِمَاذَا جَاءَتْ كَلِمَةُ خُرَاسَانَ مَفْتُوحَةً وَ هِيَ ^٢ فِي مَوْضِعِ جَرٍّ مُضَافٍ إِلَيْهِ؟!

فَاعْلَمْ أَنَّ بَعْضَ الْأَسْمَاءِ الْمُعْرَبَةِ لَا تُنَوَّنُ، وَتُجَرَّرُ ^٣ بِالْفَتْحَةِ بَدَلًا مِنَ الْكُسْرَةِ.

أَيُّ لِهَمَّا عَلَامَتَانِ إِعْرَابِيَّتَانِ فَقَطْ هُمَا الْفَتْحَةُ وَالضَّمَّةُ (ـَ وَ ـُ)، وَ لَا تُنَوَّنُ (ـِ وَ ـٍ) وَ لَا تُكْسَرُ (ـِ).

يُسَمَّى مِثْلَ هَذَا النَّوعِ مِنَ الْكَلِمَاتِ «الْأَسْمَاءُ الْمَمْنُوعَةُ مِنَ الصَّرْفِ» أَوْ «الْأَسْمَاءُ غَيْرُ الْمُنْصَرِفَةِ».

إِعْرَابُ الْإِسْمِ الْمَمْنُوعِ مِنَ الصَّرْفِ			إِعْرَابُ الْإِسْمِ الْمُنْصَرِفِ		
الرَّفْعُ	النَّصْبُ	الْجَرُّ	الرَّفْعُ	النَّصْبُ	الْجَرُّ
ـُ	ـِ	ـِ	ـُ ـِ	ـِ ـِ	ـِ ـِ

١- لَمْ تُنَوَّنْ: تنوين نكرته است (تنوين داده نشده است) ٢- وَ هِيَ: در حالی که ٣- تُجَرَّرُ: مجرور می شود

أَهْمُ الْأَسْمَاءِ الْمَمْنُوعَةِ مِنَ الصَّرْفِ:

- ١- عَلِمَ الْمُؤَنَّثُ؛ نَحْوُ: فَاطِمَةُ وَ حَدِيجَةُ وَ زَيْنَبُ.
وَ أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْمُذُنِ وَالْبُلْدَانِ؛ نَحْوُ: طَهْرَانُ وَ إِيْرَانُ (فَهِيَ مُؤَنَّثَةٌ بِاعْتِبَارِ أَنَّهَا مَدِينَةٌ أَوْ بِلَادٌ).
- ٢- أَلْعَلِمَ الْأَعْجَمِيُّ؛ نَحْوُ: إِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ وَيُوسُفُ وَآدَمُ (أَسْمَاءٌ عِبْرِيَّةٌ) وَكُورُشُ وَرُسْتَمُ (أَسْمَاءٌ فَارِسِيَّةٌ)
- ٣- أَلْصَفَةُ عَلَى وَزْنِ «أَفْعَلُ»: مَا نَدُّ أَكْبَرُ، أَحْسَنُ وَ أَسْوَدُ
- ٤- جَمْعُ التَّكْسِيرِ أَوْ مُنْتَهَى الْجُمُوعِ^١ «مَفَاعِلُ» وَ «مَفَاعِيلُ» نَحْوُ: مَدَارِسُ، مَصَابِيحُ، تَلَامِيذُ، أَفَاضِلُ وَ...
- ٥- أَلْعَلِمَ وَالصَّفَةُ الْمَخْتُومَانِ بِالْأَلِفِ وَالتَّوْنِ الرَّائِدَتَيْنِ «فَعْلَانُ وَ فِعْلَانُ وَ فُعْلَانُ»؛ نَحْوُ غَضَبَانُ: خَشْمَغِينِ، عَطْشَانُ: تَشْنَه، جَوْعَانُ: كَرْسَنَه، فَرْحَانُ: خُوشَحَالُ، كَسْلَانُ: تَنْبَلُ، عِمْرَانُ، لُقْمَانُ وَ عُثْمَانُ
- ٦- الْأِسْمُ الْمَخْتُومُ بِالْفِ التَّائِيَةِ الْمَمْدُودَةِ «اء»؛ وَهِيَ الرَّائِدَةُ بَعْدَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ؛ نَحْوُ: أَصْدِقَاءُ، صَحْرَاءُ، شَعْرَاءُ وَ سَوْدَاءُ
- ٧- الْأِسْمُ الْمَخْتُومُ بِالْفِ التَّائِيَةِ الْمَقْصُورَةِ «ي» أَوْ «ا»؛ وَهِيَ الرَّائِدَةُ بَعْدَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ؛ نَحْوُ: ذِكْرَى (ذَكَرَى) وَ مَرْضَى (مَرَضَى) وَ كُبْرَى (كَبُرَى) وَ صُغْرَى (صُغِرَى) وَ لَيْلَى (لَيْلَى) وَ دُنْيَا وَ عَلِيَا
- يُجْرُ الْأِسْمُ الْمَمْنُوعُ مِنَ الصَّرْفِ بِالْكَسْرِ حِينَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ «أَل» أَوْ يَقَعُ مُضَافًا؛ مِثْلُ:
فِي الْمَسَاجِدِ مُصَلِّونَ كَثِيرُونَ. فِي مَسَاجِدِ الْمَدِينَةِ مَكْتَبَاتٌ قِيَمَةٌ.
- أَسْمَاءُ أَكْثَرِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ فِي الْقُرْآنِ عِبْرِيَّةٌ؛ فَهِيَ مَمْنُوعَةٌ مِنَ الصَّرْفِ؛ أَمَّا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ التَّالِيَةِ ﷺ فَهِيَ مُنْصَرِفَةٌ:
- مُحَمَّدٌ ﷺ وَ شَيْثٌ وَ شُعَيْبٌ وَ صَالِحٌ وَ لُوطٌ وَ نُوحٌ وَ هُودٌ ﷺ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- أَشْتَغِلُ فِي ... مُحَافَظَةِ كِرْمَانَ. ☐ مَعَادِنِ ☐ مَعَادِنِ
- ٢- سَاحَاتُ ... فِي مَدِينَتِنَا كَبِيرَةٌ. ☐ الْمَدَارِسِ ☐ الْمَدَارِسِ
- ٣- «شَهْرُ ... الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» الْبَقَرَةُ: ١٨٥ ☐ رَمَضَانَ ☐ رَمَضَانَ
- ١- «مُنْتَهَى الْجُمُوعِ» هُوَ [كُلُّ جَمْعٍ بَعْدَ أَلِفٍ تَكْسِيرِهِ عَرَفَانَ أَوْ ثَلَاثَةً أَوْ سَطْهَا يَاءٌ سَاكِنَةً]؛ وَ [لَهُ خَمْسَةُ أَحْرَفٍ أَوْ سِتَّةٌ].

أَوْ - ا - ي -

نَحْوُ: مَدَارِسِ (مَفَاعِلِ) وَمَفَاتِيحِ (مَفَاعِلِ) وَأَفَاضِلِ (أَفَاعِلِ) وَأَسَابِيحِ (أَفَاعِلِ) وَغَوَامِلِ (فَوَاعِلِ) وَعَجَائِزِ (فَعَائِلِ) وَقَنَادِيلِ (فَعَائِلِ) وَتَفَاسِيرِ (تَفَاعِلِ) وَ...

التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

- ١- ﴿أُذِغْ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ﴾ (التَّحَلُّ: ١٢٥)
- ٢- ﴿وَلَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ﴾ (الْإِسْرَاءُ: ٣٦)
- ٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا﴾ (الصَّفِّ: ٢)
- ٤- كَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَنَائِبُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ إِنَّ وَ خَبَرُهَا)
- ٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْمَفْعُولُ بِهِ)
- ٣- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
(الْمَفْعُولُ بِهِ وَ اسْمُ الْفِعْلِ النَاقِصِ وَ خَبَرُهُ)
- ٤- مَا دِخَ الرَّجُلِ بِمَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَهْزِئٌ^٢ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
(اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْفِعْلِ النَاقِصِ وَ خَبَرُهُ)
- ٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِي وَ الْفَاعِلُ الْمُسْتَتِرُ)

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

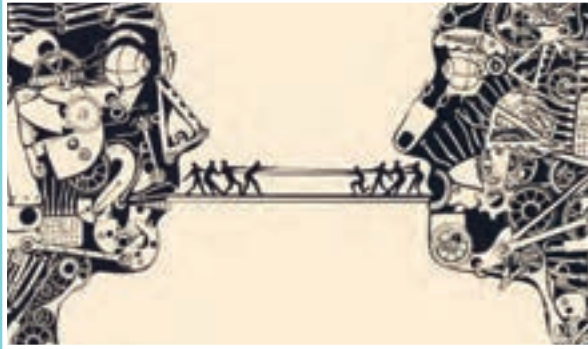
- ١- ﴿سَلَامٌ عَلَىٰ ...﴾ الصَّافَّاتِ: ١٠٩
☐ إبراهيمُ ☐ إبراهيمَ ☐ ذُو ☐ ذَا ☐ ذِي
- ٢- ﴿وَاللَّهُ ... فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٧٤
☐ ذُو ☐ ذَا ☐ ذِي
- ٣- ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ... عِلْمٍ عَلِيمٍ﴾ يُونُسَ: ٧٦
☐ مَصَابِيحُ ☐ مَصَابِيحَ
- ٤- ﴿وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِ...﴾ فَصَّلَتْ: ١٢

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: لِلْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ.

- ١- ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْآنِعَامِ: ٥٣
- ٢- ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾ مَرْيَمَ: ٥٤
- ٣- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ فَاطِرَ: ٧
- ٤- ﴿وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِّصْرَ...﴾ الرَّحْخَرَفِ: ٥١
- ٥- ﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ﴾ الْمَائِدَةِ: ١١٤

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.



١- اَلْكَلَامُ يَجْرُ' الْكَلَامَ.

٢-

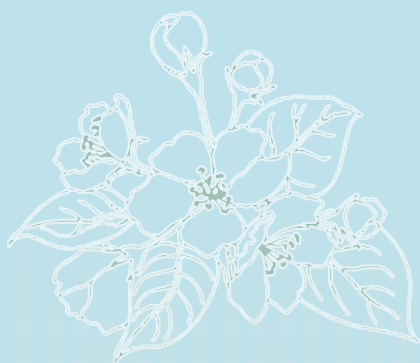
٣-

٤-

٥-

٦-

١- يَجْرُ: مَي كَشَد





الدَّرْسُ السَّابِعُ


ثَلَاثُ ثَوَرِيَّاتٍ الْمَحَبَّةُ: الدِّينُ وَالتَّوَّاضُعُ وَالْبَذْلُ.

الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سه چیز مہربانی می آورد: وام دادن، فروتنی و بخشش.

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ إِلَى الْمَدَائِنِ وَ ذَهَبَ إِلَى السُّوقِ،
وَكَانَ مَعَهُ جُمْلُ تَمْرٍ وَأَشْيَاءُ أُخْرَى.
فَقَالَ فِي نَفْسِهِ: إِلَهِي، مَنْ يُسَاعِدُنِي؟
فِي هَذِهِ الْأَثْنَاءِ وَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسْبَهُ فَقِيرًا؛ وَقَالَ لَهُ:
هَلْ تُسَاعِدُنِي فِي حَمْلِ هَذَا الْجُمْلِ؟
أَجَابَهُ الرَّجُلُ: نَعَمْ، بِكُلِّ سُورٍ.
فَحَمَلَهُ وَ ذَهَبَا مَعًا؛





و فِي الطَّرِيقِ شَاهَدَهُمَا بَعْضُ النَّاسِ،
و سَلَّمُوا عَلَى الرَّجُلِ الَّذِي يَحْمِلُ الْحِمْلَ،
و أَسْرَعُوا نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ قَائِلِينَ لَهُ:
أَيُّهَا الْأَمِيرُ، إِسْمَحْ لَنَا أَنْ نَحْمِلَ الْحِمْلَ بَدَلًا مِنْكَ.
وَلَكِنَّهُ رَفَضَ.

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ وَ سَأَلَ النَّاسَ: مَنْ هَذَا؟
فَأَجَابُوهُ: إِنَّهُ وَالِي الْمَدَائِنِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ.
فَخَبَلَ الشَّامِيُّ وَ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ وَ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ الْحِمْلَ؛
وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفَضَ وَ قَالَ لَهُ:
سَأَحْمِلُهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي تُرِيدُ.
فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضُعِ الْوَالِي.

أَثْنَاء: میان

«فِي هَذِهِ الْأَثْنَاءِ: در این میان»

أَوْرَثَ: به ارث نهاد

(مضارع: يُورِثُ)

بَذَلَ: بخشش

حِمَلَ: بار

حَجَلَ -: شرمند شد

(مضارع: يَحْجَلُ)

دَيْن: وام دادن

رَفَضَ -: نپذیرفت

(مضارع: يَرْفُضُ)

نَحَوَ: به سوی = إلی

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

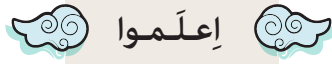
۱- كَانَ سَلْمَانُ وَالْيَ مَدِينَةَ الْبَصْرَةِ.

۲- اِعْتَذَرَ الرَّجُلُ الشَّامِيُّ إِلَى سَلْمَانَ.

۳- تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ مَلَابِسِ سَلْمَانَ.

۴- رَفَضَ سَلْمَانُ أَنْ يُسَاعِدَ الرَّجُلَ الشَّامِيَّ.

۵- النَّاسُ أَسْرَعُوا نَحَوَ سَلْمَانَ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ.



الإعرابُ المَحَلِّيُّ وَالْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ

الإِعْرَابُ المَحَلِّيُّ

هُنَاكَ كَلِمَاتٌ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لَا تَتَغَيَّرُ حَرَكَهَ آخِرَهَا بِاخْتِلَافِ الْعَوَامِلِ الْوَارِدَةِ عَلَيْهَا فَهَذِهِ
الْكَلِمَاتُ تُسَمَّى مَبْنِيَّةً؛ نَحْوُ «هَذِهِ»، فَإِنَّهَا مَبْنِيَّةٌ، وَحَرَكَهَ الْهَاءِ فِيهَا لَا تَتَغَيَّرُ بِاخْتِلَافِ
الْعَوَامِلِ الْوَارِدَةِ عَلَيْهَا.

إِعْرَابٌ مِثْلُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ لَا يَظْهَرُ فِي آخِرِهَا، بَلْ تُعْرَبُ مَحَلِّيًّا.
إِنْ عَرَفْتَ هَذَا، فَانْظُرْ إِلَى إِعْرَابِ كَلِمَةِ «هَذِهِ» فِي الْجُمْلِ الثَّلَاثِ التَّالِيَةِ؛ لِتَرَى هَلْ تَغَيَّرَتْ
حَرَكَهَ حَرْفِ آخِرِهَا عِنْدَ تَغْيِيرِ مَحَلِّهَا الْإِعْرَابِيِّ.



سَافَرْتُ إِلَى هَذِهِ الْجَزِيرَةِ.
مَجْرُورٌ مَحَلًّا بِحَرْفِ جَرٍّ



رَأَيْتُ هَذِهِ الْجَزِيرَةَ.
مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنْصُوبٌ مَحَلًّا



هَذِهِ جَزِيرَةٌ جَمِيلَةٌ.
مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

إِعْرَابُ الْأَسْمَاءِ الْمَبْنِيَّةِ وَالْجُمْلِ وَ شِبْهُ الْجُمْلِ مَحَلِّيٌّ.
مُلاحَظَةٌ: يُعَدُّ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ أَوْ الظَّرْفُ شِبْهُ جُمْلَةٍ بَعْضُ الْأَوْقَاتِ.

أُولَئِكَ طُلَّابُ الطَّبِّ. الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ. الطُّلَّابُ فِي الْجَامِعَةِ.
مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا (فَعْلٌ وَفَاعِلٌ) جُمْلَةٌ فِعْلِيَّةٌ، خَبَرٌ ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا شِبْهُ جُمْلَةٍ، خَبَرٌ ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُملَوَّةَ.

١- ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوه﴾ هود: ٦١

٢- أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ

الْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ

يَأْتِي الْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ فِي مَوَاضِعَ، أَهْمُهَا ثَلَاثَةٌ وَهِيَ:

١. الْإِسْمُ الْمَنْقُوصُ:

■ وَهُوَ الْإِسْمُ الْمُعْرَبُ الَّذِي آخِرُهُ «يَاءٌ غَيْرُ مُشَدَّدَةٍ قَبْلَهَا كَسْرَةٌ» ← «يَ» نَحْوُ:

الْهَادِي ، الرَّاظِي ، الْمَاشِي ، التَّالِي ، السَّاقِي ، الْوَالِي ، الْأَيْدِي ، الْمُفْتَضِي ، الْأَسَامِي ،
التَّعَالِي ، التَّجَلِّي وَ ...

وَحِينَ تَنْظُرُ إِلَى الْكَلِمَاتِ السَّابِقَةِ تَرَى حَرْفَهَا الْأَخِيرَ يَاءً غَيْرَ مُشَدَّدَةٍ قَبْلَهَا كَسْرَةً، فَهِيَ
إِذَنْ مَنْقُوصَةٌ.

وَأَنْظُرِ الْآنَ إِلَى كَلِمَةِ «الْقَاضِي» فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ قُلْ لِمَاذَا لَمْ تَظْهَرْ عَلَامَةُ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ
عَلَيْهَا؟!



سَلَّمْتُ عَلَى الْقَاضِي.

مَجْرُورٌ تَقْدِيرًا بِحَرْفِ جَرٍّ

شَاهَدَ الْمُجْرِمُ الْقَاضِي.

مَفْعُولٌ بِهِ ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ (الْإِعْرَابُ أَصْلِيٌّ).

الْقَاضِي جَالِسٌ فِي الْمَحْكَمَةِ.

مُبْتَدَأٌ ، مَرْفُوعٌ تَقْدِيرًا

تَقْدِيرُ ^١ الْحَرَكَاتُ الْإِعْرَابِيَّةُ فِي الْأَسْمَاءِ الْمَنْقُوصَةِ نَحْوُ «الْقَاضِي» فِي حَالَةِ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ فَقَطْ؛
أَيُّ تُعْرَبُ بِالْحَرَكََةِ تَقْدِيرًا. (وَتُنْصَبُ بِالْفَتْحَةِ الظَّاهِرَةِ).

وَمِنْ هَذَا نَفْهَمُ أَنَّ إِعْرَابَ الْمَنْقُوصِ فِي حَالَةِ النَّصْبِ إِعْرَابٌ أَصْلِيٌّ.

لَا تُعَدُّ الْأَسْمَاءُ الَّتِي آخِرُهَا يَاءٌ مُشَدَّدَةٌ «يَ» مَنْقُوصَةٌ؛ لِأَنَّ الْيَاءَ الْأَخِيرَةَ تَتَّصِلُ بِيَاءٍ سَاكِنَةٍ
لَا مَكْسُورَةٍ؛ نَحْوُ:

عَلَيَّ وَ وَلِيَّ وَ نَبِيَّ وَ وَصِيَّ وَ رَضِيَّ وَ وَفِيَّ. عَلَيَّ ← ع ل ي يَّ

١- تَقْدِيرُ: تَقْدِيرِي مِثْلُ شُود

■ إِلَيْكَ إِعْرَابُ الْأَسْمَاءِ الْمَنْقُوصَةِ مِثْلَ الْقَاضِي بِدُونِ أَلٍ وَمَعَ أَلٍ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ:
الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ.

الرَّفْعُ ُ	النَّصْبُ َ	الْجَرُّ ِ
القاضي	القاضيَ	القاضي
قاضٍ	قاضياً	قاضٍ

كَيْفَ يُعْرَبُ الْإِسْمُ الْمَنْقُوصُ مِثْلَ الْقَاضِي فِي حَالَةِ الرَّفْعِ وَالْجَرِّ؟
مَتَى يُعْرَبُ الْإِسْمُ الْمَنْقُوصُ إِعْرَاباً أَصْلِيّاً لَا تَقْدِيرِيّاً؟

٢. الْإِسْمُ الْمَقْصُورُ:

هُوَ الْإِسْمُ الَّذِي آخِرُهُ أَلِفٌ لَزِمَةٌ نَحْوُ: هُدًى وَ صُحًى وَ فَتًى وَ كُبْرًى وَ صُغْرًى وَ حُسْنًى وَ
مُعَلًى وَ مُجْتَبًى وَ مُرْتَضًى وَ مُسْتَشْفًى وَ دُنْيَا وَ عَلِيًّا
تُقَدَّرُ الْحَرَكَاتُ عَلَى الْإِسْمِ الْمَقْصُورِ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ: الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ؛ مِثْلُ:

شَاهَدَ مَصْطَفًى مُوسَى عِندَ عِيسَى.

فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ الْمُقَدَّرَةِ مَفْعُولٌ بِهِ مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ الْمُقَدَّرَةِ.

الْإِعْرَابُ التَّقْدِيرِيُّ لِلْإِسْمِ الْمَقْصُورِ مِثْلُ «الْهُدًى» مَعَ «أَلٍ» وَ بِدُونِ «أَلٍ».

الرَّفْعُ ُ	النَّصْبُ َ	الْجَرُّ ِ
الْهُدًى	الْهُدًى	الْهُدًى
هُدًى	هُدًى	هُدًى

الْأَصْلُ أَنَّ يُكْتَبَ التَّنْوِينُ فِي الْإِسْمِ الْمَقْصُورِ عَلَى الْحَرْفِ الَّذِي قَبْلَ الْأَلِفِ؛ نَحْوُ «هُدًى»،
وَقَدْ يُكْتَبُ عَلَى الْأَلِفِ أَيْضاً؛ نَحْوُ «هُدًى».

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةَ.

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى...﴾ التَّوْبَةُ: ٣٣

٢- الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلَا، كُلُّكُمْ رَاعٍ' وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الرَّاظِي عَنْ نَفْسِهِ مَسْتُورٌ عَنْهُ عَيْبُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

٥- أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

٣. الْمُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ:

انْظُرْ إِلَى الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ قُلْ لِمَاذَا لَا تَظْهَرُ الْحَرَكَاتُ الْإِعْرَابِيَّةُ عَلَى آخِرِهَا؟!



سَلَّمْتُ عَلَى زَمِيلِي.

مَجْرُورٌ بِالْكَسْرِ الْمُقَدَّرَةِ بِسَبَبِ حَرْفِ الْجَرِّ



رَأَيْتُ مُعَلِّمِي فِي الطَّرِيقِ.

مَفْعُولٌ بِهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ



جَاءَ صَدِيقِي إِلَى بَيْتِي.

فَاعِلٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمِّ الْمُقَدَّرَةِ

إِذْنٌ تُقَدَّرُ الْحَرَكَاتُ عَلَى آخِرِ الْإِسْمِ الْمُضَافِ إِلَى صَمِيرٍ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ فِي الْحَالَاتِ الْإِعْرَابِيَّةِ الثَّلَاثِ:
الرَّفْعِ وَالنَّصْبِ وَالْجَرِّ.^٢

١- رَاعٍ (الرَّاعِي): جُوبَان، مَسْئُول

٢- أَوْصِي: سَفَارَشِ مِي كُنْم (أَوْصَى، يُوصِي)

٣- إِعْرَابُ الْمُتَنَّى وَجَمْعُ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ حِينَ يُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ إِعْرَابٌ قَرْعِيٌّ لَا تَقْدِيرِيٌّ؛ نَحْوُ:

«جَاءَ صَدِيقَايَ إِلَى بَيْتِي». كَلِمَةُ «صَدِيقَا» (صَدِيقَانِ+ي) فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ بِالْأَلْفِ.

رَأَيْتُ صَدِيقِي: كَلِمَةُ «صَدِيقِي» (صَدِيقَيْنِ+ي) مَفْعُولٌ بِهِ مَنْصُوبٌ بِأَلْيَاءِ.

وَإِعْرَابُ جَمْعِ الْمَذْكَرِ السَّالِمِ حِينَ يُضَافُ إِلَى صَمِيرٍ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ قَرْعِيٌّ إِلَّا فِي حَالَةِ الرَّفْعِ، فَيَكُونُ تَقْدِيرِيًّا؛ نَحْوُ:

«جَاءَ مُعَلِّمِي». (مُعَلِّمُونَ + ي = مُعَلِّمُونِي = مُعَلِّمُونِي = مُعَلِّمِي).

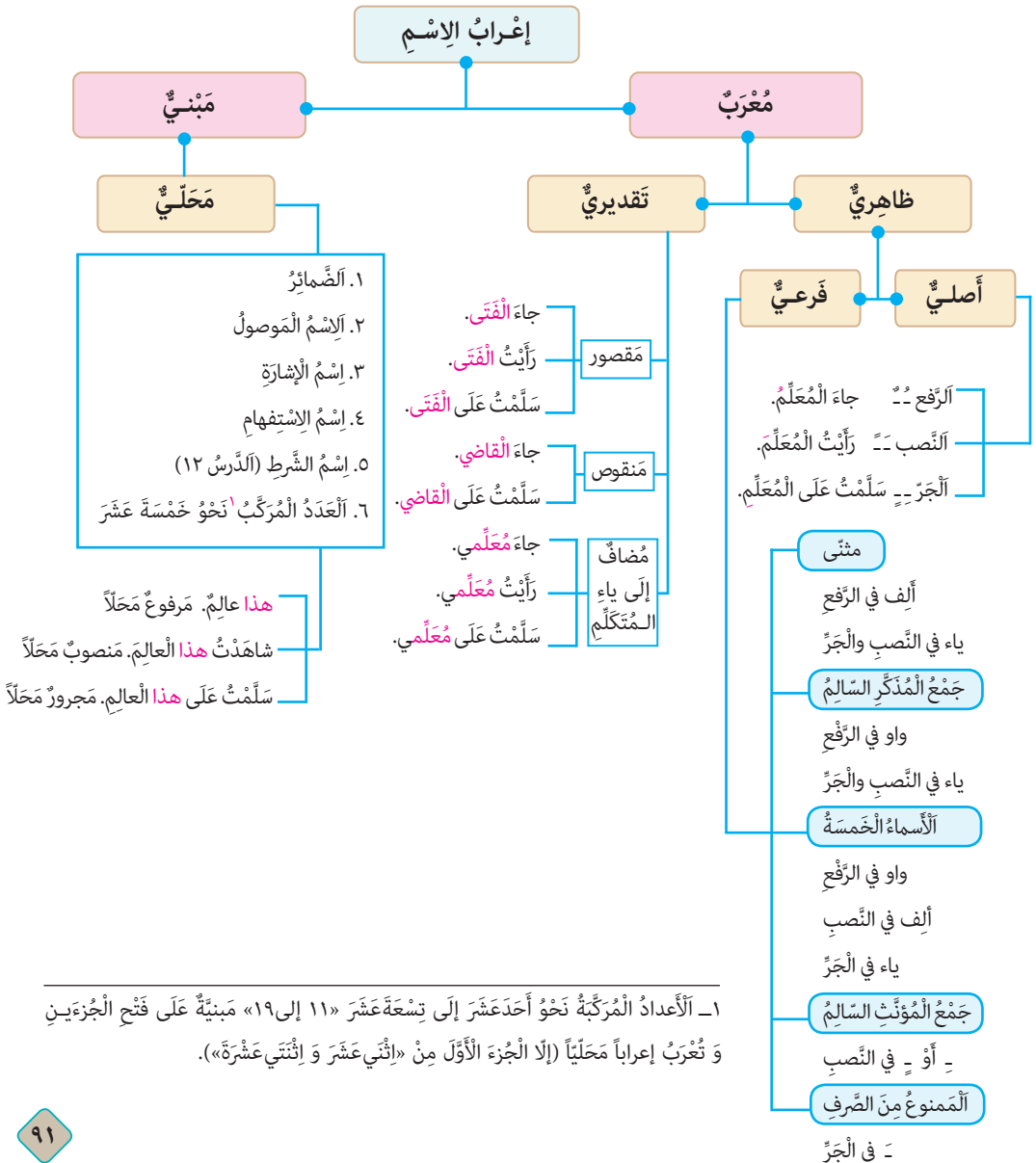
مُعَلِّمِي مَرْفُوعٌ بِأَلْوَاوِ الْمُقَدَّرَةِ.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): أَغْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- ﴿... قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي ...﴾ يوسف: ٩٠

٢- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ...﴾ طه: ٢٥

٣- ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ طه: ١٤



التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- لَوْنُ الرُّمَانِ بَنَفَسَجِيٌّ.

٢- الرَّدَاءُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْأَلْبَسَةِ.

٣- الرَّاعِي هُوَ الَّذِي يَبِيعُ الْحَلَوِيَّاتِ فِي السُّوقِ.

٤- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ يُوسُفَ وَ آدَمَ أَسمَاءٌ عِبْرِيَّةٌ.

٥- الْمِظْلَةُ تَحْمِيكَ مِنْ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ وَ مِنْ أَشْعَةِ الشَّمْسِ.

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوْنَةَ.

١- ﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ طه: ٩

٢- ﴿قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ﴾ آل عمران: ٧٣

٣- ﴿وَاجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِي﴾ طه: ٢٩

٤- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ...﴾ الأحقاف: ٣١

٥- ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً...﴾ يوسف: ٤

٦- التَّوَاضُعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا. الإمامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التمرين الثالث: لِتَرْجَمَةِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الإِعْرَابِ.

يا إلهي يا إلهي يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ^١

اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً^٢ وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ

وَ امْلَأِ الصَّدْرَ انْشراحاً^٣ وَ قَمِي بِالْبَسَمَاتِ^٤

يا إلهي أَنْتَ عَوْنِي^٥ فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ

نَوْرِ الْعَقْلِ وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ

وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي^٦ وَ نَصِيبِي^٧ فِي الْحَيَاةِ

الإعراب	التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ	الْكَلِمَةُ
.....	الدَّعَوَاتِ
.....	اجْعَلْ
.....	الصَّدْرَ
.....	عَوْنِ
.....	النَّافِعَاتِ
.....	حَظَّ
.....	ي

١- الْمُجِيبُ: برآورنده ٢- السَّعِيدُ: خوشبخت ٣- انْشراحُ الصَّدْرِ: شادمانی دل ٤- الْبَسَمَاتِ: لبخندها
٥- الْعَوْنُ: یاری، یاور ٦- نَوْرُ: نورانی کن ٧- الْحَظُّ: بخت ٨- النَّصِيبُ: سهم



الْتَمِرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.

۱- مَنهُومان^۱ لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبُ عِلْمٍ وَطَالِبُ دُنْيَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ^۲ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ^۳ عَلَى أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا^۴ أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ^۵ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى^۶ اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي^۷ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، فَإِنَّ نِسْيَانِي يُقْسِي^۸ الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ.

۵- لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٍ أَذْنَبَ^۹ ذَنْبًا فَهُوَ يَتَذَارَكُهَا^{۱۰} بِالتَّوْبَةِ، وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ^{۱۱} فِي الْخَيْرَاتِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱- الْمَنهُومان: سِيرَى ناپذیر ۲- شَاوَرَ: مشورت کرد ۳- فَرَضَ: واجب کرد ۴- أَنْ يُقَدِّرُوا: که مقایسه کنند (بسنجند)

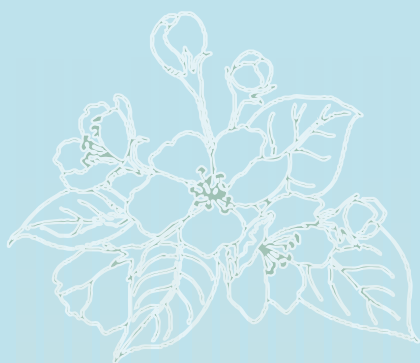
۵- الضَّعْفَةُ: جمع ضعیف ۶- أَوْحَى: وحی کرد ۷- لَا تَنْسِنِي: فراموشم نکن ۸- يُقْسِي: سخت می کند

۹- أَذْنَبَ: گناه کرد ۱۰- يَتَذَارَكُ: جبران می کند ۱۱- يُسَارِعُ: می شتابد

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ رِوَايَةٍ مِنَ الرِّوَايَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ حَوْلَ التَّوَاضُّعِ، وَاکْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ مُسْتَعِينًا بِصُورٍ مُنَاسِبَةٍ







الدَّرْسُ الثَّامِنُ

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعَنْبُ الْبَرَاذِلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبَرَاذِلِ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَذْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مُوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ.

شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.

الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجِيّاً. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الْتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ.





شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي،
تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي نِهَائِيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.
شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ
لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ

تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَ تَحْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا
خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهَرِ
بِمُحَافَظَةِ سِيستَان وَ بَلُوشِسْتَان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ
جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِيْلَام وَ لُرِسْتَان. يَدْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) :

إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. ❖❖❖

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده‌اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

إِشْتِعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(إِشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین =
أَحْسَنَ، أَفْضَلَ

أَغْصَان، غُصُون : شاخه ها «مفرد»:
غُصْنٌ

إِلْتِفَاف : در هم پیچیدن (الْتَفَّ،
يَلْتَفُّ)

بُدُور : دانه ها «مفرد: بُدْر»

جَذَعُ : تنه «جمع: جُذوع»

جُزُر : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَة»

جَوَزة : دانه گردو، بلوط و مانند آن

خَنَقَ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)

خَانِق : خفه کننده

سَبَبَ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)

سِیَاح : پرچین

غاز : گاز

فَالِق : شکافنده

لُبَ : مغز میوه

مَحَاصِل : محصولات

الْمُحِيطُ الْهَادِي : اقیانوس آرام

مُزَارِع : کشاورز = زَارِع، قَلَّاح

مُعَمَّر : کهن سال

مُلَوَّث : آلوده کننده

مُواصَفَات : ویژگی ها

نَبَتَ : روید (مضارع: يَنْبُتُ)

نَصِفُ : توصیف می کنیم

نَوَى : هسته

صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ

۱- تَبَدَّأَ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ..... حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.

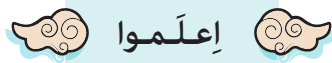
۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ..... مُلَوِّثَةٍ.

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي..... إِيْلَامَ وَ لَرِستان.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ..... كَالْخُبْزِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَاذِلِيِّ عَلَى..... شَجَرَتِهِ.



الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (١)

■ أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الْأَفْعَالِ: وَقَفَ، يَقِفُ، قَفَّ / سَارَ، يَسِيرُ، سَرَّ / هَدَى، يَهْدِي، إِهْدِ
الْحَرْفُ الْأَوَّلُ مِنَ فِعْلِ «وَقَفَ» وَآوُ، وَالْحَرْفُ الثَّانِي مِنْ «سَارَ» أَلِفٌ، وَالْحَرْفُ الثَّالِثُ مِنْ
«هَدَى» يَاءٌ.

تُسَمَّى هَذِهِ الْحُرُوفُ «و ا ي» بِحُرُوفِ الْعِلَّةِ.
وَالْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ هُوَ مَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ: وَقَفَ وَ سَارَ وَ هَدَى.
أَمَّا «الْفِعْلُ الصَّحِيحُ» هُوَ مَا لَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ: كَتَبَ وَ تَعَلَّمَ وَ
إِنْتَفَعَ وَ جَالَسَ وَ عَرَفَ.

«الْفِعْلُ الصَّحِيحُ» هُوَ مَا كَانَ مُضَاعَفًا أَوْ مَهْمُوزًا أَوْ سَالِمًا.
أَمَّا الْفِعْلُ الَّذِي لَا يَكُونُ أَحَدُ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ حَرْفَ عِلَّةٍ أَوْ مُضَاعَفًا أَوْ مَهْمُوزًا، فَهُوَ «سَالِمٌ».
الْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ: «مِثَالٌ» وَ «أَجُوفٌ» وَ «نَاقِصٌ».

الْمِثَالُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الْأَوَّلُ (فَاءُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:
وَجَدَ وَ أَوجَبَ وَ وَصَلَ وَ وَاصَفَ وَ تَوَقَّفَ وَ يَتَسَّرَ
الْأَجُوفُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الثَّانِي (عَيْنُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:
كَانَ وَ تَكَوَّنَ وَ صَيَّرَ وَ اسْتَقَامَ

النَّاقِصُ: هُوَ مَا كَانَ حَرْفُهُ الْأَصْلِيُّ الثَّالِثُ (لَامُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ؛ نَحْوُ:
هَدَى وَ إِهْتَدَى وَ انْتَهَى وَ اسْتَدَعَى

فِي هَذَا الدَّرْسِ تَتَعَلَّمُ تَصْرِيفَ الْفِعْلِ الْمِثَالِ وَالْأَجُوفِ.

الْفِعْلُ الْمِثَالُ: نَحْوُ «وَجَدَ»، «يَجِدُ»، «جَدَّ».

يُحَذَفُ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي كُلِّ صَيْغِ الْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ مِنَ «الْفِعْلِ الْمِثَالِ الْوَائِي الثَّلَاثِيِّ الْمَجَرَّدِ
الْمَعْلُومِ»

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	وَقَفَ	يَقِفُ	
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	وَقَفَا	يَقِفَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	وَقَفُوا	يَقِفُونَ	
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	وَقَفَتْ	تَقِفُ	
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	وَقَفَتَا	تَقِفَانِ	
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	وَقَفْنَ	يَقِفْنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتَ	تَقِفُ	قِفْ
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمَا	تَقِفَانِ	قِفَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمْ	تَقِفُونَ	قِفُوا
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتِ	تَقِفِينَ	قِفِي
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُمَا	تَقِفَانِ	قِفَا
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	وَقَفْتُنَّ	تَقِفْنَ	قِفْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	وَقَفْتُ	أَقِفُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	وَقَفْنَا	نَقِفُ	

الفِعْلُ الْأَجَوْفُ: هُنَاكَ ثَلَاثَةُ أَنْوَاعٍ مَشْهُورَةٍ لِلْفِعْلِ الْأَجَوْفِ وَهِيَ: «قَالَ، يَقُولُ» وَ «بَاعَ، يَبِيعُ» وَ «خَافَ، يَخَافُ». اُنْظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ هَذِهِ الْأَنْوَاعِ الثَّلَاثَةِ؛ ثُمَّ احْفَظِ التَّغْيِيرَاتِ الَّتِي حَصَلَتْ فِيهَا؛ وَ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الَّتِي تَلِيهَا.

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	بَاعَ	يَبِيعُ	
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	بَاعَا	يَبِيعَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	بَاعُوا	يَبِيعُونَ	
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	بَاعَتْ	تَبِيعُ	
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	بَاعَتَا	تَبِيعَانِ	
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	بَعْنَ	يَبْعَنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتَ	تَبِيعُ	بِعْ
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمَا	تَبِيعَانِ	بِعَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمْ	تَبِيعُونَ	بِعُوا
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتِ	تَبِيعِينَ	بِيعِي
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُمَا	تَبِيعَانِ	بِعَا
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	بَعْتُنَّ	تَبِيعْنَ	بِعْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	بَعْتُ	أَبِيعُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	بَعْنَا	نَبِيعُ	

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	قَالَ	يَقُولُ	
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	قَالَا	يَقُولَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	قَالُوا	يَقُولُونَ	
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	قَالَتْ	تَقُولُ	
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	قَالَتَا	تَقُولَانِ	
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْغَائِبُ	قُلْنَ	يَقُلْنَ	
المُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتَ	تَقُولُ	قُلْ
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُولَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمْ	تَقُولُونَ	قُولُوا
المُفْرَدُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتِ	تَقُولِينَ	قُولِي
الْمُنْثَى الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُمَا	تَقُولَانِ	قُولَا
الْجَمْعُ الْمُؤنَّثُ الْمُخَاطَبُ	قُلْتُنَّ	تَقُلْنَ	قُلْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	قُلْتُ	أَقُولُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	قُلْنَا	نَقُولُ	

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
المفردُ المذكرُ الغائبُ	خَافَ	يَخَافُ	
المثنى المذكرُ الغائبُ	خَافَا	يَخَافَانِ	
الجمعُ المذكرُ الغائبُ	خَافُوا	يَخَافُونَ	
المفردُ المؤنثُ الغائبُ	خَافَتْ	تَخَافُ	
المثنى المؤنثُ الغائبُ	خَافَتَا	تَخَافَانِ	
الجمعُ المؤنثُ الغائبُ	خَفْنَ	يَخْفَنَ	
المفردُ المذكرُ المخاطبُ	خِيفْتَ	تَخَافُ	خَفْ
المثنى المذكرُ المخاطبُ	خِيفْتُمَا	تَخَافَانِ	خَافَا
الجمعُ المذكرُ المخاطبُ	خِيفْتُمْ	تَخَافُونَ	خَافُوا
المفردُ المؤنثُ المخاطبُ	خِيفْتِ	تَخَافِينَ	خَافِي
المثنى المؤنثُ المخاطبُ	خِيفْتُمَا	تَخَافَانِ	خَافَا
الجمعُ المؤنثُ المخاطبُ	خِيفْنَنَّ	تَخْفَنَ	خَفْنَ
المتكلم وحده	خِيفْتُ	أَخَافُ	
المتكلم مع الغير	خِيفْنَا	نَخَافُ	

وَالآنَ بَعْدَ مِلَاحَظَةِ الْجَدَاوِلِ الثَّلَاثَةِ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

- ١- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ إِنَّ حَذَفَ حَرْفِ الْعِلَّةِ فِي صِيَغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي مِنْ «قَالَ وَ بَاعَ وَ خَافَ» مُتَشَابِهَةٌ؟
- ٢- فِي أَيِّ صِيغَةٍ حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ؟
- ٣- فِي أَيِّ صِيغَةٍ حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي فِعْلِ الْأَمْرِ؟
- ٤- فِي أَيِّ صِيَغِ الْفِعْلِ الْمَاضِي حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ؟
- ٥- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ؟ «حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ الْمَاضِي عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِضَمَائِرِ (نَ ، تَ ، ثُمَا ، تُمْ ، تِ ، ثُمَا ، تُنَّ ، تْ ، نَا)»
- ٦- هَلْ يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نَقُولَ؟ «حُذِفَ حَرْفُ الْعِلَّةِ فِي صِيَغِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ بِسَبَبِ سُكُونِ لَامِ الْفِعْلِ»

أَنْظُرْ إِلَى الْأَنْوَاعِ الْمُخْتَلِفَةِ لِلْفِعْلِ الْأَجَوْفِ بِدِقَّةٍ.

قَالَ، يَقُولُ، قُلْ قَامَ، يَقُومُ، قُمْ دَارَ، يَدُورُ، دُرْ كَانَ، يَكُونُ، كُنْ عَادَ، يَعُودُ، عُدْ ذاقَ، يَذُوقُ، ذُقْ

سَارَ، يَسِيرُ، سِرْ زَادَ، يَزِيدُ، زِدْ بَاعَ، يَبِيعُ، بِعْ

نَامَ، يَنَامُ، نَمْ خَافَ، يَخَافُ، خَفْ

■ يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ الْأَجَوْفُ فِي بَابِ «إِفْعَالٍ» وَ «إِسْتِفْعَالٍ» نَحْوُ «أَقَامَ، يُقِيمُ، أَقِمْ» وَ «إِسْتَقَامَ، يَسْتَقِيمُ، اسْتَقِمْ» مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الْمُجَرَّدُ الْأَجَوْفُ «بَاعَ، يَبِيعُ، بِعْ» وَلَا يَخْتَلِفَانِ عَنْهُ فِي حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ.

إِذَنْ يُمَكِّنُ لَكَ أَنْ تَقْيِسَ^١ تَصْرِيفَ هَذَيْنِ الْفِعْلَيْنِ وَأَمَثَلَهُمَا عَلَى «بَاعَ، يَبِيعُ، بِعْ».

«يُحَذَفُ حَرْفُ الْعِلَّةِ عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِالْحَرْفِ السَّاكِنِ»؛ نَحْوُ:

بَاعَ، بَاعَا، بَاعُوا، بَاعَتْ، بَاعَتَا، بَعْنَ ...
أَقَامَ، أَقَامَا، أَقَامُوا، أَقَامَتْ، أَقَامَتَا، أَقَمْنَ ...
اسْتَقَامَ، اسْتَقَامَا، اسْتَقَامُوا، اسْتَقَامَتْ، اسْتَقَامَتَا، اسْتَقَمْنَ ...

الْمَاضِي

يَبِيعُ، يَبِيعَانِ، يَبِيعُونَ، تَبِيعُ، تَبِيعَانِ، يَبْعَنْ ...
يُقِيمُ، يُقِيمَانِ، يُقِيمُونَ، تُقِيمُ، تُقِيمَانِ، يُقَمْنَ ...
يَسْتَقِيمُ، يَسْتَقِيمَانِ، يَسْتَقِيمُونَ، تَسْتَقِيمُ، تَسْتَقِيمَانِ، يَسْتَقَمْنَ ...

الْمُضَارِعُ

بِعْ، بِيعَا، بِيعُوا، بِيعِي، بِيعَا، بَعْنَ ...
أَقِمْ، أَقِمَا، أَقِمُوا، أَقِمِي، أَقِمَا، أَقَمْنَ ...
اسْتَقِمْ، اسْتَقِمَا، اسْتَقِمُوا، اسْتَقِمِي، اسْتَقِمَا، اسْتَقَمْنَ ...

الْأَمْرُ

■ يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ الْأَجَوْفُ فِي بَابِ «إِفْتِعَالٍ» وَ «إِنْفِعَالٍ» نَحْوُ:

«إِخْتَارَ، يَخْتَارُ، اخْتَرْ» وَ «إِنْقَادَ، يَنْقَادُ، انْقَدْ» مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الْمُجَرَّدُ الْأَجَوْفُ «نَامَ، يَنَامُ، نَمْ» وَلَا يَخْتَلِفَانِ عَنْهُ فِي حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ.

١- تَقْيِسُ: مَقَايِسُهُ مِثْلِي

إِذَنْ يُمَكِّنْ لَكَ أَنْ تَقِيَسَ تَصْرِيفَ هَذَيْنِ الْفِعْلَيْنِ وَأَمْثَالِهِمَا عَلَى «نَامَ ، يَنَامُ ، نَمَّ».

«يُحَدِّثُ حَرْفُ الْعِلَّةِ عِنْدَ الْإِتِّصَالِ بِالْحَرْفِ السَّاكِنِ»؛ نَحْوُ:

نَامَ ، نَامَا ، نَامُوا ، نَامَتْ ، نَامَتَا ، نِمْنَ ...
 اخْتَارَ ، اخْتَارَا ، اخْتَارُوا ، اخْتَارَتْ ، اخْتَارَتَا ، اخْتَرْنَ ...
 انْقَادَ ، انْقَادَا ، انْقَادُوا ، انْقَادَتْ ، انْقَادَتَا ، انْقَدْنَ ...
 يَنَامُ ، يَنَامَانِ ، يَنَامُونَ ، تَنَامُ ، تَنَامَانِ ، يَنِمْنَ ...
 يَخْتَارُ ، يَخْتَارَانِ ، يَخْتَارُونَ ، تَخْتَارُ ، تَخْتَارَانِ ، يَخْتَرْنَ ...
 يَنْقَادُ ، يَنْقَادَانِ ، يَنْقَادُونَ ، تَنْقَادُ ، تَنْقَادَانِ ، يَنْقَدْنَ ...
 نَمَ ، نَامَا ، نَامُوا ، نَامِي ، نَامَا ، نِمْنَ ...
 اخْتَرَ ، اخْتَارَا ، اخْتَارُوا ، اخْتَارِي ، اخْتَارَا ، اخْتَرْنَ ...
 انْقَدَ ، انْقَادَا ، انْقَادُوا ، انْقَادِي ، انْقَادَا ، انْقَدْنَ ...

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ وَصِغَتَهَا.

١- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...﴾ الشُّورَى: ٣٨

٢- ﴿... وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ هود: ١٣

٣- ﴿... إِنِّي أَعْظَمُكَ^٢ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ هود: ٤٦

٤- ﴿... وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٦٨

٥- ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ طه: ٦٨

٢- أَعْظُ: پند می دهم

١- اسْتَجَابُوا: اجابت کردند

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): اكْمِلْ صَرْفَ الْأَفْعَالِ فِي الْجَدَاوِلِ التَّالِيَةِ. (تَمْرِينٌ لِلْبَيْتِ)

الْجَدْوَلُ الثَّانِي قَامَ: اِستاد

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	قَامَ	يَقُومُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	قَامَا	يَقُومَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	قَامُوا	يَقُومُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	قَامَ	تَقُومُ	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	قَامَا	تَقُومَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	قُمَ	تَقُومُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	قُمَا	تَقُومَانِ	قُومَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	قُمُوا	تَقُومُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُمَ	تَقُومُ	قُومِ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُمَا	تَقُومَانِ	قُومَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	قُمُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	قُمَ	أَقُومُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	قُمَا		

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ وَجَدَ: يافت

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	وَجَدَ	يَجِدُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	وَجَدَا	يَجِدَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	وَجَدُوا	يَجِدُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَجَدَ	تَجِدُ	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَجَدَا	تَجِدَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	وَجَدُوا		
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدَ	تَجِدُ	جِدْ
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدَا	تَجِدَانِ	جِدَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدُوا	تَجِدُونَ	جِدُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدَ	تَجِدُ	جِدِ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدَا	تَجِدَانِ	جِدَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	وَجَدُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	وَجَدَ	أَجِدُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	وَجَدَا		

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ نَامَ: خواييد

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَامَ	يَنَامُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَامَا	يَنَامَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَامُوا	يَنَامُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَامَ	تَنَامُ	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَامَا	تَنَامَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نِمَ	تَنَامُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نِمَا	تَنَامَانِ	نَامَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نِمُوا	تَنَامُونَ	نَامُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نِمَ	تَنَامُ	نَامِ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نِمَا	تَنَامَانِ	نَامَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نِمُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	نِمَ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نِمَا		

الْجَدْوَلُ الثَّالِثُ: غَابَ: نهان شد

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	غَابَ	يَغِيبُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	غَابَا	يَغِيبَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	غَابُوا	يَغِيبُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	غَابَ	تَغِيبُ	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	غَابَا	تَغِيبَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	غَبَ	تَغِيبُ	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	غَبَا	تَغِيبَانِ	غِيبَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	غَبُوا	تَغِيبُونَ	غِيبُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	غَبَ	تَغِيبُ	غِيبِ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	غَبَا	تَغِيبَانِ	غِيبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	غَبُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	غَبَ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	غَبَا	نَغِيبُ	

الْجَدُولُ الْخَامِسُ اسْتِراح: آسود

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمَضَارِع	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اسْتَرَحَ	يَسْتَرِيحُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اسْتَرَا حَ	يَسْتَرِيحَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اسْتَرَا حَ	يَسْتَرِيحُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	اسْتَرَا حَ	تَسْتَرِيحُ	
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	اسْتَرَا حَ	تَسْتَرِيحَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَ	تَسْتَرِيحُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَا	تَسْتَرِيحَانِ	اسْتَرِيحَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَا	تَسْتَرِيحُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَ	تَسْتَرِيحُ	اسْتَرِيحْ
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَا	تَسْتَرِيحَانِ	اسْتَرِيحَا
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اسْتَرْحَا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	اسْتَرْحَ	أَسْتَرِيحُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ		نَسْتَرِيحُ	

الْجَدُولُ السَّادِسُ أَجَابَ: پاسخ داد

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمَضَارِع	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	أَجَابَ	يُجِيبُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	أَجَابَا	يُجِيبَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	أَجَابُوا	يُجِيبُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	أَجَابَ	تُجِيبُ	
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	أَجَابَا	تُجِيبَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبْ	تُجِيبُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبَا	تُجِيبَانِ	أَجِيبَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبُوا	تُجِيبُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبْ	تُجِيبُ	أَجِيبْ
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبَا	تُجِيبَانِ	أَجِيبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	أَجَبُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	أَجَبْ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	أَجَبْ	نُجِيبُ	

الْجَدُولُ السَّابِعُ اخْتَارَ: برگزید

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمَضَارِع	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اخْتَارَ	يَخْتَارُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اخْتَارَا	يَخْتَارَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	اخْتَارُوا	يَخْتَارُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	اخْتَارَ	تَخْتَارُ	
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	اخْتَارَا	تَخْتَارَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرْ	تَخْتَارُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرَا	تَخْتَارَانِ	اخْتَارَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرُوا	تَخْتَارُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرْ	تَخْتَارُ	اخْتَارْ
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرَا	تَخْتَارَانِ	اخْتَارَا
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	اخْتَرُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	اخْتَرْ	أَخْتَارُ	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	اخْتَرْ		

الْجَدُولُ الثَّامِنُ انْقَادَ: رام و فرمانبردار شد

الصِّيغَةُ	الْمَاضِي	الْمَضَارِع	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	انْقَادَ	يَنْقَادُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	انْقَادَا	يَنْقَادَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	انْقَادُوا	يَنْقَادُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	انْقَادَ	تَنْقَادُ	
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ	انْقَادَا	تَنْقَادَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدْ	تَنْقَادُ	
الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدَا	تَنْقَادَانِ	انْقَادَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدُوا	تَنْقَادُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدْ	تَنْقَادُ	انْقَادْ
الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدَا	تَنْقَادَانِ	انْقَادَا
الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ	انْقَدُوا		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	انْقَدْ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	انْقَدْ	نَنْقَادُ	

التمرين الأول: أِي كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.

٢- التَّجْمُعُ وَالدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا.

٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ.

٥- صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ^١ وَفِي يَدٍ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ^٢، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا^٣ فَلْيَغْرِسْهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^٤ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْأَجَارُ وَ الْمَجْرُورُ، وَ اسْمُ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي الْأَجُوفُ)

٣- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَ صِيغَتُهُ وَ نَوْعُهُ: مُعْتَلٌّ أَمْ صَحِيحٌ؟)

٤- سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ نَائِبِ الْفَاعِلِ، وَالْفَاعِلُ)

٤- لِيَغْرِسَ: بِأَيْدِ بَكَارِ

٣- حَتَّى يَغْرِسَ: تَا بَكَارِ

٢- الْفَسِيلَةُ: نَهَالٌ

١- السَّاعَةُ: قِيَامَتٌ

٥- مَا مِنْ: هِيَجٌ ... نَيْسَتْ

٦- الْغَرْسُ: نَهَالٌ

الْتَمِرِينَ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُعْتَلَّةَ (الْمِثَالُ وَالْأَجُوفَ) وَ اكْتُبْ صِيغَتَهَا.

۱- ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ الْمَائِدَةُ: ۲۸

۲- ﴿... فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ طه: ۱۴

۳- ﴿الَّذِينَ يَرِثُونَ^۱ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۱

۴- ﴿رَبِّ هَبْ^۲ لِي حُكْمًا وَأَلْجِئْنِي^۳ بِالصَّالِحِينَ﴾ الشُّعْرَاء: ۸۳

۵- ﴿يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ النُّور: ۱۷

۶- ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا^۴ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ الْأَحْقَاف: ۱۳

۱- يَرِثُونَ: به ارث می‌برند ۲- هَبْ: ببخش ۳- أَلْجَى: پیوند بده ۴- اسْتَقَامُوا: پایداری کردند

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: عَيَّنِ «الْفِعْلَ الصَّحِيحَ» فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

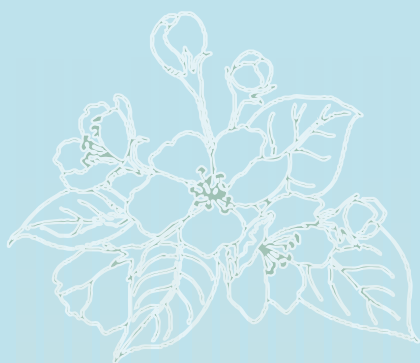
- ١- نَحْنُ أَرَدْنَا ☐ أَنَا أَعْطَكُم ☐ كُنْ أَنْتَ هُنَا ☐ هِيَ أَلْحَقْتُ ☐
- ٢- أَنْتُمْ اسْتَطَعْتُمْ ☐ إِنَّهُ يَغْرِسُ ☐ أَنْتَ تَسْتَعِينُ ☐ لَا تَخَافُوا أَنْتُمْ ☐
- ٣- هُمْ يُعِينُونَ ☐ هُنَّ يُصَدِّقْنَ ☐ أَجِيبِي أَنْتِ ☐ قِفْ فِي مَكَانِكَ ☐
- ٤- إِنَّكُمْ أَوْصَلْتُمَاهُ ☐ صَارَتْ جَاهِزَةً ☐ هُمَا إِعْتَذَرْنَا ☐ هُمْ وَقَعُوا ☐
- ٥- يَغْرِسُونَ فَسِيلَةً ☐ هُمَا وَعَدَا ☐ أَصَعْتَ وَفَتَكَ ☐ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ ☐



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ حَوْلَ اَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْاَشْجَارِ وَ اَكْتُبْهُ مُسْتَعِينًا بِصُورٍ مُنَاسِبَةٍ.







الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ.

انسان با [دافستن] هر زبان [جدیدی] یک انسان است.

آته ماري شيمِل



نَعُدُّ الدُّكْتُورَةَ «آته ماري شيمِل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ

عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهُ فِي الْفَلَسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛

تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شيمِلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِقَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ

عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهُ فَخْرِيَّةٍ

مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَإِسْلَامِ أَبَادَ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةَ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّهَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ

الْأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ :

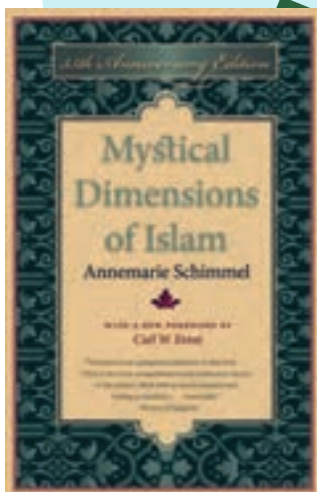
«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

أَلَفَتْ شيمِلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الرُّومِيِّ.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ
 دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.
 قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُسْكَلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ
 هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُيمِ بَيْنَ أُرُوبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ
 «الْإِتِّحَادَ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:
 «أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَّةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَاجِعُ تَرْجَمَتَهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الْتَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا».
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

أُرْدِيَّة : اردو

أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)

أَلْقَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)

كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَةً : سخنرانی می کرد

إِنْجِلِيزِيَّة : انگلیسی

أَنْقَرَة : آنکارا

أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يوصي)

ثَقَافِي : فرهنگی «ثَقَافَة: فرهنگ»

حَصَلَ عَلَى: به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ)

حَضَرَة : تمدن

دُكْتُورَة : دکتر

شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)

شَهَادَة : مدرک

عَدَّ : به شمار آورد، شمرد

(مضارع: يَعُدُّ)

فَخْرِيَّة : افتخاری

فَرَنَسِيَّة : فرانسوی

قَارَبَ : نزدیک شد

«ما يَقَارِبُ: نزدیک به»

مُحَاضَرَة : سخنرانی

مَدَّ : کشیدن، گسترش

مُسْتَشْرِق : خاورشناس

مُعْجَبَة بِ: شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجَبُ)

مُقَابَلَة : مصاحبه

مُنْدُ : از هنگام

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

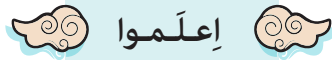
۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلُ؟

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلُ؟

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَلَاءَهَا؟

۵- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟



الْأَفْعَالُ الْمُعْتَلَّةُ (٢)

■ سَتَتَعَلَّمُ فِي هَذَا الدَّرْسِ «الْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ النَّاقِصُ» وَهُوَ مَا كَانَ ثَالِثَ حُرُوفِهِ الْأَصْلِيَّةِ (لَامُ الْفِعْلِ) حَرْفَ عِلَّةٍ.

أَنْظُرْ إِلَى الْفِعْلِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِهَذَا الْفِعْلِ نَظْرًا دَقِيقًا وَتَرَجِّمُهُ.

هَدَى، يَهْدِي، إِهْدِ بَكَى، يَبْكِي، ابْكِ شَفَى، يَشْفِي، اشفِ مَشَى، يَمْشِي، اَمْشِ

نَهَى، يَنْهَى، إِنَّه سَعَى، يَسْعَى، اسعَ رَعَى، يَرَعَى، ارعَ طَغَى، يَطْغَى، اِطْغَ

رَجَا، يَرْجُو، ارْجُ تَلَا، يَتْلُو، اُتْلُ عَفَا، يَعْفُو، اُعْفُ دَعَا، يَدْعُو، اُدْعُ

نَسِيَ، يَنْسَى، اِنْسَ حَشَى، يَحْشَى، اِحْشَ رَضَى، يَرْضَى، ارْضَ بَقِيَ، يَبْقَى، اِبْقَ

يُكْتَبُ الْفِعْلُ مِثْلَ «هَدَى» وَ «نَهَى» بِصُورَةٍ أُخْرَى وَهِيَ «هَدَى» وَ «نَهَى».

أَنْظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْفِعْلِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ «مَشَى، يَمْشِي» نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ هَذَا السُّؤَالِ. مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمُلَوَّنَةِ؟

الصِّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	مَشَى	يَمْشِي	
الْمُتَنَّى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	مَشَيَا	يَمْشِيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	مَشَوْا	يَمْشُونَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	مَسَتْ	تَمْشِي	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	مَسَتَا	تَمْشِيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	مَشَيْنَ	يَمْشِينَ	
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	مَشَيْتَ	تَمْشِي	اَمْشِ
الْمُتَنَّى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	مَسَيْتُمَا	تَمْشِيَانِ	اَمْشِيَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	مَشَيْتُمْ	يَمْشُونَ	اَمْشُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	مَشَيْتِ	تَمْشِينَ	اَمْشِي
الْمُتَنَّى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	مَسَيْتُمَا	تَمْشِيَانِ	اَمْشِيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	مَشَيْتُنَّ	يَمْشِينَ	اَمْشِينَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	مَشَيْتُ	أَمْشِي	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	مَشَيْنَا	نَمْشِي	

بَعْدَ هَذَا التَّصْرِيفِ، عَلَيْكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ مِنَ الثَّلَاثِي الْمَزِيدِ بِأَوَزَانِهِ الْمُخْتَلِفَةِ (أَبْوَاهِ الْمُخْتَلِفَةِ) تَتَصَرَّفُ مِثْلَ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ مِنَ الثَّلَاثِي الْمَجْرَدِ «مَشَى» وَ لَا تَخْتَلِفُ عَنْهُ شَيْئاً (بِاسْتِثْنَاءِ بَابِ تَفَعَّلَ وَتَفَاعَلَ)؛ مِثْلُ:

أَنَّهُ، يُنْهَى، أَنَّهُ (إِفْعَال)	إِهْتَدَى، يَهْتَدِي، إِهْتَدِ (اِفْتَعَال)
إِسْتَدْعَى، يَسْتَدْعِي، اسْتَدْعِ (اسْتِفْعَال)	انْقَضَى، يَنْقُضِي، انْقَضِ (انْفِعَال)
عَدَى، يُعَدِّي، عَدَّ (تَفْعِيل)	نَادَى، يُنَادِي، نَادِ (مُفَاعَلَة)

مَشَى، يَمْشِي، امْشِ

أَنْظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ النَّاقِصِ «نَهَى، يَنْهَى» نَظْراً دَقِيقاً ثُمَّ أَجِبْ عَنْ هَذَا السُّؤَالِ. مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمَلَوْنَةِ؟

الصِّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	نَهَى	يَنْهَى	
الْمُتَنَّى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	نَهَيَا	يَنْهَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	نَهَوْا	يَنْهَوْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	نَهَتْ	تَنْهَى	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	نَهَتَا	تَنْهَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	نَهَيْنَ	يَنْهَيْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتَ	تَنْهَى	إِنَّهْ
الْمُتَنَّى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمَا	تَنْهَيَانِ	إِنْهَيَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمْ	تَنْهَوْنَ	إِنْهَوْا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتَ	تَنْهِيَنَّ	إِنْهِيْ
الْمُتَنَّى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمَا	تَنْهَيَانِ	إِنْهَيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	نَهَيْتُمْ	تَنْهَيْنَ	إِنْهَيْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	نَهَيْتُ	أَنْهَى	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَهَيْنَا	نَنْهَى	

فَائِدَةٌ: عِلْمُ أَنَّ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ مِنْ بَابِ تَفَعَّلَ وَتَفَاعَلَ تَتَصَرَّفُ مِثْلَمَا يَتَصَرَّفُ الْفِعْلُ الثَّلَاثِي الْمَجْرَدُ «نَهَى، يَنْهَى» وَلَا تَخْتَلِفُ عَنْهُ شَيْئاً؛ مِثْلُ:

(نَهَى، يَنْهَى، إِنَّهْ) ، (تَعَدَّى، يَتَعَدَّى، تَعَدَّ) «تَفَعَّلَ» ، (تَعَالَى، يَتَعَالَى، تَعَالَى) «تَفَاعَلَ»

وَالآنَ انْظُرْ إِلَى تَصْرِيفِ الْمَاضِي وَالْمُضَارِعِ وَالْأَمْرِ لِلْفِعْلِ النَاقِصِ «نَسِيَ، يَنْسَى»
نَظَرًا دَقِيقًا ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِي.
مَا هُوَ نَوْعُ التَّغْيِيرِ الَّذِي يَحْصُلُ فِي الْأَفْعَالِ الْمُلوَنَةِ؟

الصِّغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْأَمْرُ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسِيَ	يَنْسَى	
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسِيَا	يَنْسَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	نَسُوا	يَنْسَوْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَسِيَتْ	تَنْسَى	
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَسِيْتَا	تَنْسَيَانِ	
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	نَسَيْنَ	يَنْسَيْنَ	
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتَ	تَنْسَى	اِنْسَ
الْمُتَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتُمَا	تَنْسَيَانِ	اِنْسَيَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتُمْ	تَنْسَوْنَ	اِنْسُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتِ	تَنْسِينَ	اِنْسِي
الْمُتَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتُمَا	تَنْسَيَانِ	اِنْسَيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	نَسِيتُنَّ	تَنْسَيْنَ	اِنْسَيْنَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	نَسِيتُ	أَنْسَى	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَسِينَا	نَنْسَى	

فَائِدَةٌ: اِعْلَمْ أَنَّ مَصَدَرَ بَابِ تَفْعِيلٍ لِلْفِعْلِ النَاقِصِ يَكُونُ عَلَى وَزْنِ «تَفْعِلَةٌ» ؛ نَحْوُ:
(عَدَى، يُعَدِّي، تَعْدِيَةٌ) / (رَبَّى، يُرَبِّي، تَرْبِيَةٌ) / (زَكَّى، يُزَكِّي، تَزْكِيَةٌ) / (قَوَّى، يُقَوِّي، تَقْوِيَةٌ)



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): كَمِّلْ صَرْفَ الْأَفْعَالِ فِي الْجَدَاوِلِ التَّالِيَةِ. (تَمْرِينٌ لِلْبَيْتِ)



السَّعَى: كَوْشِيدِ الْجَدْوَلُ الثَّانِي

الصَّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	سَعَى	يَسْعَى	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	تَسَعَى		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	تَسَعِي		
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	سَعَيْ	تَسْعَى	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	سَعِي	تَسْعِي	إِسْعَ
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	سَعِي		إِسْعَ
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	سَعَيْ		إِسْعَ
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	سَعِي	تَسْعِي	إِسْعَ
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	سَعِي		إِسْعَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	سَعَيْ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	سَعِي	نَسْعَى	

هَدَى: رَاهِنَمَائِي كَرْدِ الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ

الصَّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	هَدَى	يَهْدِي	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ		يَهْدِي	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	تَهْدِي		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	تَهْدِي		
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	يَهْدِي		
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ	تَهْدِي	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ	تَهْدِي	إِهْدِيَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ		
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ	تَهْدِي	إِهْدِيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	هَدَيْ		إِهْدِينَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	هَدَيْ	أَهْدِي	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	هَدَيْ		

رَضَى: خَشَنُودِ شَدِ الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ

الصَّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	رَضَى	يَرْضَى	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	رَضِي	تَرْضَى	
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	رَضِي	تَرْضِي	
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي	تَرْضَى	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي		إِرْضِيَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي		
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي	تَرْضِيَانِ	إِرْضِيَا
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	رَضِي		إِرْضِينَ
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	رَضِي	أَرْضَى	
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	رَضِي		

دَعَا: فَرَا خَوَانَدِ الْجَدْوَلُ الثَّالِثُ

الصَّيْغَةُ	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	دَعَا	يَدْعُو	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ		يَدْعُو	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ	تَدْعُو		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ			
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْغَائِبُ			
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ	تَدْعُو	
الْمُنْثَى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ	تَدْعُو	
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ		
الْمُفْرَدُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ		
الْمُنْثَى الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ	تَدْعُو	أَدْعُوا
الْجَمْعُ الْمَوْثُقُ الْمُخَاطَبُ	دَعَوُ		
الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	دَعَوُ		
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	دَعَوُ	نَدْعُو	

الْجَدْوْلُ السَّادِسُ اِشْتَرَى: خَرِيد

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
أَلْمَفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	إِشْتَرَى	يَشْتَرِي	
أَلْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ		يَشْتَرِي	
أَلْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ			
أَلْمَفْرَدُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ		تَشْتَرِي	
أَلْمُنْثَى الْمَوْثُ الْغَائِبُ		تَشْتَرِي	
أَلْجَمْعُ الْمَوْثُ الْغَائِبُ			
أَلْمَفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَى	تَشْتَرِي	
أَلْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَى	تَشْتَرِي	إِشْتَرِ
أَلْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَوْا		
أَلْمَفْرَدُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَى		
أَلْمُنْثَى الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَى	تَشْتَرِي	إِشْتَرِ
أَلْجَمْعُ الْمَوْثُ الْمُخَاطَبُ	إِشْتَرَوْا		إِشْتَرِ
أَلْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	إِشْتَرَى		
أَلْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	إِشْتَرَى	تَشْتَرِي	

الْجَدْوَلُ الثَّامِنُ تَعَالَى: بلند شد و برآمد

أَلَمْر	أَلْمُصَارِع	أَلْمَاضِي	أَلَصِيغَة
	يَتَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُفْرَدُ أَلْمَذْكُرُ أَلْغَائِبُ
			أَلْمُنْتَى أَلْمَذْكُرُ أَلْغَائِبُ
			أَلْجَمْعُ أَلْمَذْكُرُ أَلْغَائِبُ
	تَتَعَالَى		أَلْمُفْرَدُ أَلْمَوْثُ أَلْغَائِبُ
	تَتَعَالَى		أَلْمُنْتَى أَلْمَوْثُ أَلْغَائِبُ
			أَلْجَمْعُ أَلْمَوْثُ أَلْغَائِبُ
	تَتَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُفْرَدُ أَلْمَذْكُرُ أَلْمُخَاطَبُ
	تَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُنْتَى أَلْمَذْكُرُ أَلْمُخَاطَبُ
	تَعَالَى	تَعَالَى	أَلْجَمْعُ أَلْمَذْكُرُ أَلْمُخَاطَبُ
	تَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُفْرَدُ أَلْمَوْثُ أَلْمُخَاطَبُ
	تَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُنْتَى أَلْمَوْثُ أَلْمُخَاطَبُ
		تَعَالَى	أَلْجَمْعُ أَلْمَوْثُ أَلْمُخَاطَبُ
		تَعَالَى	أَلْمُتَكَلَّمُ وَحْدَهُ
	تَتَعَالَى	تَعَالَى	أَلْمُتَكَلَّمُ مَعَ أَلْغَيْرِ

فائدة: اعْلَمْ أَنَّ صَمَّةَ عَيْنِ الْفِعْلِ فِي مَصَدَرِ بَابِ تَفَعَّلَ وَ تَفَاعَلَ مِنَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ تَصِيرُ كَسْرَةً؛ نَحْوُ:

ماضى: تَجَلَّى مضارع: يَتَجَلَّى مصدر: تَجَلَّى (تَجَلَّى) امر: تَجَلَّ
ماضى: تَسَاوَى مضارع: يَتَسَاوَى مصدر: تَسَاوَى (تَسَاوَى) امر: تَسَاوَا

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ وَصِيغَتَهَا.

١- ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ...﴾ آل عمران: ١١٠

٢- ﴿... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ﴾ النساء: ٧٧

٣- ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آل عمران: ٦٤

٤- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ^٢ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ البقرة: ٤٤

٥- ﴿جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ^٤ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ^٥﴾ نوح: ٧

٦- ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا^٦﴾ النور: ٤٧

١- كُتِبَ عَلَى: واجب شد ٢- الْخَشْيَةُ: ترس ٣- أَلْبَزَ: نيكى
٤- الْأَصَابِعُ: انگشتان «مفرد: الإصبع» ٥- الثِّيَابُ: جامه ها «مفرد: الثَّوب» ٦- أَطَعْنَا: اطاعت كرديم

التمرين الأول: ضَع في الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

١- كَانَتْ شَيْمِلُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ.

٢- اَلدُّكْتُورَاهُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهُودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.

٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.

٤- اَلشَّعْبُ اَلْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاَللُّغَةِ

٥- اَللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا

التمرين الثاني: تَرْجِمِ اَلْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اَلْفِعْلَ اَلْمُعْتَلَّ اَلنَّاقِصَ.

١- ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٠٤

٢- ﴿وَيُزَكِّيهِمْ^١ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٦٤

٣- اَللَّهُمَّ اَقْضِ^٢ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ.

٤- اَللَّهُمَّ اَشْفِ^٣ كُلَّ مَرِيضٍ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: اخْتَرِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- الطَّالِبَاتُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ أَمْسَ.
☐ مَشَوْا ☐ مَسَيْنَ ☐ مَشَتَا ☐ مَشَيْنَنَّ
- ٢- مِنْ فَضْلِكَ، لَا شَيْئًا لَا تَعْرِفُ سَعْرَهُ.
☐ أَشْتَرِي ☐ تَشْتَرُوا ☐ تَشْتَرِي ☐ تَشْتَرِ
- ٣- لِمَاذَا أَنْتِ، يَا أُخْتِي الْعَزِيزَةُ؟
☐ تَبْكِينَ ☐ تَبْكِي ☐ يَبْكِينَ ☐ يَبْكِي
- ٤- لَا عَنْ خُلُقِي، وَتَأْتِي بِمِثْلِهِ.
☐ تَنْهَيْنَ ☐ تَنْهَى ☐ تَنْهَ ☐ إِنَّه
- ٥- يَا حَبِيبَتِي، صَدِيقَتِكَ الْحَمِيمَةَ.
☐ لَا تَنْسَ ☐ لَا تَنْسَى ☐ لَا تَنْسُوا ☐ لَا تَنْسَيْنَ
- ٦- أَيُّهَا الْعُمَّالُ، رَجَاءً، قَلِيلًا.
☐ يَسْتَرِيحُونَ ☐ اسْتَرَحْنَ ☐ اسْتَرِيحُوا ☐ اسْتَرَحْنَنَّ



الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ «الْفِعْلَ الصَّحِيحَ» فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- هُمْ يَسْتَدْعُونَ ☐ إِنَّا دَرَسْنَا ☐ هُوَ يَهْتَدِي ☐ رَجَاءٌ، تَعَالَى هُنَا ☐
- ٢- أَخَذَتْ جَائِزَتَهَا ☐ لَا تَشْتَرِ شَيْئًا ☐ إِنَّهُمْ يَرْضَوْنَ ☐ أَرْجُوكَ، سَاعِدْنِي ☐
- ٣- تَخْشَوْنَ رَبَّكُمْ ☐ لَا تَنْسِيَ أَنْتِ ☐ قُولُوا الْحَقَّ ☐ إِنَّهُ صَلَّحَهُ ☐
- ٤- أَنْتِ تَنْهَيْنِ ☐ لَا تَطْعَمُوا أَنْتُمْ ☐ لَا تَصْرُخْ أَنْتِ ☐ اسْتَرْضَى حَبِيبُهُ ☐
- ٥- هِيَ دَعَتْنِي ☐ هُمْ قَفَزُوا ☐ أَنَا رَجَوْتُهُ ☐ أَطِيعُوا اللَّهَ ☐
- ٦- رَجَاءٌ، لَا تَبْكِي ☐ إِنَّهُمْ عَفَوْا ☐ اكْتَفَى بِمَا عِنْدَكَ ☐ هُمَا تَكْتُمَانِ ☐

الصحيح

المعتل

المثال

الأجوف

الناقص

السالم

المهموز

المضاعف

■ اَكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارْسِيَّةَ أَوْ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربن (هنري كوربين)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان غوته

Johann

Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان غوته» هو أَحَدُ أَشْهُرِ أَدْبَاءِ أَلْمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا أَدْبِيًّا وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.

«رينولد نيكلسون» هو مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ. حَبِيرٌ فِي التَّصَوُّفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ

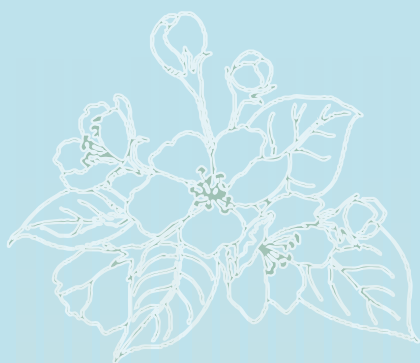
لِلْأَشْعَارِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ.

«هنري كوربين» فِيلَسُوفٌ وَ مُسْتَشْرِقٌ فَرَنْسِيٌّ اِهْتَمَّ بِدِرَاسَةِ الْإِسْلَامِ. أَسَّسَ فِي فَرَنْسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيرَانَ.

«إدوارد براون» مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدِّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارْسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.

«توشي هيكو ايزوتسو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَّمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللُّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثِينَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ.

«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشْرِقٌ رُوسِيٌّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارْسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ^١.





الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِقَّةٍ وَسَدَادٍ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مرا با پارسایی، تلاش، پاکدامنی و درستی یاری کنید.

الرَّسَالَةُ الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ



أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدُبَةٍ
فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا؛

... وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُورٌ وَغَنِيُّهُمْ مَدْعُورٌ.

... أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ
اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ.

أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ.

... هِيَاهُ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشْعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ
الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ، أَوْ أَبِيْتِ مِبْطَانًا وَحَوْلِي بُطُونُ
غَرْنِي وَأَكْبَادُ حَرَى أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ:

وَحَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيتَ بِبِطْنَةٍ وَحَوْلَكَ أَكْبَادُ تَجِنُّ إِلَى الْقِدِّ

أَفْتَنُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ
أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ.

... وَكَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ
عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَمُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالرَّوَاتِعَ
الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً....



أَبِيتُ: شب را به روز می آورم
(بَاتَ، يَبِيتُ)

أَرْقُ: نازکتر ← رَقِيق: نازک
أَرْقُ جُلُوداً: پوست نازکتر

أَصْلَبُ: سخت تر (محکم تر)
أَصْلَبُ عُوداً: سخت چوب تر

أَقْرَانُ: هم‌تایان «مفرد: قِرْن»
أَكْبَادُ: جگرها «مفرد: كَبِد»

بِطْنَةُ: شکم‌پُری، پُرخوری
تَحِنُ: آرزو می کند (حَنَ، يَحِنُّ)

جَشَعُ: آزمندی = حِرْص
جُشُوبَةُ: تلخ‌کامی

حَرَى: سوزان «مذکرش: حَرَان»
رَوَاتِعُ: درختان و گیاهان سرسبز

سَدَاد: درستی

شَبَعُ: سیری

شُجْعَانُ: دل‌اوران «مفرد: شُجَاع»

طُعْمُ: خوراکی

طِمْرُ: جامه کهنه «جمع: أَطْمَار»

عَائِلُ: تهیدست = فَاقِر، مِسْكِين

عُودُ: ترکه چوب

عَرْنَى: گرسنگان «مفرد: عَرْنَان»

فِتْيَةُ: جوانان «مفرد: فَتَى» = شَبَاب

قَدَّ: پوست‌پاره

قُرْصُ: گرده نان

قَعَدَ بِ: نشانید = أَجْلَسَ

قَنَعَ -: خرسند شد، قانع شد

قُوتُ: خوراک = طَعَام

لَا أَشَارِكُ: شرکت نکنم

مَأْدُبَةٌ: سفره مهمانی

مَأْمُومُ: پیرو

مِبطَانُ: پُرخور

مَجْفُوقُ: رانده شده

مَكَارِهِ: سختی‌ها

مُنَازَلَةٌ: رویارویی

يَسْتَضِيءُ: روشنایی می جوید

(مَاضِي: اسْتَضَاءَ)

يَقْتَدِي: پیروی می کند

(مَاضِي: اِقْتَدَى)

يَقُودُنِي: مرا به دنبال می کشد

(قَادَ، يَقُودُ)

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

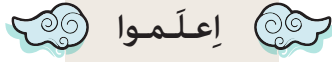
۱- إِنَّ جُلُودَ عُودِ الشَّجَرَةِ الْبَرِّيَّةِ رَقِيقَةٌ.

۲- إِنَّ الرُّوَاتِعَ الْخَصِرَةَ تَنْبُثُ فِي الصَّحْرَاءِ وَسَاقُهَا قَوِيٌّ.

۳- رَجُلٌ مِنْ شَبَابِ أَهْلِ الْكُوفَةِ دَعَا ابْنَ حُنَيْفٍ إِلَى مَأْدُبَةٍ.

۴- قَبِلَ ابْنُ حُنَيْفٍ دَعْوَةَ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوقٌ وَغَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوقٌ.

۵- أَرَادَ الْإِمَامُ (ع) مِنَ النَّاسِ عَدَمَ الْإِسْرَافِ فِي اللَّبَاسِ وَالطَّعَامِ.



الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ وَالْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ

الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ

الْأَصْلُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُضَارِعُ مَرْفُوعًا؛ نَحْوُ: يَذْهَبُ.

عَلَامَةُ الرَّفْعِ الْأَصْلِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الضَّمَّةُ : ُ

عَلَامَةُ الرَّفْعِ الْفُرْعِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ: ثُبُوتُ التَّوْنِ

عَلَامَةُ الرَّفْعِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فِي هَذِهِ الصِّيَغِ «يَفْعَلُ وَ تَفْعَلُ وَ أَفْعَلُ وَ نَفْعَلُ» ضَمَّةٌ ظَاهِرَةٌ فِي آخِرِهَا غَالِبًا.

وَعَلَامَةُ الرَّفْعِ فِي هَذِهِ الصِّيَغِ «يَفْعَلَانِ وَ يَفْعَلُونَ وَ تَفْعَلَانِ وَ تَفْعَلُونَ» ثُبُوتُ التَّوْنِ فِي آخِرِهَا.

التَّوْنُ فِي صِيغَتَي الْمُضَارِعِ لَجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ «يَفْعَلْنَ» وَ «تَفْعَلْنَ» ضَمِيرٌ، وَ لَيْسَتْ عَلَامَةُ رَفْعٍ؛ وَهَذَانِ الْفِعْلَانِ مَبْنِيَانِ، وَإِعْرَابُ الْمَبْنِيِّ مَحَلِّيٌّ، كَمَا عَرَفْتَ سَابِقًا.

الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ

الْحُرُوفُ النَّاصِبَةُ لِلْمُضَارِعِ هِيَ «أَنْ: كه» وَ «كَي وَ لِي وَ حَتَّى: تا اينكه، براي اينكه» تَدْخُلُ هَذِهِ الْحُرُوفُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فَتَنْصِبُهُ بِعَلَامَةٍ ظَاهِرَةٍ. (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتَي جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ؛ لِأَنَّهُمَا مَبْنِيَتَانِ).

عَلَامَةُ النَّصْبِ الْأَصْلِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ : ِ

وَعَلَامَةُ النَّصْبِ الْفُرْعِيَّةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ: حَذْفُ التَّوْنِ

تُتَرَجَّمُ الْأَفْعَالُ الْمُضَارِعَةُ بَعْدَ هَذِهِ الْحُرُوفِ إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ» فِي الْفَارْسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

يَحْكُمُ: داورى مى كند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش مى کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَحْزَنُونَ: غصه مى خورید	لِكِي لَا تَحْزَنُوا: تا غصه نخوريد
يَجْعَلُ: قرار مى دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: مى روند	كِي يَذْهَبْنَ: تا بروند

«لَنْ: نخواست...» وَهُوَ حَرْفُ نَفْيٍ وَنَصْبٍ، يَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ فَقَطُّ؛ فَتَنْصِبُهُ
 بِاسْتِثْنَاءٍ صِغَتَي جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ لِأَنَّهُمَا مَبْنِيَانِ (وَيُخَصَّصُ^١ نَفْيَهُ بِالزَّمَانِ الْمُسْتَقْبَلِ
 فَقَطُّ؛ مِثْلُ:

تَنَالُونَ: دست می یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ الْمَنْصُوبَةَ وَعَلَامَةَ النَّصْبِ.

١ ﴿وَعَسَى^٢ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
 لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَا^٣كُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ^٤ وَلَا شَفَاعَةٌ﴾

الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ^٥ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا
 لَا يَعْلَمُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- رَزَقَ: روزی داد

٢- عَسَى: شاید
 ٥- الْمُعَارَضَةُ: مخالفت

١- يُخَصَّصُ: اختصاص می دهد
 ٤- الْخُلَّةُ: دوستی

انْظُرْ إِلَى الْجَدُولِ التَّالِي نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ اذْكُرِ الْفُرُوقَ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الْمَرْفُوعِ وَالْمَنْصُوبِ وَاحْفَظْهُمَا.

الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ	الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ	الْصِّيغَةُ
يَكْتُبُ	أَنْ يَكْتُبَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
يَكْتُبَانِ	أَنْ يَكْتُبَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
يَكْتُبُونَ	أَنْ يَكْتُبُوا	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ
تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
يَكْتُبْنَ	أَنْ يَكْتُبْنَ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْغَائِبُ
تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
تَكْتُبُونَ	أَنْ تَكْتُبُوا	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ
تَكْتُبِينَ	أَنْ تَكْتُبِي	الْمُفْرَدُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ
تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	الْمُثَنَّى الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ
تَكْتُبْنَ	أَنْ تَكْتُبْنَ	الْجَمْعُ الْمَوْثَّقُ الْمُخَاطَبُ
اَكْتُبْ	أَنْ أَكْتُبَ	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ
نَكْتُبْ	أَنْ نَكْتُبَ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ

إِذْنًا، التَّغْيِيرُ الَّذِي حَصَلَ فِي أَفْعَالِ «أَنْ يَفْعَلَ وَ أَنْ تَفْعَلَ وَ أَنْ أَفْعَلَ وَ أَنْ تَفْعَلَ» هُوَ أَنَّهَا نُصِبَتْ بِالْفَتْحَةِ؛ فَإِعْرَابُهَا أَصْلِيٌّ.
وَالْتَّغْيِيرُ الَّذِي حَصَلَ فِي أَفْعَالِ «أَنْ يَفْعَلَا وَ أَنْ يَفْعَلُوا وَ أَنْ تَفْعَلَا وَ أَنْ تَفْعَلُوا وَ أَنْ تَفْعَلِي» هُوَ أَنَّهَا نُصِبَتْ بِحَذْفِ التَّوْنِ؛ فَإِعْرَابُهَا فَرَعِيٌّ.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ.

١ ﴿... رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...﴾ هود: ٤٧

٢ ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا...﴾ الشعراء: ٥١

التمرين الأول: أُمِّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- ثَوْبٌ عَتِيقٌ.

٢- كَثْرَةُ تَنَاوُلِ الطَّعَامِ.

٣- غُصْنُ الشَّجَرِ بَعْدَ قَطْعِهِ.

٤- أَنَامَ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى الصَّبَاحِ.

٥- قِطْعَةٌ رَقِيقَةٌ وَ طَوِيلَةٌ مِنَ الْجِلْدِ.

التمرين الثاني: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

(يَسْتَضِيءُ/ الشُّجْعَانُ/ تَفْتَدِي/ الْمِبْطَانُ/ مَأْدُبَةٌ/ شَارَكْنَا/ قَوْتُ/ الشَّبَعِ)

١- دَعَوْنَا ضُيُوفَنَا الْأَعْرَاءَ إِلَى

٢- صَدِيقُكَ نَشِيطٌ؛ لَيْتَكَ بِهِ!

٣- الْحَلِيبُ مَعَ الْعَسَلِ مُفِيدٌ جِدًّا.

٤- يَأْكُلُ زَمِيلِي كَثِيرًا وَ لَا يَشْعُرُ بِ

٥- كُلُّنَا فِي الْعَمَلِ؛ وَ قَسَمْنَا مَا انْتَفَعْنَا بِهِ.

٦- مَا زَالَ بَعْضُ الْفَرَى بِالنَّفْطِ لَا بِالْكَهْرَبَاءِ.

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا^۱ تُحِبُّونَ...﴾ آل عمران: ۹۲

۲- ﴿... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ^۲...﴾ الْمَائِدَةُ: ۶

۳- ﴿... لِكَيْلَا^۳ تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ^۴...﴾ آل عمران: ۱۵۳

۴- ﴿... فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الْأَعْرَافُ: ۸۷

۵- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ...﴾ الْفَتْحُ: ۱۵

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

۱- يَا أَجَبْتِي، جَالِسُوا خَيْرَ النَّاسِ.

۲- اصْبِرْ لِكَيِّ يَجْلِسَ أَخُوكَ.

۳- رَجَاءٌ، لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ.

۴- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ هُنَا.

۵- لَنْ يَجْلِسَ هُنَاكَ.

۶- أُرِيدُ أَنْ أَجْلِسَ.

۳- اَلْحَرَجُ: تنگنا (حالت بحرانی)

۲- مِمَّا: مِنْ + ما: از آنچه

۱- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

۵- فَاتٌ: از دست رفت

۴- لِكَيْلَا: لِكَيِّ+لا

■ اُكْتُبْ مَقَالَهٖ قَصِيْرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مُؤَلِّفِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.



گرت عیب جویی بود در سرشت
نبینی ز طاووس جز پای زشت



الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا

مِنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

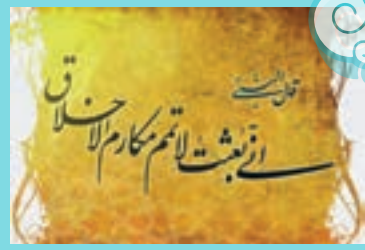
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢و١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكُرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ

مَا فِيكَ مِثْلُهُ».

گفت جب چلی پودہ مرث نہیں زلفاں چڑھای زشت



تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيَبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تُلْقِبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا. بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ **الِاسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتُهُمْ**

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ **سَوَاءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ**

آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ **الْتَجَسُّسُ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ**

أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ **كِبَائِرِ** الذُّنُوبِ

فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ **وَ الْغِيْبَةِ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ**

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



إِنَّقَى : پروا کرد (مضارع: يَنْقِي)

إِتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِثْم : گناه = ذَنْب

إِسْتَهْزَأَ : ریشخند کردن (إِسْتَهْزَأَ،

يَسْتَهْزِئُ)

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لَا يَغْتَبُ: نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد (مضارع:

يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةً : نام دادن، نامیدن (سَمَّى /

يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَّابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمَ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخَّرِيَّةٌ)

لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعِيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَائِرُ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرَةً : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرده «جمع: أَمْواتٌ،

مَوْتَى» ≠ حَيٌّ

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

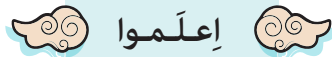
۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغِيْبَةَ فَقَطْ.

۳- الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.



الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (١)

هَذِهِ الْحُرُوفُ «لَمْ وَ لَ وَ لَا» تَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَحِينَ تَدْخُلُ عَلَيْهِ تَجْزِمُهُ بِعَلَامَةٍ ظَاهِرَةٍ. (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي جَمْعِ الْمُؤَنَّثِ).

عَلَامَةُ الْجَزْمِ الْأَصْلِيَّةُ فِي الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ : ـ

وَعَلَامَةُ جَزْمِهِ الْفَرَعِيَّةُ : حَذْفُ التَّوْنِ وَ حَذْفُ حَرْفِ الْعِلَّةِ فِي الْفِعْلِ النَّاقِصِ

حَرْفُ «لَمْ: ...» حَرْفُ نَفْيٍ وَجَزْمٍ يَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَحِينَمَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ يُبَدِّلُهُ إِلَى «الْمَاضِي الْبَسِيطِ الْمَنْفِيِّ» أَوْ إِلَى الْمَاضِي الْمَنْفِيِّ الْمُتَّصِلِ بِالْحَالِ أَيْ «الْمَاضِي النَّقْلِي» فِي الْفَارْسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

لَمْ يَسْمَعْ: نشنيد، نشنیده است	يَسْمَعْ: می شنود
لَمْ تَذْهَبُوا: زرفته اید	تَذْهَبُونَ: می روید
لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوشته اید	تَكْتُبْنَ: می نویسید

حَرْفُ «لَمَّا: هنوز ...» حَرْفُ نَفْيٍ وَجَزْمٍ يَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَ يُبَدِّلُهُ إِلَى الْمَاضِي الْمَنْفِيِّ الْمُتَّصِلِ بِالْحَالِ «الْمَاضِي النَّقْلِي الْمَنْفِيِّ»؛ مِثْلُ:

لَمَّا يَسْمَعْ: هنوز نشنیده است	يَسْمَعْ: می شنود
----------------------------------	-------------------

حَرْفُ «لَا أَمْرَ ل: باید» حَرْفُ جَزْمٍ يَخْتَصُّ بِالْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَحِينَمَا يَدْخُلُ عَلَى الْمُضَارِعِ الْغَائِبِ وَالْمُتَكَلِّمِ غَالِباً يُبَدِّلُهُ إِلَى مَعْنَى الْأَمْرِ «الْمُضَارِعِ الْإِتْرَامِي» بِالْفَارْسِيَّةِ؛ مِثْلُ:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	نَرْجِعْ: بر می گردیم
لِيَعْلَمُوا: باید بدانند	يَعْلَمُونَ: می دانند

قَدْ عَرَفْتَ فِي كِتَابِ السَّنَةِ النَّاسِعَةِ «لَا النَّاهِيَةَ» الَّتِي تَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الْمُخَاطَبِ، فَتَجْزِمُهُ وَقَدْ سُمِّيَ بِفِعْلِ النَّهْيِ؛ مِثْلُ:

تَيَأَسُ: ناامید می شوی لَا تَيَأَسْ: ناامید نشو

تُرْسِلُونَ: می فرستید لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

هُنَا لَا بُدَّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ هَذَا الْحَرْفَ «لَا النَّاهِيَةَ» إِذَا دَخَلَ عَلَى صِيغِ الْمُضَارِعِ لِلْمُتَكَلِّمِ وَالْغَائِبِ يَنْفِيهَا وَ يَجْزِمُهَا وَ تُتْرَجَّمُ تِلْكَ الْأَفْعَالُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ بِ «نباید» وَ تُسَمَّى بِالْفَارِسِيَّةِ «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ»؛ مِثْلُ:

يَخَافُونَ: می ترسند لَا يَخَافُوا: نباید بترسند

■ **الْفَائِدَةُ الْأُولَى:** فِعْلُ النَّهْيِ هُوَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَنْفِيٌّ وَمَجْزُومٌ.

■ **الْفَائِدَةُ الثَّانِيَّةُ:** الْأَفْعَالُ ذَاتُ الْوُجُوهِ الْمُخْتَلِفَةِ فِي الْمَعْنَى، مِثْلُ «لَيَعْلَمُوا» وَأَمْثَالِهَا؛ لَا يُمَكِّنُ تَرْجَمَتُهَا إِلَّا فِي الْجُمْلَةِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ مَعَانِيهَا، حَتَّى تَعْرِفَ أَلَا أَلَامُ الْأَمْرِ الْجَازِمَةِ هِيَ، أَمِ اللَّامُ النَّاصِبَةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ؟ مِثْلُ:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لَيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

(اللَّامُ النَّاصِبَةُ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ)

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَعْلُمَ دُرُوسِهِمْ فَلَيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را بدانند

و بر آنان لازم است که از آن نترسند. (لَا أَلَامُ الْأَمْرِ الْجَازِمَةِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ).

■ **الْفَائِدَةُ الثَّالِثَةُ:** قَدْ تَعْلَمْتَ لِحْدَ الْآنَ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ لِحَرْفِ «لِ»: الْأَوَّلُ حَرْفُ جَرٍّ

يَدْخُلُ عَلَى الْإِسْمِ فَيَجْزِيهِ؛ وَالثَّانِي حَرْفُ نَصْبٍ يَدْخُلُ عَلَى الْمُضَارِعِ فَيَنْصِبُهُ؛ وَالثَّالِثُ حَرْفُ جَزْمٍ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ.

وَ تَعْيِينُ أَحَدِ هَذِهِ الْمَعَانِي لَا يُمَكِّنُ إِلَّا فِي الْجُمْلَةِ بَعْدَ مَعْرِفَةِ مَعْنَاهَا.

■ **الفائدة الرابعة:** أنواع لـ التي تعلّمناه لحد الآن.

۱. لَامُ الْجَرِّ لَهَا مَعَانٍ وَهِيَ:

الف: «لـ»: «مالٍ، از آن» نَحْوُ: «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»: «آن سیم کارت مالِ کیست؟»
 ب: «لـ»: «برای» نَحْوُ: «اشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»: «چمدانی برای سفر خریدم».
 ج: «لـ»: «داشتن» نَحْوُ: «لي شهادة في الحاسوب»: «مدرك رایانه دارم».
 يَأْتِي حَرْفُ الْجَرِّ «لـ» مَفْتُوحًا حِينَ يَدْخُلُ عَلَى الصَّمَائِرِ الْمُتَّصِلَةِ (بِاسْتِثْنَاءِ صَمِيرِ يَاءِ الْمُتَكَلِّمِ)؛ مِثْلُ: لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لَهُنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لَكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُمَا، لَنَا.
 (الْأَلَامُ مَفْتُوحَةٌ وَلَكِنَّهَا فِي «لي» تَبَقَى مَكْسُورَةٌ).

۲. لَامُ النَّصْبِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ:

«لـ»: «تا» نَحْوُ «ذَهَبْتُ إِلَى الْمُتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»: «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

۳. لَامُ الْجَزْمِ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ:

«لـ»: «باید» نَحْوُ «لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»: «باید به خدا توکل کنیم».

■ **الفائدة الخامسة:** تُسَكَّنُ لَامُ الْأَمْرِ «لـ» غَالِبًا حِينَ تَدْخُلُ عَلَيْهَا هَذِهِ الْحُرُوفُ

«وَ، فَ، ثُمَّ»؛ مِثْلُ:

فَ + لـ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

■ **الفائدة السادسة:** قَدْ تَعَلَّمْتَ لِحَدِّ الْأَن عَلَى نَوْعَيْنِ لِحَرْفِ «لَمَّا»: الْأَوَّلُ هُوَ حَرْفُ

نَفْيٍ وَجَزْمٍ لِلْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَيُتْرَجَّمُ بِـ «هنوز نه...»؛ نَحْوُ «لَمَّا يَذْهَبُوا»: «هنوز نرفته اند»؛
 وَالثَّانِي ظَرْفٌ لِلزَّمَانِ يَدْخُلُ عَلَى الْفِعْلِ الْمَاضِي وَيُتْرَجَّمُ إِلَى «هنگامی که»؛ نَحْوُ:
 «لَمَّا ذَهَبَ»: «هنگامی که رفت».

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

١ ﴿... لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ الثَّوْبَةُ: ٤٠

٢ ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ...﴾ الرَّعْدُ: ١١

٣ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

انْظُرْ إِلَى الْجَدُولِ التَّالِي نَظْرًا دَقِيقًا؛ ثُمَّ اذْكُرِ الْفُرُوقَ بَيْنَ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ الْمَرْفُوعِ وَالْمَنْصُوبِ وَالْمَجْزُومِ وَاحْفَظْهَا.

الصَّبْغَةُ	الْمُضَارِعُ الْمَرْفُوعُ	الْمُضَارِعُ الْمَنْصُوبُ	الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبُ	أَنْ يَكْتُبَ	لَمْ يَكْتُبْ
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبَانِ	أَنْ يَكْتُبَا	لَمْ يَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْغَائِبُ	يَكْتُبُونَ	أَنْ يَكْتُبُوا	لَمْ يَكْتُبُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	لَمْ تَكْتُبْ
الْمُنْثَى الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	يَكْتُبْنَ	أَنْ يَكْتُبْنَ	لَمْ يَكْتُبْنَ
الْمُفْرَدُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبُ	أَنْ تَكْتُبَ	لَمْ تَكْتُبْ
الْمُنْثَى الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَذْكُرُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبُونَ	أَنْ تَكْتُبُوا	لَمْ تَكْتُبُوا
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبِينَ	أَنْ تَكْتُبِي	لَمْ تَكْتُبِي
الْمُنْثَى الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبَانِ	أَنْ تَكْتُبَا	لَمْ تَكْتُبَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	تَكْتُبْنَ	أَنْ تَكْتُبْنَ	لَمْ تَكْتُبْنَ
الْمَتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	أَكْتُبُ	أَنْ أَكْتُبَ	لَمْ أَكْتُبْ
الْمَتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَكْتُبُ	أَنْ نَكْتُبَ	لَمْ نَكْتُبْ

بَعْدَ قِرَاءَةِ هَذَا الْجَدُولِ قِرَاءَةً دَقِيقَةً؛ أَجِبْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

١- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُرْفَعُ بِالضَّمَّةِ؟

٢- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُنْصَبُ وَتُجْزَمُ مَحَلًّا؟

٣- أَيُّ الْأَفْعَالِ تُجْزَمُ وَتُنْصَبُ بِحَذْفِ النَّونِ؟

٤- مَا هِيَ الْأَفْعَالُ الَّتِي تُنْصَبُ بِالْفَتْحَةِ وَتُجْزَمُ بِالسُّكُونِ؟

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): تَرَجِّمِ الْعِبَارَتَيْنِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ.

١ ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ...﴾ اَطْلَاق: ٦٥

٢ لَمَّا دُقَّ الْجَرَسُ نَظَرَ الْمُدِيرُ إِلَى الطُّلَّابِ وَ لَمَّا يَتَوَقَّفُوا عَنِ اللَّعِبِ، فَأَرَادَ مِنْهُمْ أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى الصَّفِّ.

إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلرَّفْعِ : ثُبُوتُ النَّونِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلرَّفْعِ : ُ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلنَّصْبِ : حَذْفُ النَّونِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلنَّصْبِ : ِ

الْعَلَامَةُ الْفَرْعِيَّةُ لِلْجَزْمِ : حَذْفُ النَّونِ

الْعَلَامَةُ الْأَصْلِيَّةُ لِلْجَزْمِ : ٍ

الرَّفْعُ وَالنَّصْبُ وَالْجَزْمُ لِلْمُضَارِعِ فِي الْجَمْعِ الْمُؤَنَّثِ مَحَلِّيٌّ.

التمرين الأول: أي كلمة من كلمات معجم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟

١- جعله حراماً:

٢- الذي ليس حياً:

٣- الذنوب الكبيرة:

٤- الذي يقبل التوبة عن عباده:

٥- تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة:

٦- ذكر ما لا يرضى به الآخرون في غيابهم:

التمرين الثاني: ترجم هذه الأحاديث، ثم عيّن المطلوب منك.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَنْ سَاءَ^١ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ع

٣- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ^٣ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ^٤ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حَسَّنْتَ: نيكو گردانیدی

٣- لِأَتَمِّمَ: تا کامل کنم

٢- عَذَّبَ: عذاب داد

١- ساءَ: بد شد

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْآيَاتِ الثَّالِيَةِ، ثُمَّ أَعْرَبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

۱- ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيراً﴾ الْإِسْرَاءُ: ۱۱۱

و بگو: ستایش از آن خداوندی است که فرزندی (نگرفته) / (نمی‌گیرد) و در جهاندارى شریکی (نداشته) / (نخواهد داشت) و از روی خواری [و نیاز] دوستی نداشته است و او را بسیار (بزرگ شمردم) / (بزرگ بشمار).

۲- ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۶

آیا (می‌پندارید) / (پنداشته‌اید) که رها می‌شوید، در حالی که خدا کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، همراهی نگرفته‌اند، (هنوز نشناخته است) / (نمی‌شناسد)؟ و خدا به آنچه انجام می‌دهید (بینا) / (آگاه) است.

۳- ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۷

مشرکان را نسزد که مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که (گواهی دهندگان) / (بینندگان) به کفر خویش هستند. آنان کارهایشان به هدر رفته و خود در آتش (پشیمانند) / (جاودانند).

۴- ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۸

مساجد خدا را تنها کسانی (آباد کرده‌اند) / (آباد می‌کنند) که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و (جز از خدا نترسیده‌اند) / (تنها به خدا چشم دوخته‌اند) (، پس امید است که اینان از (راهنمایان) / (راه‌یافتگان) باشند.

التَّحْرِيمُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الْأَعْرَافُ: ١١٠

٢- ﴿... أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدِّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ يُونُسُ: ١٣

٣- ﴿... أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ...﴾ التَّوْر: ٢٢

٤- إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



■ **إِبْحَثْ فِي سُورَةِ الْحُجُرَاتِ عَنْ آيَاتِ اخْلَاقِيَّةٍ أُخْرَى وَاكْتُبْهَا.**







الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ

﴿... لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

النَّجْم: ۳۹

انسان چیزی جز آنچه را تلاش کرده است، ندارد.

إِنَّ الْهَيْثَمَ

فِي صَوِّهِ الْقُرْآنِ وَالْمَعَارِفِ الْقُرْآنِيَّةِ أَخَذَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ أَحْسَنَ مَا عِنْدَهَا مِنَ الْعُلُومِ وَابْتَدَعُوا فِيهَا.

وَكَمَا نَعْلَمُ أَنَّ أَحَادِيثَ الرَّسُولِ ﷺ شَجَعَتِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنْ يَأْخُذُوا بِالْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ أَيْتِمًا وَجَدُوهُمْ. فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ. وَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع:

وَحُذِ الْحِكْمَةُ أَيْتَى كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ ضَالَّةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ.



رَسْمٌ يُظْهِرُ إِنَّ الْهَيْثَمَ يُمَثِّلُ الْعَقْلَ وَالْمَنْطِقَ، (عَلَى الْيَسَارِ) وَغَالِيَةَ يُمَثِّلُ الْخَوَاسَّ. (عَلَى الْيَمِينِ)

فَهَذِهِ الْأُمُورُ كُلُّهَا جَعَلَتْ الْمُسْلِمِينَ يَتَقَدَّمُونَ فِي الْعُلُومِ وَ الْفُنُونِ، وَ الْيَوْمَ نَرَى أَنَّ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ هُوَ نَتِيجَةُ مَسَاعِيِ الْمُسْلِمِينَ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ.

وَ يُمَكِّنُ الْقَوْلُ بِأَنَّ الْمُسْلِمِينَ هُمُ الَّذِينَ ابْتَدَعُوا عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ وَ الْفِيزِيَاءِ وَ الطَّبِّ وَ الرِّيَاضِيَّاتِ. وَ الْجَدِيرُ بِالذِّكْرِ أَنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ أَوْجَدُوا هَذِهِ الثَّرَوَاتِ الْعِلْمِيَّةَ فِي عَصْرِ كَانَ الْعَالَمُ يَعِيشُ حَيَاةَ الْجَهْلِ.

وَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ هُوَ ابْنُ الْهَيْثَمِ الْعَالِمُ الْفِيزِيَائِيُّ وَ الرِّيَاضِيُّ وَ الْفَلَكَيُّ. وُلِدَ فِي الْقَرْنِ الرَّابِعِ فِي الْبَصْرَةِ فِي زَمَنِ حُكُومَةِ آلِ بُؤَيَّةَ وَ فِي عَصْرِ يُعَدُّ عَصْرًا ذَهَبِيًّا فِي تَارِيخِ الْإِسْلَامِ. وَ اخْتَلَفَ الْمُؤَرِّخُونَ فِي نَسَبِ ابْنِ الْهَيْثَمِ أ كَانَ مِنْ أَصْلِ فَارِسِيٍّ أَمْ عَرَبِيٍّ.

أَلَّفَ ابْنُ الْهَيْثَمِ مُؤَلَّفَاتٍ عَدِيدَةً تَزِيدُ عَلَى مِائَتَيْنِ. وَ قَدْ اسْتَفَادَ الْعُلَمَاءُ مِنْ هَذِهِ الْمُؤَلَّفَاتِ قُرُونًا مُتَمَادِيَةً. وَ مِنْ أَهَمِّهَا كِتَابُ الْمَنَاطِرِ الَّذِي يَحْوِي آرَاءَ بَدِيعَةٍ فِي عِلْمِ الضَّوِّ. وَ قَدْ أَصْبَحَ هَذَا الْكِتَابُ الْمَرْجِعَ الرَّئِيسِيَّ لِهَذَا الْعِلْمِ فِي أَرْوَبَا مُنْذُ الْقَرْنِ الْحَادِي عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ وَ تُرْجِمَ إِلَى لُغَاتٍ أُخْرَى كَاللَّاتِينِيَّةِ وَ الْإِسْبَانِيَّةِ وَ غَيْرِهِمَا.

وَ مُؤَلَّفَاتُهُ فِي الْفَلَكَ تَبْلُغُ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ مَجْلَدًا كَتَبَ فِيهَا عَنِ ارْتِفَاعِ النُّجُومِ وَ أَحْجَامِهَا وَ عَنِ الرَّصْدِ النُّجُومِيِّ.



اِبْتَدَعُوا: نوآوری کردند

جَدِير: شایان، شایسته

الْجَدِيرُ بِالذِّكْرِ: شایانِ ذکر است.

الرَّصْدُ النُّجُومِيُّ: بررسی حرکات

ستارگان

الْإِسْبَانِيَّةُ: اسپانیایی

أَنْى: هر جا ، هر وقت

أَيْنَمَا: هر جا

ضَالَّةٌ: گم‌شده

فَلَکَيَّ: ستاره‌شناس

فیزیاء: فیزیک

مُتَمَادِيَّةٌ: طولانی

مَسَاعِي (مَسَاعٍ): تلاش‌ها

«مفرد: مَسْعَى»

يَخُوي: در بر دارد

يُمَثِّلُ الْعَقْلَ: نمایندۀ خرد است

(خرد را نمایندگی می‌کند)

✓ x

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

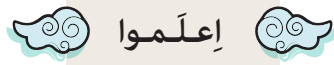
۱- أَلَفَ ابْنُ الْهَيْثَمِ مُؤَلَّفَاتٍ عَدِيدَةً تَزِيدُ عَلَى أَلْفَيْنِ.

۲- مُؤَلَّفَاتُ ابْنِ الْهَيْثَمِ فِي الْفَلَکِ تَبْلُغُ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ مُجَلَّدًا.

۳- وُلِدَ ابْنُ الْهَيْثَمِ فِي الْقَرْنِ الْخَامِسِ فِي الْبَصْرَةِ فِي زَمَنِ حُكُومَةِ آلِ بُوَيَّهِ.

۴- إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْعُلُومِ هُوَ نَتِيجَةُ مَسَاعِي الْمُسْلِمِينَ فِي الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ.

۵- أَحَادِيثُ الرَّسُولِ ﷺ شَجَعَتِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى اخْذِ الْعِلْمِ أَيْنَمَا وَجَدُوهُ.



الْمُضَارِعُ الْمَجْزُومُ (٢)

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

فِي هَذَا الدَّرْسِ نَتَعَلَّمُ أَهَمَّ «أَدَوَاتِ الشَّرْطِ» وَهِيَ: «إِنْ: اگر» وَ «مَنْ: هرکس» وَ «مَا: هرچه» وَ «أَيَّنَمَا: هرجا».

«إِنْ» حَرْفٌ، وَ «مَنْ» وَ «مَا» وَ «أَيَّنَمَا» أَسْمَاءٌ.

أَدَوَاتُ الشَّرْطِ الْمَذْكُورَةُ تَدْخُلُ عَلَى جُمْلَتَيْنِ، تُسَمَّى الْأُولَى مِنْهُمَا «فِعْلُ الشَّرْطِ» وَالثَّانِيَةُ «جَوَابُ الشَّرْطِ» وَ تَجْزِمُهُمَا. فَإِنْ كَانَتْ هَاتَانِ الْجُمْلَتَانِ مُضَارِعَتَيْنِ (بِاسْتِثْنَاءِ صِيغَتِي جَمْعِ الْمُؤنَّثِ)، تَجْزِمُهُمَا بِالْعَلَامَةِ الظَّاهِرَةِ (الإِعْرَابِ الظَّاهِرِيِّ)، وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ ذَلِكَ؛ تَجْزِمُهُمَا جَزْماً مَحَلِّيًّا.

وَهَذِهِ الْأَدَوَاتُ تُخَصِّصُ زَمَانَ فِعْلِ الشَّرْطِ بِالزَّمَانِ الْمُسْتَقْبَلِ وَنَتَرَجِمُهُ إِلَى الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ غَالِباً؛ مِثْلُ:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا.

أَدَاةُ الشَّرْطِ فِعْلُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ جَوَابُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، از خطا در امان می ماند.

حِينَما تَدْخُلُ أَدَوَاتُ الشَّرْطِ عَلَى جُمْلَتِي الشَّرْطِ وَالْجَوَابِ الْمَضَوِّتَيْنِ تَجْزِمُهُمَا جَزْماً مَحَلِّيًّا، وَيُمْكِنُ لَنَا أَنْ نَتَرَجِّمَ «فِعْلَ الشَّرْطِ الْمَاضِي» إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ» وَ «جَوَابَ الشَّرْطِ الْمَاضِي» إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِخْبَارِيِّ»؛ مِثْلُ:

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطُؤُهُ.

فِعْلُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ مَحَلًّا جَوَابُ الشَّرْطِ، مَجْزُومٌ مَحَلًّا

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می شود.

اندیشید کم شد

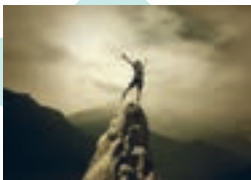
وَحِينَما تَكُونُ جُمْلَةُ جَوَابِ الشَّرْطِ اسْمِيَّةً، تُجْزَمُ مَحَلِّيًّا أَيْضاً. مِثْلُ:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، فَهُوَ حَسْبُهُ»^١ أَدَاةُ الشَّرْطِ فِعْلُ الشَّرْطِ مَجْزُومٌ جَوَابُ الشَّرْطِ مَجْزُومٌ مَحَلًّا

٣

الطَّلَاق: ٣

و هرکس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.



١- يَتَوَكَّلُ: توکل می کند ٢- حَسْبُ: بس، کافی

وَحِينَمَا يَكُونُ فِعْلُ الشَّرْطِ مُضَارِعًا، يُتَرْجَمُ إِلَى «الْمُضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ».



■ «مَنْ: هرکس»؛ نَحْوُ:

مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.



■ «مَا: هرچه»؛ نَحْوُ:

مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.



■ «إِنْ: اگر»؛ نَحْوُ:

إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.



إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگات موفقیت به دست می‌آوری.

■ «أَيْنَمَا: هرجا»؛ هَذِهِ الْأَدَاةُ مُرَكَّبَةٌ مِنْ «أَيْنَ» وَ «مَا» الزَّائِدَةِ؛ نَحْوُ:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ...﴾ ۷۸ أَلْسَاء: هرجا باشید مرگ شما را در می‌یابد.

■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ هِيَ أَدَاةُ شَرْطٍ غَيْرُ جَائِزَةٍ؛ فَاعْلَمْ ذَلِكَ.

حِينَمَا تَدْخُلُ هَذِهِ الْأَدَاةُ عَلَى الْفِعْلِ الْمَاضِي، يُمَكِّنُ لَنَا أَنْ نُتَرْجِمَهُ إِلَى الْمُضَارِعِ (الْإِلْتِزَامِيِّ)

أَوِ الْإِخْبَارِيِّ) طَبَقًا لِسِيَاقِ الْجُمْلَةِ وَمَفْهُومِهَا؛ مِثْلُ:

إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمِ الْآيَاتِ الشَّرِيفَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱ ﴿... وَمَا تَقَدَّمُوا^۱ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۱۰

۲ ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا^۲ فَثَمَّ^۳ وَجْهُ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۱۵

۳ ﴿... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^۴ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ۷

۴ ﴿... وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۶﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

أَنْوَاعُ «مَنْ» وَ «مَا»:

«مَنْ» وَ «مَا» هُمَا أَدَاتَانِ تُسْتَعْمَلَانِ اسْتِفْهَامِيَّتَيْنِ وَشَرْطِيَّتَيْنِ وَمَوْصُولَتَيْنِ؛ وَمَعْرِفَتُهُمَا تَحْصُلُ مِنْ مَفْهُومِ الْجُمْلَةِ وَسِيَاقِهَا؛ مِثْلُ:

■ مَنْ اسْتِفْهَامِيَّةٌ:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۴۵

■ مَنْ الْمَوْصُولَةُ:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۸

■ مَنْ الشَّرْطِيَّةُ:

مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- ۱- مَا تَقَدَّمُوا: هرچه را از پیش بفرستید ۲- تُولُوا: رو کنید (وَلَى، يُؤَلَّى، تَوَلَّى) ۳- ثَمَّ: آنجا
۴- يُثَبِّت: استوار می‌سازد ۵- خَاطَبَ: خطاب کرد ۶- أَسْلَمَ: سخن آرام

■ ما الشَّرْطِيَّةُ:

﴿... مَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ...﴾ الْمُرْمَل: ٢٠

■ ما الْمَوْصُولَةُ:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ...﴾ الْجُمُعَةُ: ١

■ ما الْإِسْتِفْهَامِيَّةُ:

﴿... مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾ طه: ١٧

■ ما تَأْتِي لِلنَّفْيِ أَيْضًا:

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشَّعْرَ ...﴾ يس: ٦٩

إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ (٢): عَيَّنْ أَنْوَاعَ «مَنْ» وَ «مَا».

١ ﴿... وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٥

٢ ﴿... إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٣٧

٣ ﴿... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٥

٤ ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ...﴾ النَّحْل: ٩٦

٥ مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فائدة: يُجْزَمُ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ حِينَ يَقَعُ جَوَاباً لِلطَّلَبِ (الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ وَالِاسْتِفْهَامُ)؛ مِثْلُ:

﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ غافر: ٦٠ مرا بخوانید تا [دعایتان را] برایتان برآورده کنم.
فِعْلُ الطَّلَبِ جَوَابُ الطَّلَبِ

لا تَكْذِبْ يُحِبُّكَ اللَّهُ.
فِعْلُ الطَّلَبِ جَوَابُ الطَّلَبِ

حِينَ نَتَرَجِّمُ الْجُمْلَةَ السَّابِقَةَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ نَضَعُ «تَا» بَيْنَ فِعْلِ الطَّلَبِ وَجَوَابِهِ، كَمَا رَأَيْتَ.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٣): تَرَجِّمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ، أَوْ فِعْلَ
الطَّلَبِ وَجَوَابَهُ، ثُمَّ أَعْرِبْهُمَا.

١ ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ النحل: ١٨

٢ زُرِ الْقُبُورَ تَذَكَّرْ بِهَا الْآخِرَةَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ قُولُوا خَيْرًا تَغْنَمُوا^٢ وَاسْكُتُوا عَنِ شَرِّ تَسْلَمُوا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤ مَنْ لَا يَرْحَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا يَرْحَمُهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- زُر: زیارت کن ٢- تَغْنَمُوا: تا بدون رنج دست یابید

التمرين الأول: صَع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

(الرَّصْدُ النُّجُومِي / أَيَنَّمَا / الإِسْبَانِيَّةُ / يُمَثِّلُ / الفيزياءُ / جَدِيرٌ / ابْتَدَعَ / مَسَاعِي)

- ١- السَّفِيرُ بِلَادَهُ فِي دَوْلَةٍ أُخْرَى.
- ٢- مُصْطَفَى بِالْعَمَلِ الَّذِي عُيِّنَ لَهُ.
- ٣- الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَذْهَبَ أَحَدٌ أَصْدِقَائِي.
- ٤- أَحَدُ طُلَّابِ جَامِعَتِنَا هَذَا الْبَرْنَامَجِ.
- ٥- لَا أَنْسَى أَسَانِدَتِي بَعْدَ التَّخَرُّجِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.
- ٦- يَتَكَلَّمُ كَثِيرٌ مِنْ شُعُوبِ دُولِ الْقَارَةِ الْأَمْرِيكِيَّةِ بِاللُّغَةِ

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الشَّرْطِ وَجَوَابَهُ وَاعْرِبْهُمَا.

١- مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

٢- مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ.

٣- مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ، وَمَنْ لَا يَغْفِرُ لَا يُغْفَرُ لَهُ.

٤- مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ.

۱- مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدْهُ.

هرکس شری را آن را

۲- مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا يُجْزَ بِهِ فِي الدُّنْيَا.

هرکس بدی در دنیا با آن

۳- مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ.

هرکس برای چیزِ اندک برای چیزِ فراوان

۴- مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.

هرکس کارِ نیکش او را و کارِ بدش او را مؤمن است.

۵- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ.

هرکس دانشی را پاداشِ کسی که به آن عمل کرده از آن اوست و از پاداشِ

عمل کننده

۶- مَنْ فَضَى لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ حَاجَةً كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ عُمُرَهُ.

هرکس برای برادرِ مسلمانِش نیازی را پاداشی دارد همانندِ کسی که همه

عمرش را به خدا



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ بِكَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ.

١- إِنْ جَيِّدًا تَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

☐ تَدْرُسُ ☐ تَدْرُسُ ☐ تَدْرُسُ

٢- مَنْ إِلَى الْآخَرِينَ يُحِبُّهُ اللَّهُ.

☐ يُحْسِنُ ☐ يُحْسِنُ ☐ يُحْسِنُ

٣- إِنْ اللَّهُ تَجِدُهُ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ.

☐ تَدْعُو ☐ تَدْعُ ☐ تَدْعُوا

٤- أَيْنَمَا فَهُوَ نَظِيفٌ جِدًّا.

☐ تَمْشِي ☐ تَمْشُونَ ☐ تَمْشُ

٥- مَا مِنَ الثِّيَابِ أَخْتَرَهَا.

☐ تَخْتَارُ ☐ تَخْتَرُ ☐ تَدْرُسُ

٦- مَنْ عَنْ هَذَا السُّؤَالِ فَهُوَ ذَكِيٌّ.

☐ يُجِيبُ ☐ يُجِيبُ ☐ يُجِبُ

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُكْتُبْ مَقَالَهٗ عَنْ حَيَاةِ أَحَدِ الرُّجَالِ أَوْ النِّسَاءِ الَّذِينَ خَدَمُوا الْعَالَمَ الْبَشَرِيَّ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.



الْمُعْجَمُ

كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ إِلَى الْخَادِي عَشَرَ

توجّه: کلمات بی‌شماره مربوط به پایه‌های هفتم تا دهم هستند.
یادگیری **فعل** در هر زبانی مهم‌تر از انواع دیگر کلمه است،
لذا فعل‌ها با **رنگ قرمز** مشخص شده‌اند تا بهتر جلب توجه کنند.

آتی (مضارع: **يُؤْتِي**): داد = أعطى ۱۱
 آتایی، آت: آینده، درحال آمدن
آفر (مضارع: **يُؤْفِر**): برگزید و برتری داد ۳
 آآخر: دیگر
 آآخر: پایان
 آآلة: دستگاه «جمع: آلات»
 آآله الطباغة: دستگاه چاپ
آمن (مضارع: **يُؤْمِن**): ایمان آورد
 آآمین: ایمن، در امان
 آه: آه
 آ: آیا
آآلب (آبو، آبا، آبی): پدر «جمع: آباء»
آبتدأ (مضارع: **يَبْتَدِئُ**): شروع شد
آبتدع: نوآوری کرد ۱۲
 آآلبتسام: لبخند، لبخند زدن
آبتعد: دور شد
آبتغى (مضارع: **يَبْتَغِي**): خواست
آبصر: دید، نگاه کرد
 آآبطال: قهرمانان «مفرد: بطل»
آبطل: باطل کرد ۵
 آآلیل: شتران
 آآلین: پسر، فرزند «جمع: آبناء، بَنَوَ»
 آآبن آدم: آدمزاد
 آآلبنة: دختر «جمع: بنات»
 آآلبیض: سفید
آبتغ: پیروی کرد ۳
 آآلتجاه: جهت
 آآلتصالات: مخابرات
آبتصل: با...تماس گرفت
آتقی (مضارع: **يَتَّقِي**): پروا کرد ۴
آتی **پ** (مضارع: **يَأْتِي** **پ**): آورد ۵
 آآلنیان **پ**: آوردن ۵
آآاز (مضارع: **يُثِيرُ**): برانگیخت
آآبت: بر جای بداشت، ثابت کرد
 آآآیری: تاریخی
 آآلثم: گناه = ذنب ۱۱
 آآلثناء: میان ۷
 آآناعشر: دوازده
 آآنان، آآنین: دو
 آآلثنین، یومُ الآثنین: دوشنبه
آجاب عن (مضارع: **يُجِيبُ عَنْ**): به... پاسخ داد
 آآلجاءات: اقدامات
 آآلجل: گرانقدرتر
 آآلجود: بخشنده تر، بخشنده ترین
آحب (مضارع: **يُحِبُّ**): دوست داشت

آآحب **إلى**: محبوب ترین نزد
 آآجبة: یاران «مفرد: حبیب»
آآترق: آتش گرفت
آآترم: احترام گذاشت
آآتفظ: نگاه داشت
آآتقل: جشن گرفت
آآتقر: خوار کرد
آآتوی (مضارع: **يَحْتَوِي**):
 در بر داشت
 آآآلیال: فربیکاری، چاره جویی ۴
آآلحد: یکی از، کسی، یکتا، تنها
 آآد: یکی از
 آآلحد، یومُ الآحد: یکشنبه
آآدت: پدید آورد ۲
 آآدعشر: یازده
 آآدی: یکی از
 آآلحسن: بهتر، بهترین
آآسن: خوبی کرد
آآسنت: آفرین بر تو
آآصى (مضارع: **يُحْصِي**): شمرد
 آآلحل: حلال تر، حلال ترین ۸
 آآلأمر: سرخ
آآبا (مضارع: **يُحْيِي**): زنده کرد
 علمُ الآحباء: زیست شناسی
 آآلأخ (أخو، آخا، آخی): برادر، دوست
 «جمع: الآخوة و الآخوان»
آآبر: خبر داد ۳
 آآلأخت: خواهر «جمع: الآخوات»
آآتار (مضارع: **يَخْتَارُ**): برگزید
آآتبر: آزمایش کرد
آآتزع: اختراع کرد
آآد: گرفت، برداشت، بُرد، شروع کرد
آآد **بنادی**: شروع کرد به صدا زدن ۴
آآرج: درآورد
 آآلأخری: دیگر
 آآلأخضر: سبز
آآلأصل: اخلاص ورزید
 آآلأداء: به جا آوردن
 آآلأداة: ابزار «جمع: أدوات»
آآار (مضارع: **يُدِيرُ**): چرخاند، اداره کرد
 إدارةُ المُرور: اداره راهنمایی و رانندگی
آآخر (مضارع: **يَذْخِرُ**): ذخیره کرد
آآخل: داخل کرد
آآدی (مضارع: **يُؤْذِي**): ایفا کرد، منجر شد
 إذ: آنگاه
 إذا: هرگاه، اگر
آآذب: گناه کرد ۷
 آآلأزائل: فرومایگان

آآربعاء: یومُ الأربعاء: چهارشنبه
آآربعة: أربع: چهار
آآربعون: أربعين: چهل
آآربط: ارتباط داشت
 آآردية: اردو ۹
 آآرذل: فرومایه تر
آآرسل: فرستاد = بَعَثَ
آآرشد: راهنمایی کرد
 آآلأرض: زمین «جمع: الأراضی»
آآرضع: شیر داد
 آآلأرق: نازک تر ۱۰
 آآرئ جلودا: پوست نازک تر
آآرداد (مضارع: **يَزِدُّ**): زیاد شد
 آآلأزرق: آبی
 آآلأزمة: بحران
 آآلأساءة: بدی کردن
 آآلأسابئة: اسپانیایی ۱۲
آآأسبوع: هفته «جمع: أسابيع»
آآستجاب (مضارع: **يَسْتَجِيبُ**): برآورده کرد ۸
آآسترأح (مضارع: **يَسْتَرِخُ**): استراحت کرد ۲
آآسترأج: پس گرفت
آآستأشار (مضارع: **يَسْتَشِيرُ**): مشورت کرد ۴
آآستشهد: شهید شد، شاهد خواست ۳
آآستضاء (مضارع: **يَسْتَضِيءُ**): روشنایی جست ۱۰
آآسطاع (مضارع: **يَسْتَطِيعُ**): توانست
آآستعان (مضارع: **يَسْتَعِينُ**): یاری جست
آآستعمر (مضارع: **يَسْتَعْمِرُ**): خواستار آبادی شد
آآستغاث (مضارع: **يَسْتَغِيثُ**): کمک خواست
آآستغشى **بئردِه** (**يَسْتَغْشِي**): جامه اش را بر سر کشید
آآستفاد (مضارع: **يَسْتَفِيدُ**): استفاده کرد
آآستقام (مضارع: **يَسْتَقِيمُ**): پایداری کرد ۸
آآستلم: دریافت کرد
آآستمع: گوش داد
آآستودع: سپرد ۱۲
آآستوی (مضارع: **يَسْتَوِي**): برابر است
آآستوزأ (مضارع: **يَسْتَهْزِئُ**): ریشخند کرد ۱۱
آآستهلك: مصرف کرد
آآأسد: شیر «جمع: أسد و أسود»
آآسر: اسیر کرد
آآأسرة: خانواده «جمع: أسر»
آآسرع: شتافت = عَجَلَ ۴
آآسری (مضارع: **يُسْرِئُ**): شبانه حرکت داد
 آآلأسرى: اسیران «مفرد: أسير»
 آآلأسفل: پایین، پایین تر = أَعْلَى ۲
آآأسلم: مسلمان شد
آآأسلوب: شیوه «جمع: أساليب»
 آآلأسوة: الگو

الْأَسُودُ : سیاه

أَشَارَ (مضارع: يُشِيرُ) : اشاره کرد ۹
إِشَارَاتُ الْمُرُورِ: علامت‌های راهنمایی و رانندگی

إِشْتَرَى (مضارع: يَشْتَرِي) : خرید

إِشْتَعَلَ : برافروخته شد ، سوخت ۸

إِشْتَعَلَ : کار کرد

إِشْتَهَى (مضارع: يَشْتَهِي) : خواست = أراد، شاء ۵

أَشْرَكَ : شریک قرار داد

أَصَابَ (مضارع: يَصِيبُ) : اصابت کرد

أَصْبَحَ : شد = صارَ

الْإِصْبَعُ : انگشت «جمع: أصابع» ۹

أَصْحَابُ : دوستان «مفرد: صَاحِب»

أَصْحَابُ الْإِمْنِ : صاحبان شغل‌ها

الْأَصْفَرُ : زرد

الْأَصْلَبُ : سخت‌تر ، محکم‌تر ۱۰

أَصْلَبَ عُوداً : سخت‌چوب‌تر

أَضْلَعَ : درست گرداند ≠ أَفْسَدَ ۴

أَضَاعَ (مضارع: يُضِيعُ) : تباہ کرد

الْإِضَاعَةُ : تباہ کردن

إِضَافَةٌ إِلَى : افزون بر

الْإِضْرَارُ : آسیب زدن

إِضْطَرَّ (مضارع: يَضْطَرُّ) : ناگزیر کرد

أُضْطِرَّ : ناگزیر شد

أَضْمَرَ : پنهان کرد = أَخْفَى ≠ أَظْهَرَ ۴

أَطَاعَ (مضارع: يُطِيعُ) : اطاعت کرد ۹

أَطْرَقَ رَأْسُهُ : سرش را پایین انداخت ۳

أَطْعَمَ : خوراک داد

الْأَطْعَمَةُ : غذاها «مفرد: طَعام»

أَطْلَقَ : رها کرد

الْأَطْوَلُ : بلندتر، بلندترین

الْأَطْيَبُ : خوب‌تر، خوب‌ترین / خوشمزه‌تر ،

خوشمزه‌ترین = أَحْسَنُ، أَفْضَلُ ۸

أَظْهَرَ : آشکار کرد ۵

أَعَانَ (مضارع: يُعِينُ) : کمک کرد

إِعْتَذَرَ : معذرت خواست

إِعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت)

إِعْتَقَدَ : اعتقاد داشت

إِعْتَمَدَ : اعتماد کرد

أَعَجَبَ : در شگفت آورد

الْأَعْجَزُ : ناتوان‌تر، ناتوان‌ترین

الْأَعْصَارُ : گردباد «جمع: أعاصير»

أَعْطَى (مضارع: يُعْطِي) : داد

أَعْلَمَ : آگاه ساخت

الْأَعْلَمُ : داناتر ، داناترین

الْأَعْلَى : بالا ، بالاتر

الْإِغْفَارُ : تیره رنگی ، غبارآلودگی

إِغْتَابَ (مضارع: يَغْتَابُ) : غیبت کرد ۱۱

إِغْتَرَّ (مضارع: يَغْتَرُّ) : فریب خورد ۴

أَغْشَى (مضارع: يُغْشِي) : پوشانید

الْأَغْصَانُ ، الْغُصُونُ : شاخه‌ها «مفرد: الْغُصْنُ» ۸

أَغْلَقَ : بست

أَفَّ : آه ، دلتنگی می‌کنم

الْأَفْضِلُ : شایسته‌گان «مفرد: الْأَفْضَلُ»

إِفْتَقَرَ : فقیر شد

أَفْزَرَ : ترشح کرد

الْأَفْضَلُ : برتر ، برترین «جمع: الْأَفْضَالُ»

إِفْتَدَى (مضارع: يَفْتَدِي) : پیروی کرد ۱۰

إِفْتَرَبَ : نزدیک شد ≠ إِنْتَعَدَ

إِفْتَرَحَ : پیشنهاد کرد

إِفْتَصَدَ : صرفه جویی کرد

الْأَفْرَانُ : همتایان

«مفرد: الْفَرْنُ» ۱۰

أَفْتَحَ : قانع کرد ۶

الْأَلْبَادُ : جگرها «مفرد: الْكَبِدُ» ۱۰

الْأَكْبَرُ : بزرگتر ، بزرگترین

إِكْتَسَبَ : به دست آورد

يَكْتَفِي (مضارع: يَكْتَفِي) : بسنده کرد ۹

أَكَّدَ (مضارع: يُوَكِّدُ) : تأکید کرد

الْأَكْرَاهُ : اجبار

أَكَلَّ : خورد

إِلَّا : به جز، مانده «در ساعت خوانی»

أَلَّا : که نه ... (أَنَّ لَا)

أَلَا : هان ، آگاه باش

إِتَّامَ (مضارع: يَلْتَمِ) : بهبود یافت

إِلْتَمَ : پایبند شد

إِلْتَفَ (مضارع: يَلْتَفِ) : در هم پیچید ۸

إِلْتَفَتَ : توجه کرد ، روی برگرداند

إِلْتَفَ صُورَةً : عکس گرفت

إِلْتَفَى (مضارع: يَلْتَفِي) : دیدار کرد

أَلْفَقَ : پیوند داد ۸

أَلَذِي : کسی که ، که ، چیزی که

أَلَذِينَ : کسانی که ، که

أَلَفَ (مضارع: يُولَفُ) : نگاشت ، به هم

پیوست ، الفت داد ۱

أَلَفَ : هزار «جمع: آلاف»

أَلْفَى (مضارع: يَلْفِي) : انداخت ۹

أَلْفَى مُحَاصَرَةً : سخنرانی کرد ۹

الْأَلَمُ : درد «جمع: الْأَلَام = الْوَجَعُ»

إِلَى : به ، به سوی ، تا

إِلَى اللِّقَاءِ : به امید دیدار

إِلَيْكَ : دور شو ، بگری ، به سوی تو

الْأَمُّ : مادر «جمع: الْأُمّهات»

أُمُّ : یا

أَمَامَ : روبه‌رو ≠ خَلْفَ

الْأَمَانُ : امنيت

الْأُمْتَعَةُ : اسباب و اثاثیه «مفرد: الْمَتَاع» ۳

إِمْتَلَأَ : مالک شد

إِمْرَأُ ، إِمْرُؤُ ، إِمْرَأُ (الْمَرْءُ) : انسان ، مرد

الْأَمْرَاءُ : فرماندهان «مفرد: أمير»

إِمْرَأَةُ (الْمَرْأَةُ) : زن «الْئِثَاءُ: زنان»

أَمْرِيكَا الْوُسطَى : آمریکای مرکزی

أَمْسَ : دیروز

أَمْسَكَ : به دست گرفت و نگاه داشت

أَمَطَرُ : باران بارید

أَمَكَ : امکان دارد

الْأَمِينُ : امانتدار «جمع: الْأَمْنَاءُ»

أَنْ ... : که ... «أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم»

إِنْ : اگر

إِنْ : بیکمان ، حقیقتاً ، قطعاً ، همانا

أَنْ : که

أَنَا : من

الْأَنَاءُ : ظرف

«جمع: الْأَنِيَّةُ، جمع الجمع: الْأَوَانِي»

أَنَارَ (مضارع: يُنِيرُ) : نورانی کرد = نَوَّرَ

الْإِنَارَةُ : نورانی کردن

إِنْبَغَثَ : فرستاده شد

أَنْتَ : تو «مذكر»

أَنْتِ : تو «مؤنث»

أَنْتَ عَلَى الْحَقِّ : حق با شماست

الْإِنْتِاجُ : تولید ، تولید کردن

إِنْتَبَهَ : بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد

إِنْتَصَرَ : پیروز شد

إِنْتَظَرَ : منتظر شد

إِنْتَفَعَ بِـ : از ... سود بُرد

أَنْتَمُ : شما «مذكر»

أَنْتُمَا : شما «مثنی»

أَنْتُنَّ : شما «مؤنث»

إِنْتَهَى (مضارع: يَنْتَهِي) : به پایان رسید ۲

أُنْتَى : زن ، ماده

الْإِنْجِلِيزِيَّةُ : انگلیسی ۹

إِنْخَفَضَ : پایین آمد ≠ إِرْتَفَعَ

أَنْزَلَ : نازل کرد، فرو فرستاد ≠ رَفَعَ

أَنْشَأَ (مضارع: يَنْشِئُ) : پدیدآورد

أَنْشَدَ : سرود

إِنْشِرَاحُ الصَّدْرِ : شادمانی دل ، شکیبایی ۷

أَنْصَتَ : با سکوت گوش فرا داد

الْأَنْصَحُ : اندرگوتر

إِنْطَلَقَ : به حرکت درآمد ۲

إِنْطَوَى (مضارع: يَنْطَوِي) : به هم پیچیده شد ۱

الْأَنْفُ : بینی «جمع: الْأَنْوْفُ»

أَنْفُسُهُمُ : خودشان «مفرد: نَفْسُهُ»

الْأَنْفَعُ : سودمندتر

أَنْفَقَ : انفاق کرد

إِنْفَكَ : باز شد ۳

أَنْقَذَ : نجات داد

أَنْقَرَهُ : آنکارا ۹

أَنْكَرَ : دروغ دانست، انکار کرد ۴

إِنْكَسَرَ : شکسته شد

إِنْهَا : فقط

أَنْى : هرجا ، هروقت ۱۲

أَوْ : یا

أَوْجَدَ : پدید آورد

أَوْحَى (مضارع: **يُوحِي**) : وحی کرد ۷

أُورَثَ : به ارث نهاد ۷

الْأَوْسَطُ : میانه تر ، میانه ترین

أَوْصَلَ : رسانید

أَوْصَى (مضارع: **يُوصِي**) : سفارش کرد ۷

أَوْفَى (مضارع: **يُوفِي**) : وفا کرد ، کامل داد ۱

أَوْفُوا الْكَيْلَ : پیمانه را کامل دهید

الْأُولَى : یکم ، نخستین «مُؤْتَى الْأَوَّلُ»

أُولَئِكَ : آنان

أَهْدَرَ : هدر داد

الْأَهْلُ : خانواده

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ : خوش آمدید

أَيَّ : کدام ، چه

أَيَّ : یعنی ۳

أَيُّهَا : ای «برای مؤنث»

أَبْضًا : همچنین

أَيْنَ : کجا

أَيْنَمَا : هرجا ۱۲

أَيُّهَا : ای «برای مذکر»

ب

بَ : به وسیله

الْبَابُ : در «جمع: **الْأَبْوَابُ**»

بَاتَ - (مضارع: **يَبِيتُ**) : شب را به روز آورد ۱۰

الْبَارِدُ : سرد ≠ **الْحَارُّ**

بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ : آفرین بر تو

بِالْإِشْكَادِ : البته

الْبَالِغُ : کامل

الْبَائِعُ : فروشنده

الْبَيْتُ : پراکندن

بَجَلٌ : گرامی داشت

بِحَاجَةٍ : نیازمند

بَحَثَ عَنْ : دنبال ... گشت

الْبَحْرُ : دریا «جمع: **الْبَحَارُ**»

الْبَحِيرَةُ : دریاچه «جمع: **الْبَحِيرَاتُ**»

بَخَسَ : کم کرد ۳

بَدَأَ : شروع کرد ، شروع شد

الْبِدَايَةُ : شروع ≠ **الْأَنْهَايَةُ**

الْبَدَلُ : جانشین «جمع: **الْبَدَالُ**» ۱

بَدَّلَ : عوض کرد

الْبَدِيعُ : نو (برای نخستین بار)

الْبَذْرُ : دانه «جمع: **الْبُذُورُ**» ۸

الْبَذَلُ : بخشش ۷

الْبِرُّ : نیکی «جمع: **الْإِحْسَانُ**» ۹

الْبِرْدُ : پارچه‌ای راه‌راه از پشم سیاه که خود

را در آن می‌پیچیدند

الْبِرْنَامُجُ : برنامه «جمع: **الْبَرَامِجُ**» ۳

الْبِرِّيُّ : خشکی ، صحرایی

الْبَرِيدُ : پست

الْبُسْتَانُ : باغ «جمع: **الْبَسَاتِينُ**»

بَسَطَ : گستراند

الْبِسْمَةُ : لبخند ۷

الْبَسِيطُ : ساده

الْبَشِيرُ : بشارت

الْبَصَرُ : دیده «جمع: **الْأَبْصَارُ**»

الْبِضَاعَةُ : کالا «جمع: **الْبِضَاعُ**»

الْبَيْطُ : اردک

الْبِطْرَاقِيَّةُ : باتری

الْبِطَاقَةُ : کارت

بِطَاقَةِ بَرِيدِيَّةٍ : کارت پستال

الْبَطْلُ : قهرمان «جمع: **الْبَاطِلَاتُ**»

الْبُطْنُ : شکم «جمع: **الْبُطُونُ**» ۲

الْبُطْنَةُ : شکمپری ، پُر خوری ۱۰

بَعَثَ : فرستاد = **أَرْسَلَ**

بَعْدَ : دور شد ≠ **قَرَبَ**

الْبُعْدُ : دوری ≠ **الْقُرْبُ**

بَعْضٌ ... **بَعْضٌ** : یکدیگر

الْبَعِيدُ : دور ≠ **الْقَرِيبُ**

بَغْتَةً : ناگهان = **فَجْأَةً**

الْبَقَرُ ، **الْبَقَرَةُ** : گاو «جمع: **الْبَقَارُ**»

الْبَقْعَةُ : قطعه زمین «جمع: **الْبِقَاعُ**»

الْبِكَاءُ : گریه کردن

الْبِكْتِيرِيَا : باکتری

بِكَلِّ سُرُورٍ : با کمال میل

بَكَى - (مضارع: **يَبْكِي**) : گریه کرد

بَلٌ : بلکه

بَلَا : بدون

الْبِلَادُ : کشور ، شهرها «مفرد: **الْبَلَدُ**»

الْبَلَدُ : شهر

الْبُلْدَانُ : کشورها «مفرد: **الْبَلَدُ**»

بَلَغَ : رسید

بِمَ : با چه چیزی (بِ + ما)

الْبِنْتُ (ابنة) : دختر «جمع: **الْبَنَاتُ**»

الْبَنَفْسَجِي : بنفش

بَنَى - (مضارع: **يَبْنِي**) : ساخت

بُنِيَ : پسرکم

الْبُومُ : جغد

الْبَهِيمَةُ : چارپا (به جز درندگان)

«جمع: **الْبَهَائِمُ**»

الْبَيْتُ : خانه «جمع: **الْبُيُوتُ**»

الْبَيْتَرُ : چاه «جمع: **الْبَابَارُ**»

بَيْشٌ : بد است ۱۱

الْبَيْضَاءُ : سفید «مؤنث **الْبَيْضُ**» ۵

الْبَيْعُ : فروش ≠ **الْشَّرَاءُ**

الْبَيْتَةُ : محیط زیست

بَيَّنَّ : آشکار کرد ۲

ت

تَابَ (مضارع: **يَتُوبُ**) : توبه کرد ۱۱

تَأَثَّرَ : اثر پذیرفت

تَارَةً : یک بار

التَّاسِعُ : نهم

تَأَلَّفَ : تشکیل شد ۲

تَأَلَّمَ : به درد آمد ۳

التَّالِي : بعدی

التَّبْجِيلُ : گرامی داشتن

تَبَسَّمَ : لبخند زد = **إِشْتَمَّ**

التَّجَرُّدُ : خالی گردانیدن از زوائد ۲

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد ۱۱

تَجَلَّى (مضارع: **يَتَجَلَّى**) : جلوه‌گر شد

تَجَمَّعَ : جمع شد

تَحَالَفَ : هم‌پیمان شد

تَحَتَّ : زیر ≠ **فَوْقَ**

تَحَرَّكَ : حرکت کرد

تَحَسَّنَ : خوب شد

تَحَوَّلَ : دگرگون شد

تَحَرَّجَ : دانش‌آموخته شد (فارغ التحصیل شد)

التَّخْفِيفُ : تخفیف

تَخَلَّصَ : رها شد ۴

تَدَارَكَ : جبران کرد ۷

تَدَخَّرَ : غلتانید ۳

تَدَخَّلَ : دخالت کرد ۶

تَدَكَّرَ : یادآوری کرد

الْأُتْرَابُ : خاک ، ریزگرد

الْأُثْرَاتُ : میراث

تَرَجَّمَ : ترجمه کرد

تَرَدَّدَ : رفت و آمد کرد ۳

تَرَكَّ : ترک کرد

تَرَحَّلَ : لغزید ۳

تَرَزَّزَلُ : لرزید ۳

تَسَاقَطَ : پیدری افتاد

التَّسْجِيلُ : ثبت کردن

تَسْعَةٌ : تسع ، نه

تَسَلَّلَ : آهسته و پنهان رفت ، نفوذ کرد

تَسْلَمُ عَيْنَاكَ : چشمانت سالم بماند

(چشمت بی بلا)

التَّسْلِيمُ : تحویل دادن، سلام کردن

تَصَادَفَ : تصادف کرد

التَّضْحِيَّةُ : فداکاری کردن، قربانی کردن

تَضَمَّنَ : در برگرفت ۳

تَظَاهَرَ بِـ : به ... وانمود کرد ۴

تَعَادَلَ : مساوی شد

تَعَارَفُوا : یکدیگر را شناختند

تَعَالَى : بیا

تَعَايَشَ : همزیستی داشت

التَّعَبُ : خستگی

تَعَجَّبَ : تعجب کرد

تَعَرَّفَ عَلَى : با ... آشنا شد

تَعَلَّمَ : یادگرفت

التَّعَتَّى : مچگری

التَّعْوِضُ : جبران کردن

التَّفَاحُ : سیب

«تَفَاحَةٌ» یک سیب/ جمع: التَّفَاحَاتُ

التَّفْتِيشُ : بازرسی، جست وجو

تَفَرَّقَ : پراکنده شد

تَفَضَّلَ : بفرما

تَفَقَّهَ : آموخت

تَفَكَّرَ : اندیشید ۲

التَّفَقُّدُ : بازنشستگی

التَّقَدُّمُ : پیشرفت

تَقَرَّبَ : نزدیکی جست

تَكَلَّمَ : صحبت کرد = كَلَّمَ، حَدَّثَ، تَحَدَّثَ

تِلْكَ : آن «مؤنث»

التَّحْلِيمُذ : دانش آموز «جمع: التَّلَامِيذُ»

التَّحْلُوتُ : آلودگی

التَّحْلُوبُ : رنگ آمیزی

التَّحْمَالُ : تندیس «جمع: التَّحْمَالِ»

التَّحْمُرُ : خرما «جمع: التَّحْمُورُ»

تَحْمَمَ : کامل کرد ۱۱

تَحَمَّنَى (مضارع: يَتَحَمَّنَى) : آرزو داشت ۱۲

تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب‌های

زشت دادند ۱۱

تَنَاوَلَ : خورد = أَكَلَ

تَنَبَّهَ : آگاه شد

التَّنْظِيفُ : تمیز کردن

التَّوَابُ : بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده ۱۱

تَوَاصَلُوا : به هم پیوستند، با هم ارتباط

برقرار کردند ۱۱

تَوَكَّلَ : توکل کرد

التَّهْمُ : تهمت‌ها «مفرد: التَّهْمَةُ» ۶

التَّهْيِئَةُ : تهیه کردن

التَّيَّارُ : جریان

ث

الثَّالِثُ، **الثَّالِثَةُ** : سوم

الثَّامِنُ، **الثَّامِنَةُ** : هشتم

الثَّانِي، **الثَّانِيَةُ** : دوم

الثَّانِي عَشَرَ، **الثَّانِيَةُ عَشْرَةُ** : دوازدهم

ثَبَّتَ : استوار ساخت ۱۲

الثَّغْلَبُ : روباه «جمع: الثَّغْلَابُ»

الثَّقَافَةُ : فرهنگ

الثَّقِيلُ : سنگین

ثَقِيلَ السَّمْعُ : کم‌شنوا

الثَّلَاثَاءُ، **يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ** : سه‌شنبه

ثَلَاثَةٌ، **ثَلَاث** : سه

ثَلَاثُونَ، **ثَلَاثِينَ** : سی

الثَّلُجُ : برف، یخ «جمع: الثَّلُوجُ»

ثُمَّ : آنجا ۱۲

ثُمَّ : سپس

ثَمَانِيَةٌ، **ثَمَانِي** : هشت

الثَّمَرُ، **الثَّمَرَةُ** : میوه

الثَّوْبُ : جامه «جمع: الثِّيَابُ = الألباس» ۹

ج

جاءَ - (يَجِيءُ) : آمد = أَتَى

الْجَارُ : همسایه «جمع: الْجَارَانُ»

جَازَ - (مضارع: يَجُوزُ) : جایز است

الْجَافُ : خشک

الْجَالِسُ : نشسته

جَالَسَ : همنشینی کرد

الْجَامِعَةُ : دانشگاه

«جمع: الجامعات»

جاهَدَ : جهاد کرد ۱۱

الْجَاهِزُ : آماده

الْجَاهِلُ : نادان «جمع: الْجُهَالُ»

الْجَبَلُ : کوه «جمع: الْجِبَالُ»

الْجَبْنُ، **الْجَبْنَةُ** : پتیر

جَدَّ - (مضارع: يَجِدُ) : کوشید

الْجَدُّ : پدر بزرگ «جمع: الأجداد»

جَدًّا : بسیار

الْجِدَارُ : دیوار «جمع: الْجُدُرُ»

الْجِدَّةُ : مادر بزرگ

الْجَدَلُ : ستیز

الْجَدِيدُ بِالذِّكْرِ : شایان ذکر ۱۲

جَذَبَ - : جذب کرد

الْجَذْعُ : تنه «جمع: الْجَذْعُ» ۲

الْجَذْوَةُ : پاره آتش

جَرَّ - : کشید ۶

جَرَّبَ : آزمایش کرد

الْجُرْحُ : زخم «جمع: الْجُرُوحُ»

جَزَعَ : زخمی کرد

جَزَعَتِ الشَّيْءُ : شمشیر را برکشید

الْجِرَامُ : بیگانه «جمع: الْجُرَامُ» ۱

جَرَّ : کشید، علامت جر داد ۶

جَرَى - : جاری شد ۳

الْجَزَاءُ : پاداش، کیفر

الْجَزُرُ : جزیره‌ها «مفرد: الْجَزِيرَةُ» ۸

الْجَزَرُ : هویج

جَزَى - (مضارع: يَجْزِي) : کیفر کرد

الْجِسْرُ : پُل «جمع: الْجُسُورُ»

الْجُرْحُ : زخم «جمع: الْجُرُوحُ» ۱۰

الْجُشُوبَةُ : تلخ‌کامی ۱۰

جَعَلَ - : قرار داد، گردانید = وَضَعَ

جَفَّ - (مضارع: يَجِفُّ) : خشک شد

الْجَفَافُ : خشکی

جَلَبَ - : آورد

الْجِلْدُ : پوست «جمع: الْجُلُودُ»

جَلَسَ - : نشست = قَعَدَ

الْجُلُوسُ : نشستن

جَلِيسُ السَّوءِ : همنشین بد

الْجِمَارُكُ : گمرک «مفرد: الْجُمْرُكُ»

الْجِمَاعِي : گروهی

الْجِمَالُ : زیبایی ≠ الْقُنْحُ

جَمَعَ - : جمع کرد

الْجَمِيلُ : زیبا ≠ الْقَبِيحُ

الْجَنَاحُ : بال «جمع: الْجَنَاحَةُ» ۲

جَنَّبَ : کنار

الْجَنَّةُ : بهشت

الْجُنْدِيُّ : سرباز «جمع: الْجُنُودُ»

الْجَوُّ : هوا

الْجَوَازُ، **جَوَازُ السَّفَرِ** : گذرنامه

«جمع: الْجَوَازَاتُ»

الْجَوَالُ، **الْهَائِفُ الْجَوَالُ** : تلفن همراه

الْجَوْرُ : ستم = الظُّلْمُ ۳

الْجُوزَةُ : دانه گردو، بلوط و مانند آن ۸

الْجُوعَانُ : گرسنه ۶

الْجُهَالُ : نادان‌ها «مفرد: الْجَاهِلُ»

جَهَّزَ : مجهز کرد

الْجَهْلُ : نادانی ≠ الْعِلْمُ

جَيِّدًا : خوب، به خوبی

ح

الْحَاجَةُ : نیاز «جمع: الْحَوَائِجُ»

الْحَادُ : تیز

الْحَادِي عَشَرَ، **الْحَادِيَةُ عَشْرَةُ** : یازدهم

الْخَاطِئُ : خطاكار
خَافَ - (مضارع: يَخَافُ) : ترسید
 الْخَامِيسَ : الْخَامِسَةُ : پنجم
 الْخَامِيسَ عَشَرَ : الْخَامِيسَةُ عَشْرَةُ : پانزدهم
 الْخَائِقُ : خفه کننده ۸
 الْخَائِبُ : ناامید
 الْخَائِفُ : ترسیده ، ترسان
 الْخَبَّازُ : نانوا
 الْخُبْزُ : نان
خَجَلَ - : شرمند شد ۷
خَدَمَ - : خدمت کرد
خَرَجَ - : بیرون رفت
 الْخَرِيقَةُ : پارچه کهنه
 الْخَرِيفُ : پاییز
 الْخَزَانَةُ : انبار «جمع: الْخَزَائِنُ»
 الْخَزَانَةُ : گنجینه «جمع: الْخَزَائِنُ»
 الْخُسْرَانُ : زیان
 الْخُشْبُ : چوب «جمع: الْأَشْشَابُ»
خَشِعَ - : فروتنی کرد ۲
 الْخَشْيَةُ : ترس = الْخَوْفُ ۹
 الْخِصَالُ : ویژگی‌ها «مفرد: الْخِصْلَةُ»
 خُصَّصَ : اختصاص داد ۱۰
 الْخِصْرُ : سرسبز
 الْخِطَاُ : خطا «جمع: الْأَخْطَاءُ»
 الْخَطَايَا : گناهان ، خطاها «مفرد: الْخَطِيئَةُ»
خَفَضَ : تخفیف داد
 الْخَفِيُّ : پنهان ≠ الظَّاهِرُ ۱۱
 الْخِلَابُ : دلربا
 الْخِلَافُ : اختلاف
 الْخِلَّةُ : دوستی = الْخُبُ ، الصَّدَاقَةُ ، الْوُدُ ۱۰
 خَلَفَ : پشت = وَرَاءُ ≠ أَمَامَ
خَلَقَ - : آفرید
 خُمُسَ : یک‌پنجم
 خُمُسَةً : خُمُسَ : پنج
 الْخُمَيْسُ : يَوْمُ الْخُمَيْسِ : پنجشنبه
خَنَقَ - : خفه کرد ۸
 الْخَوْفُ : ترس ، ترسیدن = الْخَشْيَةُ
 الْخَيْرُ : به تر ، به ترین ، خوبی

د

الدَّاءُ : بیماری = مَرَضٌ ≠ الشِّفَاءُ ، الصِّحَّةُ ۱
 الدَّابُّورُ : ریشه (در اینجا) ۲
دَارَ - (مضارع: يَدُورُ) : چرخید
 الدَّجَاجُ : مرغ
دَخَرَ : غلتانید ۳
 الدَّخَانُ : دود
دَخَلَ - : داخل شد

حَسَنَاءُ الرُّدَاءِ : خوش جامه ۳
 الْحِجَّةُ : زنگ درسی ، قسمت
حَصَدَ - : درو کرد
حَصَلَ عَلَى - : به دست آورد
حَضَّ - : برانگیخت ۳
 الْحَضَارَةُ : تمدن ۹
حَضَرَ - : حاضر شد ۳
حَطَّ - : پایین آورد ۳
 الْحَطَبُ : هیزم
 الْحَطَّ : بخت ۷
حَفَرَ - : کند
حَفِظَ - : حفظ کرد
 حَفْلَةُ الزَّوَاجِ : جشن عروسی
 حَفْلَةُ الْمِيلَادِ : جشن تولد
 الْحَقِيقَةُ : کیف ، چمدان «جمع: الْحَقَائِبُ»
 الْحَكْمُ : داور
حَكَى - : حکایت کرد ۴
حَلَّ - (مضارع: يَحْلِلُ) : حل کرد ، فرود آمد
 الْحَلْوَانِيَّ : شیرینی فروش
 الْحَلْوَاتِ : شیرینی جات
 الْحَلِيبُ : شیر
 الْحَلَامَةُ : کبوتر
حَمَلَ - : برداشت ، وا داشت ۳
 الْحَجَلُ : بار ۷
 الْحَمْلُ : بُرْدَن ، حمل کردن ، برداشتن
حَمَى - (مضارع: يَحْمِي) : نگهداری کرد
 الْحُمَى : تب
 الْحَمِيمُ : گرم ، صمیمی
حَنَ - (مضارع: يَحْنُ) : آرزو کرد ۱۰
 الْحَوَارُ : گفت‌وگو
 الْحَوْتُ : نهنگ ، ماهی بزرگ
 «جمع: الْحَيَاتَانُ» ۲
 حَوْلَ : اطراف
حَوَّلَ : تبدیل کرد
حَوَى - (مضارع: يَحْوِي) : در بر داشت ۱۲
 الْحَيَاءُ : شرم
 الْحَيَّ : زنده «جمع: الْأَحْيَاءُ»
 الْحَيَاةُ : زندگی ≠ الْمَوْتُ
 الْحَيَّةُ : مار ۲
حَبَّرَ : حیران کرد
 حَبْنٌ : هنگامی که
 حِينَذَاكَ : در آن هنگام ۵
 حِينَمَا : وقتی که

خ

الْخَاتَمُ : انگشتر «جمع: الْخَوَاتِمُ»
خَاطَبَ - : خطاب کرد ۱۲

الْحَارَ : گرم ≠ الْبَارِدُ
 الْحَارِسُ : نگهبان «جمع: الْحُرَّاسُ»
 حَارِيسُ الْقُرْمَى : دروازه بان
 الْحَاسِبُ : رایانه «جمع: الْحَوَاسِبُ»
 الْحَافِلَةُ : اتوبوس «جمع: الْحَافِلَاتُ»
حَالَفَ : هم‌پیمان شد ۳
حَاوَلَ : تلاش کرد
 الْحَبَّ : دانه «جمع: الْحَبُوبُ»
 الْحُبُّ : دوست داشتن = الْوُدُ ، الْخِلَّةُ
حَبِطَ - : هدر رفت ۱۱
 الْحَبِلُ : طناب «جمع: الْحَبَالُ»
 الْحَبُوبُ الْمُسَكَّنَةُ : قرص‌های مسکن
 الْحَبِيبُ : دوست ، یار = الصَّدِيقُ ≠ الْعَدُوُّ
 حَتَّى : تا ، تا اینکه
 الْخَبَرَ : سنگ
 «جمع: الْأَحْجَارُ و الْجِجَارَةُ»
 الْحَدَادُ : آهنگر
حَدَّثَ - : اتفاق افتاد
حَدَّثَ : سخن گفت = كَلَّمَ ، تَكَلَّمَ ۴
 الْخُدُودُ : مرز ، مرزها «مفرد: الْخَدَّ»
 الْحَدِيثُ : جدید ، سخن
 الْحَدِيدُ : آهن ۱
 الْحَدِيقَةُ : باغ «جمع: الْحَدَائِقُ»
 حَدِيقَةُ الْخَيْوَانَاتِ : باغ وحش
حَدَّرَ : هشدار داد
 الْخَرْ : آزاد «جمع: الْخَرَارُ»
 الْخَرْبُ : جنگ = الْقِتَالُ
 الْخِرْبَاءُ : آفتابپرست
 الْخَرْجُ : تنگنا (حالت بحرانی) ۱۰
خَرَسَ - : نگهداری کرد ، نگهداری داد
خَرَقَ - : سوزاند ۲
خَرَّكَ : تحریک کرد ، حرکت داد
خَرَّمَ : حرام کرد ۱۱
 الْخَرْيُ : سوزان «مذکرش: الْخَرَّانُ» ۱۰
 الْخَرْيَةُ : آزادی
 الْخَرْيِقَةُ : آتش‌سوزی «جمع: الْخَرَائِقُ»
خَزَنَ - : غمگین شد ≠ قَوَّحَ
 الْخَزِينُ : غمگین ≠ الْمَشْرُور و الْفَرِحَ
 الْحُصَامُ : شمشیر = السَّيْفُ
 حَسَبَ : کافی ، بس ۱۲
حَسِبَ - : پنداشت
 الْحُسْنُ : خوبی ≠ الْقُبْحُ ، الْأَسْوَاءُ
حَسَنَ : نیکو گردانید ۱۱
 الْحُسْنُ ، الْحَسَنَةُ : خوب
 حُسْنُ الْخُلُقِ : خوش اخلاقی
 حُسْنُ الْعَهْدِ : خوش‌پیمانی
 حَسَنًا : بسیار خوب
 الْحَسَنَاءُ : زیبا ۳

الْدُرُّ : مروارید «جمع: الدُّرَر»

الْدِّرَاسَةُ : درس خواندن

الْدِّرَاسِي : تحصیلی

دَرَسٌ : درس خواند

دَرَسٌ : درس داد

دَرَى - (مضارع: يَدْرِ) : دانست = عَلِمَ ۲

دَعَا - (مضارع: يَدْعُو) : با درشتی راند ۳

دَفَعَ - : دورکرد ، پرداخت ، هُل داد

الْدُّكْتُوراه : دکتر ۹

دَلَّ - (مضارع: يَدُلُّ) : راهنمایی کرد

الْدَّلُو : سطل

الْدَّلِيل : راهنما «جمع: الدِّلَلَةُ»

الْدِّمَاغ : مغز ۲

الْدِّمْع : اشک «جمع: الدِّمْعُ»

دَنَا - (مضارع: يَدْنُو) : نزدیک شد = قَرَّبَ

الْدَّوَاء : دارو «جمع: الدَّوَوِيَّة»

الْدِّوَام : ساعت کار

الْدَّوْد ، الدَّوْدَةُ : کرم «جمع: الدِّيدان» ۲

الْدُّور : نقش

الْدُّورَان : چرخیدن

الْدَّوْلَةُ : کشور ، حکومت «جمع: الدَّوُلُ»

دَوْنُ أَنْ : بی آنکه

الْدَّهْر : روزگار

الْدِّين : وام دادن ۷

ذ

ذَا : این «مَنْ ذَا: این کیست؟»

ذات : دارای

ذاق - (مضارع: يَذُوقُ) : چشید

الذَّاكِرَةُ : حافظه

ذَاكَ : آن

الذَّاهِب : رفته

ذَكَرٌ : یاد کرد ≠ نَسِيَ

الذَّكَر : مرد، نر

الذَّكْرَى : خاطره «جمع: الذَّكْرِيَّات»

دَلَّ - (مضارع: يَدُلُّ) : خوار شد

الْدَّلُ : خواری ۱۱

ذُبِكَ : آن «مذگر»

الذَّنْب : دُم «جمع: الذَّنَاب»

الذَّنْب : گناه «جمع: الذَّنُوب»

ذَوَّقَ : چشاندید ۳

الذَّهَاب : رفتن

ذَهَبَ : رفت

الذَّهَب : طلا

الذَّنْب : گرگ «جمع: الذَّنَاب»

الذَّلِيل : دُم «جمع: الذَّلَائِل» = ذَنَب ۲

ر

الرَّايِع : الرَّايِعَةُ : چهارم

الرَّاجِم : رحم کننده

الرَّأْس : سر

الرَّاسِب : مردود

الرَّاعِي : چوپان ، مسئول ۷

الرَّافَةُ : مهربانی ۳

الرَّاقِد : بستری ، خوابیده

رَأَى - (مضارع: يَرَى) : دید

الرَّأْي : نظر ، فکر

الرَّائِخَةُ : بو

الرَّايِع : جالب

رَبٌّ : چه بسا

الرَّبِيع : بهار

رَجَا - (مضارع: يَرْجُو) : امید داشت

الرَّجَاء : امید

رَجَاءٌ : لطفاً

رَجَعَ - : برگشت = عَادَ

الرَّجُل : مرد «جمع: الرُّجَال»

الرَّجُوع : برگشتن

رَجِمَ - : رحم کرد

الرَّحِيس ، رَخِيسَةُ : ارزان ≠ اَلْغَالِي

رَدَّ - (مضارع: يَرُدُّ) : برگردانید

الرَّدَاء : بالاپوش ۳

رَدَّة : تکرار کرد

الرُّزُّ : برنج

رَزَقَ - : روزی داد ۱۰

الرَّزَالَةُ : نامه «جمع: الرِّسَالِ»

رَسَمَ - : نقاشی کرد

الرَّصْدُ النُّجُومِيّ : بررسی حرکات ستارگان ۱۲

الرَّصِيد : اعتبار مالی ، شارژ

الرَّضَا : رضایت

رَضِيَ - (مضارع: يَرْضَى) : راضی شد

رَغِبَ عَنْهُ : از آن رویگردان شد ۳

الرُّفَات : استخوان پوسیده

رَفَضَ - : نپذیرفت = مَا قَبِلَ ۷

رَفَعَ - : بالا بُرد ، برداشت ≠ زَلَّ و اُنْزَلَ

رَقْدٌ - : بستری شد ، خوابید = نَامَ

الرَّقِيق : نازک ۱۰

رَكِبَ - : سوار شد ≠ نَزَلَ

الرُّكْب : کاروان شتر سواران یا اسب سواران

الرُّمَان : انار

الرَّمْل : ماسه «جمع: الرِّمَال» ۲

الرَّوَاتِع : درختان و گیاهان سرسبز ۱۰

الرَّهْط : گروه ۳

الرِّيَاضَةُ : ورزش

الرِّيَاضِيّ : ورزشکار

الرَّيْح : باد «جمع: الرِّياح»

الرَّيْف : روستا «جمع: الرِّيايَف»

الرَّيْسيّ : اصلی

ز

زَادَ - (مضارع: يَزِيدُ) : زیاد کرد ، زیاد شد

زَارَ - (مضارع: يَزُورُ) : دید ، زیارت کرد ۱۲

زَانَ - (مضارع: يَزِينُ) : زینت داد

زَائِدٌ : به اضافه

الزُّبْدَةُ : کره

زُجَاجَةٌ عِطْرٌ : شیشه عطر

زَخْلَقَ : لغزاندید ۲

الزَّرَاعِيّ : کشاورزی

زَرَعَ - : کاشت

زَعَمَ - : گمان بُرد ۱

الزُّعْنَقَةُ : باله ماهی «جمع: الزُّعَانِف» ۲

الزُّقْرَاق : مرغ باران ۲

الزُّكَام : سرماخوردگی

زَكَّى - (مضارع: يَزَكِّي) : پاک گردانید ۹

زَلَزَلَ : لرزاند ۳

الزَّلَل : لغزش و گناه ۶

الزَّمِيل : همشاگردی ، همکار ، همسفر

«جمع: الزَّمَلَاء»

الزُّوجَةُ : همسر «الزُّوج : شوهر»

الزُّهْر : شکوفه ، گل «جمع: الزُّهُار»

الزُّيْت : روغن «جمع: الزُّيُوت»

س

سَسَ : سَوَفَ : نشانه آینده

سَاءَ - (مضارع: يَسُوءُ) : بد شد ، اندوهگین

کرد ۱۱

السَّابِع : السَّابِعَةُ : هفتم

السَّابِق : پیشتاز

السَّاجِد : سَجَدَه کننده

السَّاعَةُ : حیات ، میدان

السَّادِس : السَّادِسَةُ : ششم

سَارَ - (مضارع: يَسِيرُ) : حرکت کرد

سَارَعَ : شتافت ۷

السَّاعَةُ : قیامت ، ساعت ۸

سَاعَدَ : کمک کرد

سَافَرَ : سفر کرد

سَأَلَ - : پرسید ، درخواست کرد

سَامَحَ : بخشید و گذشت کرد

سَاوَى (مضارع: يُساوي) : برابر است

السَّائِح : گردشگر

«جمع: السَّاحِبُونَ و السَّاحِب»
 السَّاقِق : راننده «جمع: السَّاقِق»
 السَّائِل : مایع ، پُرسنده
 سَبَّ - (مضارع: يَسُبُّ) : دشنام داد
 سَبَب : سبب شد
 السَّبْت : یوم السَّبْت : شنبه
 سَبَّحَ - : شنا کرد ۴
 سَبَّحَة : سَبَّح : هفت
 سَبَّعِن ، سَبَّعَوْنَ : هفتاد
 سَبَقَ - : پیشی گرفت
 السَّبَّوْرَة : تخته سیاه
 سَبَر - : پوشاند ، پنهان کرد
 السَّجَاد : فرش «جمع: السَّجَاجِد»
 سَجَدَ - : سجده کرد
 سَجَّلَ : ثبت کرد
 السَّحَاب : ابر
 سَحَبَ - : کشید
 السَّحَاب ، السَّحَابَة : بخشدگی
 سَخِرَ مِنْ - : مسخره کرد ۱۱
 السَّخِرِيَّةُ مِنْ : مسخره کردن ۱۱
 السَّد : سد «جمع: السُّدود»
 السَّدَاد : درستی ۱۰
 السَّدِيد : درست و استوار ۶
 سَرَّ - (مضارع: يَسِرُّ) : شاد کرد = فَرَّحَ ۱۲
 السَّرْوَال : شلوار «جمع: السَّرَاوِل»
 السَّرِير : تخت «جمع: السَّرِيرَة و السَّرِر»
 السَّرْفَر : قیمت «جمع: السَّعَار»
 السَّعِيد : خوشبخت ۷
 السَّفَرَة : سفر
 السَّفَرَة العِلْمِيَّة : گردش علمی
 السَّفِينَة : کشتی «جمع: السُّفُن و السَّفَائِن»
 سَكَتَ - : ساکت شد
 سَلَّ : بپرس (إِسْأَل)
 السَّلَام : آشتی ، سخن آرام ، سلام
 سَلَّمَ - : سالم ماند
 سَلَّمَ : سلام کرد ، تحویل داد
 السَّلْم : صلح ≠ الحَرْب
 سَلَمِيًّا : مُسَالَمَتِ آمیز
 السَّمَاء : آسمان «جمع: السَّمَاوَات»
 السَّمَاءِي : آسمانی
 سَمَحَ - : اجازه داد
 سَمِعَ - : شنید
 السَّمْع : شنوایی
 السَّمَكَة : یک ماهی «جمع: السَّمَكَات»
 السَّمَك : ماهی «جمع: الْأَسْمَاك»
 سَمَكَ الْقُرْشُ : کوسه ماهی
 سَمَى (مضارع: يُسَمِّي) : نامید

السَّن : دندان «جمع: الْأَسْنَان»
 السَّنَة : سال
 «جمع: السَّنَوَات و السَّنَوْنَ و السَّنِينَ»
 سَنَوِيًّا : سالانه
 السَّوَاء : بدی ، بد ≠ الْحُسْن
 سَوَاء : یکسان
 السَّوَار : دستبند «جمع: الْأَسَاوِر»
 السَّوْدَاء : سیاه «مؤنث السَّوَد»
 السُّوق : بازار «جمع: الْأَسْوَاق»
 سَوَى : جُز ۱
 السَّهْل : آسان ≠ الصَّعْب
 السَّهْوَة : آسانی ≠ الصَّعْوَة
 السَّيَاح : پرچین ۸
 السَّيَاحَة : جهانگردی ، گردشگری
 السَّيَارة : خودرو
 سَيَارة الأَجَرَة : تاکسی
 السَّيْد : آقا
 السَّيْدَة : خانم
 السَّيْف : شمشیر «جمع: السُّيُوف»
 السَّيْئ ، السَّيِّئَة : بد

ش

شَاءَ - (مضارع: يَشَاءُ) : خواست
 الشَّابَّ : جوان «جمع: الشَّباب» = أَلْفَتَى
 الشَّارِع : خیابان «جمع: الشَّوَارِع»
 شَارَكَ : شرکت کرد ۱۰
 الشَّاطِئ : ساحل «جمع: الشَّوَاطِئ»
 شَاوَر : مشورت کرد ۷
 شاهَدَ : دید
 الشَّاهِي : چای
 الشَّباب : دورهٔ جوانی ، جوانان
 «مفرد: الشَّاب»
 شَجَّ - : سیر شد ۲
 الشَّجَب : سیری ۱۰
 الشَّجَبَة : تور
 الشَّجَاء : زمستان
 شَتَّان : دور شد
 الشَّجَر : درخت «جمع: الْأَشْجَار»
 الشَّجَرَة : یک درخت «جمع: الشَّجَرَات»
 شَجَّعَ : تشویق کرد
 الشَّجْعَان : دلاوران «مفرد: الشَّجَاع» ۱۰
 شَخَنَ - : شارژ کرد
 الشَّخَن : شارژ کردن
 الشَّيْذَة : گرفتاری «جمع: الشَّيْذَات»
 الشَّرَاء : خریدن «متضاد: الْبَيْع»
 الشَّرَاب : نوشیدنی ، شربت «جمع: الشَّرَبَة»
 شَرَبَ - : نوشید

شَرَحَ - : شرح داد
 الشَّرَفَة : زبانه آتش
 الشَّرِيف : ملافه «جمع: الشَّرَاف»
 الشَّرْطَة : ادارهٔ پلیس
 الشَّرْطِي : پلیس
 شَرَفَ : مشرّف فرمود ، افتخار داد
 الشَّرَكَة : شرکت «جمع: الشَّرَكَات»
 شَرَى - (مضارع: يَشْرِي) : فروخت ، خرید
 الشَّرِيحَة : سیم کارت
 الشَّعْب : ملت «جمع: شُعوب»
 شَعَرَ بِ - : احساس...کرد
 شَفَا - (مضارع: يَشْفِي) : شفا داد ۹
 شَقَى - (مضارع: يَشْقِي) : شکافت
 الشَّقَاوَة : بدبختی ≠ السَّعَادَة
 شَكَا - (مضارع: يَشْكُو) : شکایت کرد
 شَكَرَ - : تشکر کرد
 شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار سپاسگزارم
 شَكَّلَ : تشکیل داد ۹
 الشَّلَال : آبشار «جمع: الشَّلالات»
 شَمَ - (مضارع: يَشُمُّ) : بویید
 الشَّمَال : چپ = الَّتِيَار ، ≠ الَّتِيْمَن ۲
 الشَّمْس : خورشید «جمع: الشَّمُوس»
 الشَّهَادَة : مدرک ۹
 شَهِدَ - : شاهد بود ، شهادت داد
 الشَّهْد : عسل
 الشَّهْر : ماه «جمع: الشُّهُور و الشُّهُر»

ص

الصَّاحِب : دوست
 «جمع: الْأَصْحَاب» = الصَّدِيق ≠ الْعَدُو ۴
 صَادَ - (مضارع: يَصِدُّ) : شکار کرد ۲
 الصَّادِق : راستگو ≠ الْكَاذِب
 صَارَ - (مضارع: يَصِيرُ) : شد = أَصْبَحَ
 الصَّالِح : درستکار
 صَبَاح الْغَيْر : صباح النور : صبح به‌خیر
 الصَّخَة : تندرستی = السَّلَامَة ≠ الْمَرَض
 الصَّخَاوَة : کوری
 الصَّحِيْفَة : روزنامه «جمع: الْصُحُف»
 الصَّحِيْفَة الْجَدَارِيَّة : روزنامه دیواری
 الصَّدَاع : سردرد
 الصَّدَاقَة : دوستی
 الصَّدْر : سینه «جمع: الصُّدُور»
 صَدَّقَ - : راست گفت ≠ كَذَبَ
 صَدَّقَ : باور کرد
 الصَّدِيق : دوست
 «جمع: الْأَصْدِيقَاء» ≠ الْعَدُو
 صَرَخَ - : فریاد زد

صَعَدَ - بالا رفت ≠ نَزَلَ
الصَّغَرُ : کوچکی ≠ **الْكِبَرُ**
الصَّغِيرُ : کوچک ≠ **الْكَبِيرُ**
الضُّفَى : کلاس «جمع: الضُّفُوف»
الضُّفَارَةُ : سوت، آذیر
الضُّفْعَةُ : یک روی پیزی
«صَفَحَاتُ الْوُجْهِ» همه جای چهره « ۴
صَفَرٌ - : سوت زد
الصُّفَى : برگزیده «جمع: الْأَصْفَاء»
الصَّلَاةُ : نماز
صَلَحَ : تعمیر کرد
صَلَّى (مضارع: **يُصَلِّي**) : نماز خواند ۳
الصُّنَاعَةُ : صنعت
الصُّنَاعِيَّةُ : صنعتی
صَنَعَ - : ساخت
الصُّورَةُ : عکس «جمع: الصُّوَر»
الصُّومُ : روزه
صَهٌ : ساکت شو = أَصْغَتْ
الصَّيَامُ : روزه
الصَّيَانَةُ : نگهداری، تعمیر
الصَّيْدَلِي : داروفروش
الصَّيْدَلِيَّةُ : داروخانه
صَيَّرَ : گردانید
الصَّيْفُ : تابستان
الصَّيْنُ : چین

ض

ضَاعَ - (مضارع: **يَضِيعُ**) : تباه شد، گم شد
ضَاقَ - (مضارع: **يَضِيقُ**) : تنگ شد ۳
ضَحِكَ - : خندید ≠ بگی
ضَحَى (مضارع: **يُضْحِي**) : فداکاری کرد، قربانی کرد
ضَرَبَ - : زد
ضِعْفٌ : برابر در مقدار «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»
الضُّعْفَةُ : ناتوان‌ها «جمع الضُّعُف» ۷
الضُّغْطُ : فشار
ضَغْطُ الدَّمِ : فشار خون
الضُّوءُ : نور «جمع: الْأَضْوَاء»
الضُّبَاءُ : روشنائی
الضُّبَافَةُ : مهمانی
الضُّيْفُ : مهمان «جمع: الضُّيُوف»

ط

طَارَ - (مضارع: **يَطِيرُ**) : پرواز کرد ۲
الطَّارِجُ : تازه
الطَّاقَةُ **الْكَهْرِبَايَّةُ** : نیروی برق

الطَّالِبُ : دانش آموز، دانشجو

«جمع: الطَّالِبُ»

الطَّائِرُ : پرنده «جمع: الطَّيُور» = **الطَّيْرُ**
الطَّائِرُ الطَّنَانُ : مرغ مگس، مرغ مگس‌خوار،

مرغ زربین پر ۲

الطَّائِرَةُ : هواپیما «جمع: الطَّائِرَات»

طَبُّ الْعُيُونِ : چشم‌پزشکی

الطَّبَّاحُ : آشپز

طَبَخَ - : پخت

طَبَخَ - : چاپ کرد

طَرَدَ - : با تندی راند

طَرَّقَ - : کوبید

الطَّعَامُ : خوراک «جمع: الطَّعِيمَةُ»

الطَّغْمُ : خوراکی ۱۰

الطُّفُولَةُ : کودکی

طَلَّبَ - : درخواست کرد

الطَّمْرُ : جامه کهنه «جمع: الأطمار» ۱۰

الطَّنُ : تن «جمع: الطَّنَان» ۲

الطَّنَانُ : طنین‌انداز ۴

الطَّنْطَنَةُ : بانگ، سر و صدا ۴

الطَّيْنُ : صدای زنگ یا بال پرنده و مانند

آن ۲

طَوَّبَى ل: خوشا به حال ۶

الطَّيَّارُ : خلبان

الطَّيْرُ : پرنده

الطَّيْنُ : گل ۱

الطَّيْنَةُ : گل، سرشت ۱

ظ

الظَّاهِرَةُ : پدیده «جمع: الظَّواهر»
ظَلَّ - (مضارع: **يَظَلُّ**) : دوام یافت، ماندگار شد، ماند ۱

الظَّلَامُ : تاریکی ≠ **الضُّوءُ**

ظَلَمَ - : ستم کرد

الظُّلْمَةُ : تاریکی «جمع: الظُّلُمَات»

الظُّلْمَةُ : ستمگران «مفرد: ظالم» ۲

ظَنُّ - (مضارع: **يَظُنُّ**) : گمان کرد

ظَهَرَ - : آشکار شد

الظُّهَيْرُ : پشتیبان ۵

ع

عَابَ - (مضارع: **يَعِيبُ**) : عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد ۱۱

عَادَ - (مضارع: **يَعُوْدُ**) : برگشت = رَجَعَ

العَادي : دشمن

«جمع: الْعُدَاةُ = الْعَدُوُّ»

عَادَ - (مضارع: **يَعُوْدُ**) : پناه برد

عَارَضٌ : مخالفت کرد = خَالَفَ ۱۰

عَاشَ - (مضارع: **يَعِيشُ**) : زندگی کرد

العَاشِرُ، **الْعَاشِيَةُ** : دهم

الْعَاصِفَةُ **الْتَّوَابِيَةُ** : توفان‌های ریزگرد

«جمع: الْعَوَاصِفُ الْتَّوَابِيَةُ»

العَالَمُ : جهانی

العَالَمِيّ : جهانی

العَالَمِيْنِ : جهانیان

الْعَامُ : سال «جمع: الْأَعْوَام = السَّنَةُ»

الْعَامُ **الدَّرَاسِيّ** : سال تحصیلی

= **السَّنَةُ** **الدَّرَاسِيَّةُ**

الْعَامِلُ : کارگر، کارگزار «جمع: الْعَمَال»

عَانِي (مضارع: **يُعَانِي**) : رنج برد

الْعَائِلُ : تهی‌دست = **الْفَقِيرُ**، **الْمِسْكِينُ** ۱۰

الْعِبَادَةُ : چادر

الْعَبْدُ : بنده «جمع: الْعِبَاد»

عَبَرَ - : عبور کرد

عَبْرٌ : از راه

الْعَبْرَةُ : پند «جمع: الْعِبَر»

الْعَتِيقُ : کهنه ≠ **الْخَدِثُ** و **الْجَدِيدُ**

الْعَجَبُ : خودپسندی

عَجَزَ - : ناتوان شد

الْعَجِيزُ : خمیر

عَدَّ - (مضارع: **يَعُدُّ**) : به‌شمار آورد، شمرَد ۲

الْعِدَاوَةُ : دشمنی ≠ **الْصَّدَاقَةُ**

الْعَدُوُّ : دشمن

«جمع: الْأَعْدَاءُ ≠ الصُّدُوق»

الْعُدُوَانُ : دشمنی ≠ **الْصَّدَاقَةُ**

عَدَبَ : شکنجه داد ۱۱

الْعَزَبَةُ : واگن، گاری، چرخ

عَرَضَ : در معرض گذاشت ۶

الْعُرْضُ : ناموس، آبرو «جمع: الْأَعْرَاض»

عَرَفَ - : شناخت، دانست

عَرَفَ : شناساند، معرفی کرد

الْعِرْزُ : ارجمندی

الْعَزْلُ : برکنار کردن

عَزَمَ - : تصمیم گرفت

عَسَى : شاید = رُبَّمَا ۱۰

الْعُشُّ : لانه «جمع: الْأَعْشَاش»

الْعَشَاءُ : شام

الْعُشْبُ **الطَّبِيّ** : گیاه دارویی

«جمع: الْأَعْشَابُ الطَّبِيَّةُ»

عَشْرٌ، **عَشْرَةٌ** : ده

عِشْرُونَ، **عِشْرَيْنِ** : بیست

الْعِشْرُونَ، **الْعِشْرَيْنِ** : بیستم

الْعَشِيَّةُ : آغاز شب

عَصَفَ - : وزید

أَلْعَصْفُورُ : گنجشک «جمع: أَلْعَصَافِر»
 أَلْعُصُورُ : روزگاراها «مفرد: عَصْر»
 عَصَى - (مضارع: يَعْصِي) : سرپیچی کرد
 عَصِيرُ الْفَاكِهِةِ : آبمیوه
 عَطَّرَ : عطر زد
 أَلْعَطْشَانُ : تشنه
 «جمع: أَلْعَطْشَى و أَلْعِطَاش» ٦
 أَلْعُطْلَةُ : تعطیلی
 أَلْعُظْمُ : استخوان «جمع: أَلْعِظَام» ١
 عَفَا - (مضارع: يَعْفُو) : بخشید
 عَفْوًا : ببخشید
 عَقَلَ - : اندیشید
 عَلِمَ - : دانست ، یقین یافت = دَرَى
 أَلْعَلَمَ : پرچم ، نشانه «جمع: أَلْأَعْلَام»
 عَلَى : بر ، روی
 عَلَى الْبَيْسَارِ : سمت چپ
 عَلَى الْيَمِينِ : سمت راست
 عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان
 عَلَيْكَ بِ... :
 بر تو لازم است...، تو باید ...
 أَلْعَمَّ : عمو «جمع: أَلْأَعْمَام»
 أَلْعِبَارَةُ : ساختمان = أَلْبِنَاءُ
 عَمَرَ - : آباد کرد ١١
 عَمِلَ - : انجام داد، کار کرد
 أَلْعَمُودُ : ستون «جمع: أَلْأَعْمِدَةُ»
 أَلْعَمِيلُ : مزدور «جمع: أَلْعَمَلَاءُ»
 عَنَ : درباره ، از
 أَلْعَنْبُ : انگور «جمع: أَلْأَعْنَابُ»
 عِنْدَ : هنگام ، نزد، کنار، داشتن
 عِنْدَمَا : وقتی که
 عَنَى - (يَعْنِي) : اراده کرد و خواست ١
 أَلْعُودُ : تَرکَة چوب
 «جمع: أَلْأَعْوَاد و أَلْعِيدَان» ١٠
 عَوَّدَ : عادت داد ٦
 عَوَّضَ : جبران کرد
 أَلْعَوْنُ : یاری ، یاور ٧
 أَلْعَيْنَشُ : زندگی
 أَلْعَيْنُ : چشم، چشمه
 «جمع: أَلْعُيُون و أَلْأَعْيُن»
 عَبَّنَ : مشخص کرد

غ

أَلْغَابَةُ : جنگل
 أَلْغَاظَةُ : حمله
 أَلْغَازُ : گاز ٨
 أَلْغَالِي : گران ≠ أَلْرَخِصِ
 أَلْغَابَةُ : پایان ، هدف

عَدَا : فردا
 أَلْعَدَاءُ : ناهار
 أَلْعِدَادَةُ : آغاز روز ≠ أَلْعَشِيَّةُ
 أَلْعَرَابُ : کلاغ «جمع: أَلْعِرَابَان»
 أَلْعَرْتَى : گرسنگان «مفرد: أَلْعَرْتَان» ١٠
 عَرَسَ - : کاشت ٨
 أَلْعَرَسُ : نهال ٨
 أَلْعُرْفَةُ : اتاق «جمع: أَلْعُرُفُ»
 عَرَقَ - : غرق شد
 أَلْعُرَالُ : آهو «جمع: أَلْعُرَالَان»
 أَلْعَزِيرُ : فراوان از هر چیز (برای مایعات) ١
 أَلْعَسَالَةُ : لباسشویی
 غَسَلَ - : شست
 أَلْغِشَاءُ : پرده ، پوشش جانوران و گیاهان
 «جمع: أَلْأَغْشِيَّة» ٢
 أَلْعِشْنُ : شاخه
 «جمع: أَلْعُشُون و أَلْأَغْصَان»
 عَضِبَ - : خشمگین شد
 أَلْعُضْبَانُ : خشمگین
 «جمع: أَلْعُضْبَى و أَلْغِضَاب» ٦
 غَطَى (مضارع: يَغْطِي) : پوشاند
 غَفَرَ - : آمرزید
 غَلَبَ - : چیره شد
 غَنَمَ - : بی رنج دست یافت ١٢
 غَنَى (مضارع: يَغْنَى) : آواز خواند
 غَمِرَ : تغییر داد
 أَلْعِغَمُ : ابر «مترادف: أَلْسَحَابُ»

ف

فَدَ : پس ، و
 فَاتَ - (مضارع: يَفُوتُ) : از دست رفت ١٠
 فَاَزَ - (مضارع: يَفُوزُ) : رستگار شد ، برنده شد ١
 أَلْفَاعِلُ : انجام دهنده
 فَاَقَ - (مضارع: يَفُوقُ) : برتری یافت
 أَلْفَاكِهِةُ : میوه «جمع: أَلْفَوَاكِه»
 أَلْفَالِقُ : شکافته ٨
 أَلْفَاظَرُ : برنده
 فَتَحَ - : باز کرد ≠ أَلْغَلَقَ
 فَتَشَ : جست و جو کرد
 أَلْفَتَى : جوان ، جوانمرد «جمع: أَلْفِتِيَّة و أَلْفِتِيَان» = أَلشَّابُ ١٠
 أَلْفِتِيَّةُ : جوانان
 «مفرد: أَلْفَتَى» = أَلشَّبابُ ١٠
 فَجَاءَ : ناکهان
 فَحَصَ - : معاینه کرد
 أَلْفَحْصُ : معاینه کردن
 أَلْفَحْرِيَّةُ : افتخاری ٩

أَلْفَرَاغُ : جای خالی
 فَرَجَ عَنِ الْمَكْرُوبِ : اندوه غمگین را زدود
 فَرَحَ - : خوشحال شد
 أَلْفَرَحُ : شاد = أَلْمَشْرُور
 ≠ أَلْحَزِينُ و أَلْمَحْزُونُ
 أَلْفَرَحَانُ : خوشحال = أَلْمَشْرُور، أَلْفَرَحُ ≠ أَلْحَزِينُ، أَلْمَحْزُونُ
 أَلْفَرَحُ : جوجه «جمع: أَلْفَرَاح»
 أَلْفَرَسُ : اسب «جمع: أَلْأَفْرَاس»
 أَلْفُرْشَاةُ : مسواک
 فَرَضَ : واجب کرد ٧
 فَرَغَ - : خالی شد
 فَرَّقَ : جدایی انداخت
 أَلْفَرَنْسِيَّةُ : فرانسوی ٩
 أَلْفَرِيْسَةُ : شکار، طعمه «جمع: أَلْفَرَانِس» ٢
 أَلْفَرِيْصَةُ : واجب دینی «جمع: أَلْفَرَائِض»
 أَلْفَرِيقُ : تیم ، گروه «جمع: أَلْأَفْرِقَةُ»
 أَلْفُرْسَتَانُ : پیران زنانه «جمع: أَلْفُرسَاتِين»
 أَلْفُسْتُقُ : پسته
 أَلْفُسُوقُ : آلوده شدن به گناه ١١
 أَلْفُسِيلَةُ : نهال ٨
 أَلْفُصِيحُ : سخن آشکار و بی عیب ، سخنور ٣
 أَلْفُصَّةُ : نقره
 أَلْفُضَحُ : رسوا کردن ١١
 أَلْفُضَّلُ : برتری ، فرونی
 فُضِّلَ : ترجیح داد ، برتری داد ١
 أَلْفُطُورُ : صبحانه
 فَضَّلَ - : انجام داد
 أَلْفُفْعَلُ : کار ، انجام دادن «جمع: أَلْأَفْعَالُ»
 فَفَعَّ - : از دست داد
 فَكَّ - (مضارع: يَفْكُكُ) : باز کرد ، رها کرد
 فَكَّرَ : فکر کرد
 أَلْفَلَاةُ : بیابان «جمع: أَلْفَلَوَات»
 أَلْفَلَاخُ : کشاورز
 فَلَتَنَةُ السَّيَانِ : لغزش زبان از نیندیشیدن ٤
 أَلْفَلَكِي : ستاره شناس ١٢
 أَلْفِلْمُ : فیلم «جمع: أَلْأَفْلَام»
 أَلْمَمُ : دهان «جمع: أَلْأَفْوَاه»
 أَلْفُنْدُقُ : هتل «جمع: أَلْفَنَادِقُ»
 فَوَّقَ : بالا ، روی ≠ تَحْتُ
 فَهَمَ - : فهمید
 فِي : در ، داخل
 فِي أَمَانِ اللَّهِ : خدا حافظ
 أَلْفِيزِيَاءُ : فیزیک ١٢

ق

قَابَلَ : روبه رو شد ، مصاحبه کرد = وَاجَهَ ٩

قَاتَلَ : جنگید

قَادَ (مضارع: **يَقْدُو**) : به دنبال کشید ،

فرماندهی کرد ۱۰

أَلْقَادِم : آینده

قَارَبَ : نزدیک شد ۹

قَاسَ - **يَقِيسُ** : مقایسه کرد ۸

أَلْقَاصِم : درهم شکننده ۲

أَلْقَاطِع : بُرنده

قَاطِعُ الرِّجَم : بُرنده پیوند خویشان

أَلْقَاعَةُ : سالن = **الضَّالَّة**

أَلْقَافِلَةُ : کاروان «جمع: **أَلْقَوَالِف**»

قَالَ (مضارع: **يَقُولُ**) : گفت

قَالَ فِي نَفْسِهِ : با خودش گفت

قَامَ (مضارع: **يَقُومُ**) : برخاست

قَامَ بِ : اقدام کرد ، انجام داد

أَلْقَائِد : رهبر «جمع: **أَلْقَادَة**»

أَلْقَائِل : گوینده ۳

أَلْقَائِم : استوار ، ایستاده

أَلْقَائِمَةُ : لیست

أَلْقَبَةُ : گنبد

أَلْقُبُح : زشتی ≠ **أَلْجَمَال**

قَبِلَ - **يَذِيرُفَت**

قَبِلَ : بوسید

قَبِلَ أَسْبُوع : هفته قبل

أَلْقَبِیح : زشت ≠ **أَلْجَمِیل**

أَلْقَتَال : جنگیدن ، جنگ = **أَلْخَرْب** ۳

قَتَلَ : کشت

أَلْقَدَ : پوشش ۱۰

قَدَّ : بر سر مضارع به معنای گاهی ، شاید

است.

«قَدَّ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» ۱۱

قَدَّ : بر سر ماضی مفهوم ماضی نقلی را در

فارسی دارد.

قَدَرَ - **تَوَانَسَتْ** = **اِسْتِطَاعَ**

قَدَرَ : برآورد کرد ، مقایسه کرد ۲

قَدِمَ - **رَوَى** آورد ۳

قَدَّمَ : از پیش فرستاد ۱۲

أَلْقَدَم : پا «جمع: **أَلْقَادِم**»

قَدَفَ - **اِنْدَاخَتْ**

قَرَأَ - **خَوَانَد**

قَرَبَ مِنْ : به... نزدیک شد ≠ **بَعَدَ عَنْ**

قَرَّرَ : قرار گذاشت

أَلْقَرُص : کرده نان

«جمع: **أَلْقَارِص**» ۱۰

أَلْقِرْن : همتا «جمع: **أَلْقِرَان**» ۱۰

أَلْقَرِيبَ مِنْ : نزدیک به ≠ **أَلْبَعِيدَ عَنْ**

أَلْقَرَبَةُ : روستا «جمع: **أَلْقَرَى** = **أَلْرَيف**»

قَسَمَ : تقسیم کرد

قَسَى (مضارع: **يَقْسِي**) : سفت و سخت کرد ۷

أَلْقَشَر : پوست

قَصَدَ - **قَصَدَ** : قصد داشت ۳

أَلْقَصِير : کوتاه

قَضَاءُ الْعَطَلَاتِ : گذراندن تعطیلات

قَفَى - (مضارع: **يَقْفِي**) : پرداخت ۹

أَلْقَطَ : گریه

قَطَعَ - **بُرِید**

أَلْقُطُن : پنبه

قَعَدَ - **نَشَسَتْ** = **جَلَسَ** ۱۰

قَعَدَ بِ - **نَشَانِید** = **أَجَلَسَ** ۱۰

قَفَا (مضارع: **يَقْفُو**) : پیروی کرد ۶

قَفَرَ - **پَرِید** ، جهش کرد

أَلْقَفَرَةُ : پرش ۲

قَلَّ - (مضارع: **يَقِلُّ**) : کم شد ≠ **كَثُرَ**

أَلْقَلَّة : کمی ≠ **أَلْكَثَرَةُ**

أَلْقَلِيل : کم ≠ **أَلْكَثِير**

أَلْقَمَح : گندم

أَلْقَمَر : ماه «جمع: **أَلْقَمَار**»

أَلْقَمِص : پیراهن «جمع: **أَلْقَمِصَان**»

قَنَعَ - **خَرَسَنَد** شد ، قانع شد ۱۰

أَلْقَوَت : خوراک = **أَلطَّعَام** ۱۰

أَلْقُول : گفتار «جمع: **أَلْقَوَال**»

أَلْقِيَام : برخاستن

أَلْقِيم : ارزشمند

أَلْقِيمَةُ : ارزش ، قیمت «جمع: **أَلْقِيم**»

ک

ک: مانند

ک: تَت ، - تو «مذکر»

ک: تَت ، - تو «مؤنث»

أَلْكَاتِب : نویسنده

كَادَ - (مضارع: **يَكَادُ**) : نزدیک بود که

أَلْكَاس : جام ، لیوان

كَانَ - (مضارع: **يَكُونُ**) : بود

كَأَنَّ : گویی ، انکار

أَلْكَابِر : گناهان بزرگ

«مفرد: **أَلْكَابِرَةُ**» ۱۱

أَلْكَبِد : جگر «جمع: **أَلْأَكْبَاد**» ۱۰

كَبِرَ : بزرگ شد ≠ **صَغَرَ** ۴

كَبِرَ : بزرگ شمارد ، بزرگ کرد ۱۱

أَلْكَبَر : بزرگسالی ≠ **أَلْصَغَر**

كَبُرَتْ خِيَانَةُ : خیانتی بزرگ است ۴

أَلْكَبِير : بزرگ ≠ **أَلْصَغِير**

أَلْكَابَةِ : نوشتن

كَتَبَ : نوشت

كَتَبَ عَلَى : واجب کرد ۹

كَتَمَ : پنهان کرد

كَثُرَ : زیاد شد ≠ **قَلَّ**

أَلْكَثِير : بسیار ≠ **أَلْقَلِيل**

كَذَّبَ : دروغ شمارد ۳

كَذَّبَ - **دَرُوع** گفت ≠ **صَدَقَ**

كذلك: همین‌طور

أَلْكَرَامَةُ : بزرگواری

أَلْكَرَةُ : توپ

كُرَةُ الْقَدَم : فوتبال

كُرَةُ الْمَنْصَدَةِ : تنیس روی میز

كَرَّرَ : تکرار کرد ۴

أَلْكَرْسِي : صندلی «جمع: **أَلْكَرْسِي**»

كَرِهَ : ناپسند داشت ۱۱

أَلْكَسَلَان : تنبل ≠ **أَلْشَّيْطَان** ۶

كَشَفَ - **أَشْكَار** کرد

أَلْكَفَ ، **أَلْكَفُو** همتا «جمع: **أَلْأَكْفَاء**» ۱

كلا: هر دو

أَلْكَلام : سخن

أَلْكَلْب : سگ «جمع: **أَلْكَلَاب**»

كَلَّمَ : سخن گفت = **حَدَّثَ** ، **تَكَلَّمَ** ۶

كَلَّمَا : هرگاه ۴

كَلَّمَ ، **يَتَان** ، - شما «جمع مذکر»

كَلَّمَ : چند ، چقدر

كَلَّمَا ، **يَتَان** ، - شما «مثنی»

كَلَّمَا : همانگونه که

كَمَلَّ : کامل کرد

كَمَلَّ ، **يَتَان** ، - شما «جمع مؤنث»

أَلْكَنَز : کنج «جمع: **أَلْكَنُوز**»

أَلْكَهْرَبَاء : برق

أَلْكَهْف : غار «جمع: **أَلْكَهُوف**»

كَيْفَ : چطور

كَيْل : پیمانه ۳

أَلْكَيمياء : شیمی

أَلْكَيمياءِي : شیمیایی

ل

ل: دارد ، برای «گاهی ل به ت تبدیل میشود:

مانند لَهُ ، لَكَ»

لا: نه ، نیست ، حرف نفی مضارع

لا يَأْسُ : اشکالی ندارد

لا تَزَالُ : پیوسته

لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ : وظیفه‌ام است؛ تشکر

لازم نیست

لا يُدَّ مِنْ : ناگزیر

لاَحَظَ : ملاحظه کرد

أَلْلاِبَاع : بازیکن

لَامَ (مضارع: **يَلُومُ**) : ملامت کرد

لَأَنَّ : زیرا

الْلَبَّ : مغز میوه ، درون عقل

«جمع: اللَّباب» ۸

نَبَسَ : اقامت کرد

نَبَسَ : پوشید

الْبُؤَةِ : پستاندار «جمع: اللَّبونات»

اللَّحْمُ : گوشت «جمع: اللَّحوم» ۱

اللسان : زبان «جمع: اللِّسنة»

لَعِبَ : بازی کرد

لَعِقَ : لیسید

اللِّغَةِ : زبان

الْلَفَاقَةُ : باند زخم

نَقَبَ : لقب داد ۱۱

نَقَدَ : قطعاً

لُكِنَ ، لَكِنَ : ولی

لَكِي : تا ، تا اینکه

لِمَ : برای چه (ل + ما)

لَمَّا : هنگامی که

لِمَاذَا : چرا

لَمَزَ : عیب گرفت ۱۱

لِمَنْ : مال چه کسی، مال چه کسانی

لَوْ : اگر

الْوَحَةَ : تابلو

الْلَوْنُ : رنگ «جمع: اللَّألوان»

لَوْنٌ : رنگ آمیزی کرد

لَيْسَ : نیست

الْلَيْلُ : شب «جمع: اللَّيالي»

الْلَيْمُونُ : لیمو

الْلَيْثُ : نرم ≠ الْلَيْثُ ۶

الْلَيْثُ : نرمی ≠ الْلَيْثُ ۶

م

ما : آنچه

ما : حرف نفی ماضی

ما؟ : چه ، چه چیز ، چیست؟

ما أَجَعَلَ : چه زیباست!

ما أَنْتَ وَ عَيْتُكَ : تو را با دیگران چه کار؟ ۳

ما بِكَ : تو را چه می شود

ما مِنْ : هیچ ... نیست ۲

ما يُقَارِبُ : نزدیک به ۹

الماء : آب «جمع: مياه»

مادام : تا وقتی که ۱

المأدبة : سفره مهمانی ۱۰

ماذا : چه ، چه چیز

مازالَ ، لا يزالَ ، لَمْ يَزَلْ : همواره ، همچنان

و هنوز ۱

ماشَى (مضارع: يُمَاشِي) : باهم راه رفتند

المَاشِي : پیاده «جمع: المَشاة»

المَأْمُوم : پیرو ۱۰

المَائِدَةُ : سفره غذا

المُبَارَاة : مسابقه «جمع: المُبَارَايات»

المُبْتَطِن : پُرخور ۱۰

المُبِين : آشکار

المُتَجَر : مغازه

المُتَخَف : موزه

المُتَقَرِّج : تماشاچی

المُتَمَادِي : طولانی ۱۲

مَتَى : چه وقت

مَتِيماً : هرگاه ۵

المِثَالِي : نمونه

مَثَلٌ : نماینده شد، نمایندگی کرد ۱۲

المِجَال : زمینه

المِجَالَسَةُ : همنشینی

المِجْتَهِد : کوشا

المِجْد : بزرگواری ۳

المِجْد : کوشا

المِجْرَب : آزموده

المِجْرَدَةُ : خالی شده از زوائد ۲

المِجْفَف : خشک شده

المِجْفُو : رانده شده ۱۰

المِجْنُون : دیوانه

المِجْهُول : ناشناخته ، گمنام

المِجْبِب : برآورنده ۷

المِجْاصِيل : محصولات ۸

المِجْاصِرَة : سخترانی ۹

المِجْافِطَة : استان ، نگهداری

المِجْامِد : ستایش‌ها

المِجْاوِلَة : تلاش

المِجْغَار : دماسنج

المِجَل : مغازه «جمع: المِجَلات»

المِجِيطُ الأَطْلَسِي : اقیانوس اطلس

المِجِيطُ الهَادِي : اقیانوس آرام ۸

المِجْبُوع : پنهان = الْخَفِي ۶

المِجْتَبَر : آزمایشگاه

«جمع: المِجْتَبَرَات»

المِجْخَزَن : انبار «جمع: المِجْخَزِن»

المِجْصَر : سرسبز ۱

المِجْد : کشیدن ، گسترش ۹

المِجْدَارَة : مدارا کردن

المِجْدُرْس : معلم

المِجْدَفِع : توپ جنگی

المِجْدِيَنَة : شهر «جمع: المِجْدُن»

المِجْر : تلخ ۶

المِجْرَة : زن

المِجْرَاجَة : دوره

المِرْفَاق : همراه

المِرْمَة : بار ، دفعه

مِرْحَباً بِكُمْ : خوش آمدید، درود بر شما

المِرْحَمَة : مهربانی

مُورٌ : تلخ کرد

مِرْضُ الشَّكْرِ : بیماری قند

المِرْضَاة ، المِرْضَات : خشنودی

المِرْضَى : بیماران «مفرد: المَرِيض»

المِرْق : خورش

المِرْمَى : دروازه ، جای تیراندازی

المِرُور : گذر کردن

المِرْزَاع : کشاورز = المِرْزَاع ، المِرْزَاع ۸

المِرْزَجِم : شلوغ

المِرْسَاء : شب، بعد از ظهر

المِرْسَاعَة : کمک

المِرْسَاعِي : تلاش‌ها

«مفرد: المِرْسَعِي» ۱۲

المِرْسَتَشْرِي : خاورشناس ۹

المِرْسَتَشْقِي : بیمارستان

«جمع: المِرْسَتَشْقِيَات»

المِرْسَتَعِر : فروزان

المِرْسَتَعِين : یاری جوینده

المِرْسَتَفِع : آبگیر، تالاب

المِرْسَتَوَصَف : درمانگاه

«جمع: المِرْسَتَوَصَفَات»

المِرْسَتَوِي : سطح

«جمع: المِرْسَتَوِيَات»

المِرْسَتَهْزِي : ریشخندکننده ۶

المِرْسَتَل : دستگاه ضبط

«جمع: المِرْسَتَلَات»

المِرْسَرُور : خوشحال

= المِرْجَح و المِرْجَحَان ≠ المِرْجَزِين

المِرْسَلِم : مسلمان

المِرْسَمُوح : مجاز

مِرْسُوْلُ الاسْتِقْبَال : مسئول پذیرش

المِرْسُوف : مدیر داخلی

المِرْسَمِش : زردآلو

المِرْصَاب : دچار

المِرْصَانع : انبارهای آب در بیابان

المِرْصَاب : چراغ «جمع: المِرْصَابِیح»

المِرْصَف : قرآن

المِرْصَعْد : آسان‌بر ، بالابر (آسانسور)

المِرْصَنع : کارخانه

المِرْصِير : سرنوشت

المِرْصَر : نام قبیله‌ای

مِرْصِي - (مضارع: يَمْرِصِي) : گذشت

المِرْصِيء : نورانی

المِرْصِياف : مهماندوست

الْمَطَار : فرودگاه «جمع: الْمَطَارَات»
 الْمَطْبَخ : آشپزخانه «جمع: الْمَطْبَخِ»
 الْمَطْبَعَة : چاپخانه «جمع: الْمَطْبَاع»
 الْمَطَر : باران «جمع: الْأَمْطَار»
 الْمِطْرَقَة : چکش
 الْمَطْعَم : غذاخوری، رستوران
 «جمع: الْمَطَاعِم»
 الْمَطْهَر : پاک کننده
 الْمِظْلَة : چتر ۲
 مَعَ : همراه، با
 مَعًا : با هم
 الْمَعَارَضَة : مخالفت ۱۰
 مَعَ الْأَسْف : متأسفانه
 مَعَ السَّلَامَة : به سلامت
 مَعَ بَعْض : با یکدیگر
 الْمَعْقَابَة : پیگرد
 الْمَعَالِجَة : چاره جویی، درمان
 الْمَعَالِم : آثار
 الْمُعْجَبَة بِ : شيفته ۹
 مَعْجُونُ أَشْنَان : خمیر دندان
 الْمُعْد : آماده شده ۲
 الْمَعْمَر : کهنسال، سالخورده ۸
 الْمِفْتَاح : کلید «جمع: الْمِفْتَاحِ»
 الْمِفْتَكِر : اندیشمند
 الْمَفْرُوش : پوشیده
 الْمَفْرُوشَات : فرش‌ها
 الْمُقَابِلَة : مصاحبه ۹
 الْمَكْتَبَة : کتابخانه
 مَكْرٌ : نیرنگ زد، چاره اندیشی کرد
 الْمَكْرَم : گرامی
 الْمَكْرَمَة : بزرگواری «جمع: الْمَكْرَمِ»
 الْمَكْرُوب : اندوهگین
 الْمَكْتَسَة : جaro «جمع: الْمَكَانِس»
 مَكَيْفُ الْهَوَاء : کولر
 الْمَكَارِه : سختی‌ها ۱۰
 مَلَأَ : پُر کرد
 الْمَلَأَس : لباس‌ها = اَلثَّيَاب
 الْمَلْهُوظ : قابل ملاحظه
 الْمَلْعَب : زمین بازی، ورزشگاه
 «جمع: الْمَلْعَابِ»
 الْمِلْف : پرونده
 مَلِكٌ : مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد
 الْمَلِك : پادشاه «جمع: الْمُلُوك»
 الْمُلْك : پادشاهی، جهانداری، دارایی
 الْمُلُوت : آلوده کننده ۸
 الْمَلِيج : با نمک
 مِمَّا : مِنْ + ما : از آنچه ۱۰
 الْمُمَائِل : مانند هم ۳

الْمَمَر : راهرو، گذرگاه «جمع: الْمَمَرَات»
 مَمَرُ الْمَشَاة : گذرگاه پیاده
 الْمَمْرُض : پرستار
 الْمَمْرُوج : درهم آمیخته
 الْمَمْشُوع : پُر از
 مِنْ : از
 مَن : چه کسی، چه کسانی، هرکس
 مِنْ أَيْن : از کجا، اهل کجا
 مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا، به غیر خدا
 مِنْ فَضْلِكَ : خواهشمندم
 مِنْ قَبْلِ : از طرف ۳
 الْمُمَارَظَة : رویارویی ۱۰
 مَنَاطِقُ الْجَذِبِ السَّيَاحِي : مناطق دارای
 جاذبه جهانگردی
 الْمُنْتَصَف : نیمه ۲
 مُنْدٌ : از هنگام ۹
 الْمُنْشَقَة : حوله
 الْمُنْصَدَة : میز
 مُنْظَمَةُ الْأَمَمِ الْمُتَّحِدَة : سازمان ملل متحد
 الْمَنْصُوت : موصوف ۲
 الْمُنْقَذ : نجات‌دهنده
 الْمُنْهَر : ریزان
 الْمُنْهَوم : سیری‌ناپذیر ۷
 الْأَمُوصَات : ویژگی‌ها ۸
 الْأَمُوطِين : شهروند، هم‌میهن
 الْأَمُوت : مرگ ≠ الْحَيَاة
 الْأَمُوسُوعَة : دانشنامه
 الْأَمُوضِل : رسانا ۱
 الْأَمُوظَف : کارمند
 الْأَمُوعِد : وقت «جمع: الْأَمُوعِدِ»
 الْأَمُوتِدِي : راه‌یافته ۱۱
 الْأَمُودِي : آرام‌بخش
 الْأَمُورَجَان : جشنواره
 الْأَمُومَة الْإِدَارِيَّة : مأموریت اداری
 الْأَمُومَة : شغل «جمع: الْأَمُومَه»
 الْأَمُومَة : توطئه
 الْأَمُومَة : مرده
 «جمع: الْأَمُومَات، الْأَمُوتَى» ≠ الْحَي ۱۱
 مِمَرٌ : جدا و سوا کرد ۲
 الْمِمْرَان : ترازو «جمع: الْمِمْرَانِ» ۳
 الْمِمْنَاء : بندر «جمع: الْمِمْنَائِي»

الْأَتَار : آتش «جمع: الْأَتِيرَان»
 الْأَتَاس : مردم
 نَاسِبٌ : مناسب شد
 نَافِذَة : پنجره «جمع: نَوَافِذ»
 نَاقِصٌ : منهای
 نَالٌ - (مضارع: نَيْلٌ) : دست یافت ۱۰
 نَامٌ - (مضارع: نِيَامٌ) : خوابید = رَقَدَ ۸
 النَّائِم : خوابیده «جمع: النَّائِمِ»
 النَّبَات : گیاه «جمع: النَّبَاتَات»
 نَبَتٌ - : روید ۸
 النَّجَاح : موفقیت، موفق شدن
 نَجَحٌ - : موفق شد
 النَّجْدَة : کمک = الْأُسَاعَدَة ، النَّصْر ۴
 النَّجْم : ستاره «جمع: الْأَنْجُوم و الْأَنْجَم»
 النَّحَاس : مِس ۱
 نَحَنٌ : ما
 نَحُو : به سوی = إِلَى ۵
 النَّشَامَة : پشیمانی، پشیمان شدن
 نَشِيمٌ - : پشیمانی شد
 نَزَلٌ - : پایین آمد ≠ صَعِدَ
 النَّزُول : پایین آمدن ≠ الْأَصْعُود
 النَّشَاء : زنان
 نَبِيٌّ - (مضارع: نَبِيْسٌ) : فراموش کرد
 ≠ تَذَكَّرَ
 النَّسِيج : بافت (بافت پیوندی) ۲
 نَشَرٌ - : پخش کرد
 النَّشِيط : بانشاط، فعال ≠ الْكَسْلَان
 النَّص : متن «جمع: النَّصُوص»
 نَصَحٌ - : پند داد
 نَصَرٌ - : یاری کرد
 النَّصِيب : سهم ۷
 النَّصْر : تر و تازه
 النَّظَارَة : عینک
 نَظَرٌ - : نگاه کرد
 النَّظَر : نگاه
 نَظَرًا لـ : نظر به
 نَظَفٌ : تمیز کرد
 النَّظِيف : پاکیزه
 النَّعْت : صفت ۲
 نَعَمٌ : به
 النَّعْمَة : نعمت «جمع: الْأَنْعَم و الْأَنْعَم»
 نَفْسٌ : خود، همان
 النَّفْط : نفت
 نَفَعَ : سود رساند
 النَّفَقَة : هزینه
 النَّفُوس : جمعیت
 نَقَارُ الْخَشَب : دارکوب ۲
 نَقَرٌ - : نوک زد، کلیک کرد ۲

ن

نَا : مان، - ما
 النَّجَاح : موفق، پیروز
 نَاحٌ - (مضارع: يَنُوحُ) : شیون کرد
 نَادَى (مضارع: يَنَادِي) : صدا زد

نَقَصَ : کم شد
النَّقْود : پول ، پول ها
نَمَا : (مضارع: **يَنْمُو**) : رشد کرد
النَّمْلَةُ : مورچه
نَوَّرَ : نورانی کرد = **أَنَارَ** ۷
النَّوْعِيَّة : جنس ، نوع
النُّوم : خواب
نَوَّنَ : تنوین داد ۶
النَّوَى : هسته ۸
النَّهَار : روز
النَّهَائِيَّة : پایان ≠ **الْبَدَائِيَّة**
النَّهْر : رودخانه «جمع: **الأنهار**»

و

الْوَاجِب : تکلیف
وَاجَةٌ : روبه رو شد
واحد ، **واحدة** : یک
الْوَاسِع : وسیع
وافق : موافقت کرد
الْوَاقِف : ایستاده
الوالد : پدر = **أب**
الوالدة : مادر = **أُم**
الوالدین ، **الوالدان** : پدر و مادر
الوالی : استاندار ۳
وَجَدَ : (مضارع: **يَجِدُ**) : پیدا کرد
الْوَجَع : درد «جمع: **الوجاع** = **الآلم**»
الْوُجْه : چهره «جمع: **الوجوه**»
وَحْدَةً : تنهایی ، همبستگی
وَحْدَكَ : تو به تنهایی
الْوَحِيد : تنها
وَدَّ : (مضارع: **يُودُّ**) : دوست داشت ۳
الْوُدَّ : عشق
وَدُّوا لَوْ تَغْفُلُونَ :
 آرزو می کردند غافل شوید ۳
وَرَاءَ : پشت ≠ **أَمَامَ**
وَرِثَ (مضارع: **يَرِثُ**) : به ارث برد ۸
الْوَرْد : گل «جمع: **الورود**»
وَرْدَةً : یک گل
الْوَرَع : پارسایی
الْوَرَق : برگ «جمع: **الأوراق**»
وَسَّوَسَ : وسوسه کرد ۳
وَصَفَ : (مضارع: **يُصِفُ**) : وصف کرد
وَضَعَةً : نسخه
وَصَلَ : (مضارع: **يَصِلُ**) : رسید
وَضَعَ : (مضارع: **يَضَعُ**) : گذاشت = **جَعَلَ**
وَعَدَ : (مضارع: **يَعِدُ**) : وعده داد
وَعَطَ : (مضارع: **يَعِطُ**) : اندرز داد ۸

وَلَّى (مضارع: **يُؤَلِّي**) : کامل کرد
الْوَقَايَةُ : پیشگیری
وَقَعَ : (مضارع: **يَقَعُ**) : واقع شد ، اتفاق افتاد ، افتاد
وَقَفَ : (مضارع: **يَقِفُ**) : ایستاد
الْوَقْعُ : سوخت (مواد سوخت)
الْوَكْنَةُ : لانه «جمع: **الْوكنات**» = **الْوَكْرُ**
وَلَدَ : (مضارع: **يَلِدُ**) : زایید ۹
الْوَلَد : پسر ، فرزند «جمع: **الْوُلاد**»
وَلَوْ : اگرچه
وَلَّى : (یَلِي) : به دنبال آمد ۳
وَلَّى (مضارع: **يُؤَلِّي**) : رو کرد
الْوَلِيَّ : یار «جمع: **الْوَلِيَاء**»
الْوَلِيَّة : همراز ۱۱
وَهَبَ : (مضارع: **يَهَبُ**) : بخشید
 = **مَنَحَ** ، **أَعْطَى** ۸
وَهِيَ : در حالی که او ۶
وَيْلَ لَنَا : وای بر ما ۳

هـ

هَـ : ش ، ـ او ، ـ آن «مذکر»
هَـ : ش ، ـ او ، ـ آن «مؤنث»
هاتان : این دو ، اینها «مؤنث»
الْهَاتِف : تلفن «جمع: **الْهَاتِف**»
الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ : تلفن همراه
الْهَدَائِي : آرام
هَامَ : (ماضی: **يَهِمُّ**) : تشنه و سرگردان شد
الْهَامُ : مهم
هامس : پچپچ کرد
هَجَرَ : جدا شد
الْهَجْر : دوری ، جدا شدن
هَجَمَ : حمله کرد
هَدَدَ : تهدید کرد ۳
الْهَدَف : گل (در فوتبال)
هَذَا : این «مذکر»
هَذَانِ : این دو ، اینها «مذکر»
هَذِهِ : این «مؤنث»
هَرَبَ : فرار کرد
هَلَّ : آیا
هَلَكَ : مُرد ، هلاک شد
هَمَّ : آنها ، ایشان «مذکر»
هَمَّ : ایشان ، آنها «مذکر»
هَمَّا : آن دو ، آنها
هَمَّا : ایشان ، آن دو ، آنها «مثنی»
هُنَّ : آنها ، ایشان «مؤنث»
هُنَّ : ایشان ، آنها «مؤنث»
هُنَا : اینجا

هُنَاكَ : وجود دارد ، آنجا
هِيَ : او «مذکر»
الْهَيَّان : خواری ۳
هؤلاء : اینان
هِيَ : او «مؤنث»
هَيَّا (مضارع: **يُهَيِّئُ**) : تهیه کرد
هَيَّجَ : برانگیخت ۳
هَيَّهَاتَ : دور شد

ی

يَـ : م ، ـ من
يَا : ای
يَا لَيْتَنِي : ای کاش من
يَجِبُ : باید
الْيَد : دست
«جمع: **الأيدي / جمع الجمع: **الأيادي**»**
الْيَدَوِي : دستی
الْيَمْسَار : چپ = **الشَّمال** ≠ **الْيَمِين**
الْيَمِين : راست
يُوجَدُ : وجود دارد
الْيَوْم : روز ، امروز «جمع: **الأيام**»
يَيْسَ : (مضارع: **يَيْسُ**) : ناامید شد



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب عربی، زبان قرآن ۲ با کد ۱۱۱۲۰۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	ملاحت سالک مراد	آذربایجان شرقی	۱۶	خدیدجه حسینی	سمنان
۲	فاطمه زهرا گندم کار	خراسان رضوی	۱۷	فرزانه جباری	کرمانشاه
۳	نعیمه ملبوب	البرز	۱۸	زهرا قموشی فرد	قزوین
۴	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۱۹	مهرستی رایگان	لرستان
۵	مینا عظیمی فر	گیلان	۲۰	نسرین نظری	مازندران
۶	بهجت نانکلی	همدان	۲۱	نسیم فرهنگ	خراسان رضوی
۷	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی	۲۲	پانته آ امیرباشایی	شهر تهران
۸	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۲۳	سید مرتضی صباغ جعفری	کرمان
۹	سید امیر فضیلت جو	کهگیلویه و بویراحمد	۲۴	کبری برزگر	یزد
۱۰	مهديه مرتضوی فر	کرمان	۲۵	علی محمدزاده	اردبیل
۱۱	مرضیه نخعی مقدم	سیستان و بلوچستان	۲۶	محمود اعمی زاده	یزد
۱۲	گوهر رافعی جو	خراسان شمالی	۲۷	بشرا ربیعی	بوشهر
۱۳	فاطمه یوسف نژاد	شهر تهران	۲۸	محمد داوربناهی	خراسان شمالی
۱۴	علی یازرلو	گلستان	۲۹	علی میرزایی	کرمانشاه
۱۵	طیبه عباسی	فارس	۳۰	منصور سلامت جو کندان	گیلان



أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ، نَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ، إِلَى الْلِقَاءِ،
سَلِّتَقِي^۲ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^۳ لَكُمْ النِّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.